[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نسخه ۶ ع ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پنج درم
سه درم

وتخم گل از هر یک سه درم و در بعضی
میکنند و در بعضی بسبایج هندی و زرنباد و درونج عقربی
از هر یک یک درم و نیم و عود هندی و پوست اترج
گاوزبان از هر یک سه درم بهمن سرخ و سفید از هر یک
دو درم بادرنج بویه درونج چینی از هر یک دو درم
[illegible]م کابلی و کافور قیصری و عنبر اشهب از هر یک سه درم
مشک تبتی نیم مثقال ابریشم سوخته سه درم شیر آمله
هلیله کابلی از هر یک بیست درم گلاب و نبات
مصری از هر یکی یک من شراب سیب و حماض و آب
انار چهل درم گفته باشند اما این نسخه مستعمل است
شراب به بیست درم داروها کوفته و بیخته با نبات
و گلاب بر شند و شراب سیب و به و انار اضافه

مفرح معتدل

کشتند و در ظرف چینی کنند و چهل روز [illegible] جو[illegible]
نهند بعد از آن [illegible] شربتی [illegible] مثقال
تا یک درم **مفرح معتدل** خفقانی و وسواس و ضعف دل
زایل کند [illegible] آورد و اخلاط [illegible] مروارید ناسفته بسد
از هر یک پنج درم کهربا دو درم و نیم صندل سرخ و سفید
و آمله مقشر و طباشیر از هر یک چهار درم گاوزبان
پنج درم تخم کاسنی دو درم و نیم درونج عقربی یک
درم و سپاذج هندی دو درم و نیم افتیمون و ورق
گل سرخ از هر یک سه درم زرنباد دو درم تخم بالنگو و
تخم پنج انگشت از هر یک دو درم و نیم و در بعضی نسخها
بیستا و یکی سه درم میکنند و در بعضی نکنند و زعفران
و عنبر اشهب از هر یک یک درم کافور نیم درم مشک
ترکی دانکی و عود خام پنج درم کشنیز خشک دو درم
و نیم خشخاش سفید و نقره و گل ارمنی از هر یک دو درم
زر ورق و نقره ورق یک درم و اگر زر و نقره

وازهریکی

مفرح بارد

وازهریکی مثقالی بود شاید عمل نیم مثقال جمله کوفته و بیخته شراب
سیب خالص با شراب حماض بسرشند شربتی یک درم
تا یک مثقال و اگر خواهند که صد و هفتاد مثقال شراب سیب
اگر شراب حماض خواهند صد و هشتاد و پنج مثقال باید
و اگر نیمی شراب سیب و نیمی شراب حماض کنند بهتر
بود **مفرح بارد** خفقان گرم را سودمند بود و قوت دل دهد
صنعت آن ورق گل سرخ و طباشیر از هر یک دو درم
کشنیز خشک بریان کرده صندل مقاصری از هر یک
یک درم مغز تخم خیارین و مغز دانه کدو از هر یکی چهار درم
تخم تورک و بقلة الحمقا و بن آن بهمن سفید و گاوزبان
از هر یکی دو درم زرشک بیدانه شش درم مروارید
ناسفته و کهربا و بسد از هر یک نیم درم و در بعضی نسخها
کافور نیم درم زعفران دانکی میکنند و در بعضی به مجموعه
کوفته و بیخته نبات بعرق بید مشک بقوام آورند داروها
بدان بسرشند شربتی یک درم تا یک مثقال بود **مفرح گرم**

مفرح گرم

خفقان سرد و ضعف دل را سود دهد و اخلاط آن گاو
زبان و بالنگو و بهمن سرخ و سفید از هر یک بیست درم
اهلیلج در مثلث خوب بنده دخشک و بریان کرده
بیست درم تخم فرنجمشک بیست درم عود قماری
ده درم گل مختوم درم مروارید ناسفته از هر یک مثقالی
زعفران یک درم قرنفل و بسد و کهربا و زرنب و کشنیز
از هر یک دو درم کبابه سه درم ورق گل سرخ و صندل
مقاصری از هر یک پنج درم عسل هلیلج چهار سیر یکی
یاقوت و زر محلول و نقره محلول از هر یک نیم درم
دو درم زرنباد سه درم درونج عقربی یک درم و نیم
منقی نیم من قند سفید یک من و نیم کهربا و بسد باید که
سوخته باشد داروها کوفته و بیخته و قند صافی
کند و قند بقوام آورند و عسل هلیله و منقی کوفته بر
سر آن کنند و حل کند و داروها بدان بسرشند شربتی
یک مثقال نوع دیگر خفقان و ضعف دل که از گرمی بود

نوع دیگر

زایل کند

زایل کند اخلاط آن طباشیر دو درم گاوزبان ده درم تیر
آمله پانزده درم عصاره زرشک پنج درم مقاصری سه درم
بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم ورق گل سرخ پنج درم
درونج عقربی دو درم کشنیز خشک و پوست بیرون
پسته و مروارید ناسفته و کهربای سوخته و بسد سوخته
و ابریشم سوخته از هر یک دو درم زعفران نیم درم
یاقوت چهار دانگ زر ورق و نقره ورق از هر یک نیم مثقال
آب سیب ترش چهل درم حماض چهل درم قند صافی
کرده دو من بقوام آورند و داروها بسرشند شربتی
یک درم مفرح گرم خفقان و ضعف دل که از سردی بود
زایل کند اخلاط آن زرنباد و درونج عقربی و گاوزبان از
هر یک شش درم بادرنجبویه سه درم کوفته و بیخته بشراب
سیب بسرشند بعد از آن بعسل کف گرفته
بسرشند و شربتی یک مثقال مفرح جواهر خواجه رشید خفقان و وسواس
و ضعف دل را سودمند بود و جگر و گرده و مغز را قوت دهد

مفرح گرم

مفرح جواهر خواجه رشید

لص

ولون را بغایت صافی کند و نشاط تمام آورد و بادهای سودا و
رنگ
دفع کند و جهت قوت دل بغایت سود مند بود
و خواص این بسیار است اینجا کوتاه کردیم و صنعت و
اخلاط آن یاقوت سرخ دو مثقال یاقوت زرد چهار
مثقال یاقوت کبود و سفید از هر یک چهار مثقال
لعل سه مثقال پیروزه سه مثقال زمرد یک مثقال و نیم
عقیق چهار مثقال بسد دو مثقال کهربا دو مثقال لاجورد
دو مثقال تخم فرنجمشک پنج مثقال ابریشم مقرض سه مثقال
ورق و قرنفل سه مثقال پوست بیرون پسته چهار مثقال امله
مقشر ده مثقال پوست هلیله کابلی ده مثقال بادرنجبویه
چهار مثقال گل نیلوفر سه مثقال صندل سرخ و سفید
و تخم بادرنجبویه و قرنفل و دارچینی و کبابه چینی
از هر یک سه مثقال گاوزبان پنج مثقال عصاره زرشک
یازده مثقال عود قماری چهار مثقال طباشیر سفید پنج
مثقال عنبر اشهب چهار مثقال مشک تبتی یک

مثقال

مثقال و نیم زر ورق و نقره ورق و گل دارچینی از هر یک
چهار مثقال کافور قیصوری نیم مثقال قاقله کبار سه مثقال
سنبل الطیب و سازج هندی و بهمن سرخ از هر یک دو
مثقال بهمن سفید چهار مثقال آب سیب اصفهانی
یک من آب به اصفهانی یک من آب حماض و نیم من گلاب
و یک من عرق بید مشک و دو من نبات مصری و
دو من نبات را بعرقها و آب سیب و به بقوام زیاده
آورند چون فرو گیرند آب حماض بدان ریزند و داروها
را در آن سرشته شربتی نیم درم تا یک درم نافع بود

مفرح دل
بجهت ضعف و وسواس سوداوی و خفقان
زایل کند و دل را قوت دهد و نشاط تمام آورد اخلاط
آن مروارید ناسفته سه درم بسد یک درم کهربا
یک درم لعل یکمثقال یاقوت زرد نیم مثقال ... یک درم
درم قرنفل یک درم بهمن سرخ دو درم کبابه چینی و بهمن
سرخ از هر یک یک درم زرنباد درم تخم بادرنجبویه

مفرح دلگشا
درم
سفید

سه درم بادرنج هندی یک درم درونج عقربی
نیم مثقال پوست بیرون پسته سه درم پوست اترج
سه درم گاوزبان پنجدرم صندل سرخ و سفید از
هر یک سه درم کشنیز خشک دو درم زر ورق و نقره
ورق از هر یک نیم مثقال ورق گل سرخ سه درم دارچینی
یک درم آمله مقشر پنج درم عصاره زرشک ده
درم طین ارمنی دو درم تخم فرنجمشک سه درم طباشیر
سفید دو درم عود خام یک مثقال کافور قیصوری
پنجدرم زعفران دانگی عنبر اشهب نیم مثقال مشک
ترکی دانگی و نیم شراب حماض مصری نیم من شراب
سیب اصفهانی چهل مثقال شراب به اصفهانی
بیست مثقال داروها کوفته و بیخته بدان سرشته کنند
شربتی یک درم نافع بود **مفرح یاقوتی خاصه** این نسخه
مشهور و معروف است بمفرح صندلین اخلاط آن مروارید ناسفته
یک درم و نیم کهربا یکدرم و نیم بسد یک درم یاقوت

مفرح یاقوتی خاصه

رمانی

رمانی و لعل آتشی وجزنیب و زر محلول و نقره محلول و لافرفین
و زعفران از هر یک یک مثقال ریوند چینی دو درم صندل
سفید شش درم صندل سرخ سه درم بهمن شش درم تخم فرفخ
پنج درم تخم کاسنی پنجدرم آمله مقشر و کشنیز خشک از هر یک
پنجدرم گاوزبان سه درم زرشک بی دانه بیست درم
طباشیر سفید و ورق گل سرخ از هر یک چهار درم تخم خشخاش
سفید پنجدرم تخم کاهو سه درم پوست بیرون پسته
پنج درم درونج عقربی یک مثقال مشک خالص دو درم عنبر
اشهب پنجدرم عود قماری پنجدرم مصطکی یک مثقال
پوست ترنج سه درم آب سیب و آب به از هر یک
بیست عرق بید پنجاه درم عرق گاوزبان پنجاه درم
گلاب پنجاه درم نبات سفید یک من نبات بقوام
آورند آب سیب و به اضافه کند داروها کوفته و بیخته بدان
سرشته کنند شربتی یک درم تا یک مثقال نافع باشد نوع دیگر مفرح

جدوار

یاقوتی خاصه مروارید ناسفته دو درم کهربا یک درم بسد و یاقوت
رمانی و لعل آتشی و حجر یشب و حجر لاجورد از هر یک دو درم
زر محلول و نقره محلول و مافرقین و زعفران درونج حینی
از هر یک یکمثقال صندل سفید و صندل سرخ بهمن سفید
و تخم خرفه و تخم کاسنی از هر یک سه درم آمله مقشر و کشنیز خشک
از هر یک پنجدرم گاوزبان سه درم زرشک بیدانه پنج
مثقال طباشیر چهار درم و ورق گل سرخ چهار درم حسک
سفید سه درم تخم کاهو سه درم پوست بیرون پسته
پنجدرم درونج عقربی و مشک خالص از هر یک یک مثقال
و عنبر اشهب و عود قماری از هر یک پنج درم مصطکی یک
مثقال پوست اترج سه درم عرق بیدمشک و عرق گاوزبان
و گلاب از هر یک پنجاه درم آب سیب و آب به از هر یک
بیست درم نبات یکمن نبات با عرقها بقوام آورند
و داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده بسرشتند شربتی

یک درم

مفرح یاقوت

یک درم با قمع بود **مفرح** یاقوتی دیگر خاصه مروارید ناسفته و
کهربا و بسد از هر یک سه درم یاقوت رمانی و لعل آتشی از هر یک
یکمثقال و حجر یشب و عقیق از هر یک یک درم حجر لاجورد
یک مثقال ورق گل سرخ و صندل سفید و طباشیر سفید
و گاوزبان و صندل سرخ و زرشک بیدانه و کشنیز خشک
از هر یک سه درم ابریشم مقرض دو درم قاقله کبار و ساذج
هندی از هر یک یکدرم پوست اترج سه درم فنج انگشت
و جیز بوا از هر یک دو درم مصطکی یک درم درونج عقربی
یک مثقال پوست بیرون پسته و آمله مقشر از هر یک
دو درم عود قماری سه درم دارچینی یکمثقال سعد
یکمثقال سنبل یک درم خرفه و زر محلول و نقره محلول
از هر یک یکمثقال حجر ارمنی یک درم بادرنجبویه دو درم
مشک خالص نیمدرم عنبر اشهب و نارمشک یک درم مافرقین
یک مثقال آب سیب و آب به از هر یک بیست درم عرق
بیدمشک و عرق گاوزبان از هر یک پنجاه درم گلاب بیست

درم نبات و عسل یکمن صلایه کرده با عرقها بقوام آرند
و آب سیب و به اضافه کنند ادویه کوفته و بیخته
و جواهر صلایه کرده بسرشند شربتی یک درم مفرح
ولکشاء نوع دیگر پوست اترج نیم درم بهمن سرخ و سفید
از هر یک دو درم هلیله سیاه و دارچینی از هر یک سه
درم ورق گل سرخ نیم درم قرفه دو درم زعفران سه
درم بادرنجبویه نیم درم گاوزبان نیم درم مغز بادام
و کنجد سفید و خشخاش سفید از هر یک سه درم مغز تخم
خربزه و مغز تخم خیار بادرنگ از هر یک پنج درم
کرفس یک درم مشک ترکی یک مثقال روغن بادام نیم درم
نبات یکمن ترنجبین نیم من نافع بود ان شاء الله تعالی
مفرح دواء المسک حلو مستعمل ضعف دل مرضها و سوداوی را
سود دارد و بادی که زنان آبستن را پیدا شود نافع بود
صفت آن مروارید ناسفته و کهربا و بسد و ابریشم مقرض
و زرنباد و درونج عقربی از هر یک یکمثقال بهمن سرخ و سفید

و سنبل

و سنبل الطیب و قاقله و قرنفل و بادرنج هندی و اشنه از
هر یک یک درم جندبیدستر یک درم و لعفبی نیم درم
بیکند دار فلفل و زنجبیل از هر یک نیم درم مشک خالص
نیم درم اگر ذکی بود شاید کوفته و بیخته با سه چندان
عسل شهد که آتش ندیده باشد بسرشند شربتی یک درم
تا یک مثقال و قوت آن تا یکسال باقی است نافع بود
مفرح دواء المسک حلو نوع دیگر زرنباد و درونج عقربی
از هر یک یک درم و نیم بهمن سرخ و سفید و بادرنج هندی
و سنبل الطیب و قاقله و قرنفل و اشنه و جندبیدستر
از هر یک چهار درم زنجبیل و دار فلفل از هر یک نیم درم مشک
درم و با دارکی کوفته و بیخته و با سه چندان عسل شهد که
آتش ندیده باشد بسرشند شربتی یک درم تا یکمثقال
نافع بود مفرح دواء المسک مستعمل سودمند بود خفقان
و ورم حلق و رطوبت معده صفت سنبل الطیب و درم
و مشک ترکی از هر یک یک درم زعفران و نانخواه و کرفس
از هر یک چهار درم صبر سقوطری و افسنتین رومی از هر یک

ریوند چینی شش درم خبد سداستبر یک درم مجموعه کوفته
و بیخته بعد از مرطوب ساختند و نیک بذرالفند و بیالایند و بر آن
کنند و بابت چندان عسل مصفی ببرشتند شربتی
نیم درم تا یک درم و قوت این دوا الماسک تا یک سال
باقی است مفرح تام تریدپدآور و صنعت آن بهمن
سرخ و سفید از هر یک پنج درم پوست هلیله کابلی دو درم
گاوزبان و شاه ترنج و بادرنج بویه از هر یک دو درم
کشنیز خشک و طباشیر از هر یک سه درم ابریشم مقرض
و پوست اترج و پوست بیرون پسته از هر یک دو درم
کشنیز خشک و طباشیر مقدار مذکور بسد و کهربا از هر یک
یک درم عود خام یک مثقال مروارید ناسفته دو درم
زر بنا و یک درم درونج عقربی نیم مثقال مجموعه کوفته
و بیخته آب انار و آب زرشک و آب حماض و آب به
از هر یک ده درم قند سفید صد مثقال شراب سیب
بیست مثقال قند صافی کنند و شکر ها و شراب ها
سیب بقوام آرند و نیم مثقال نقره محلول و نیم مثقال زر

محلول

مفرح مبرد

محلول داخل کنند و دارو هالیبرشتند شربتی یک درم نافع بود
مفرح مبرد خفقان و ضعف دل گرم سود مند بود صفت
آن طباشیر سفید و بهمن سفید و ورق گل سرخ و گاوزبان
از هر یک چهار درم بهمن سرخ و بسد و کهربا و مروارید ناسفته
از هر یک یک درم صندل سفید و کشنیز خشک از هر یک
دو درم تخم توزک هشت درم زرشک بی دانه دوازده درم
زر ورق و نقره ورق از هر یک نیم درم پوست بیرون پسته
یکی درم قند سفید یک من عرق بید مشک نیم من قند با عرق
بید بقوام آورند و دارو با بدان بسرشتند شربتی یک درم

نوع دیگر مفرح مبرد

تا یک مثقال **نوع دیگر مفرح** مروارید ناسفته و کهربا و بسد
سوخته و گاوزبان و گل ارمنی از هر یک دو درم طباشیر
یک درم مشک ترکی نیم دانگ قند سفید کوفته و بیخته بگلاب

ده درم

بسرشتند شربتی یک درم بود و خفقان را سود دارد

مفرح مسجی

مفرح مسجی نسخه بالف مستعمل قوت دل و دماغ و جگر و
معده بدهد و قوت پشت و گرده زیاده کند و تمام آورد

ومنی بیفزاید وباه را قوت و اشتهای طعام پدید کند
وهاضمه را قوت دهد صفت آن قرفه پنجدرم خولنجان
وکبابه و قرنفل و جوز الطیب و قاقله کبار و صغار
وتخم فرنجمشک و ورق قرنفل از هر یک سه درم
گاوزبان پنجدرم بادرنجبویه پنجدرم سنبل الطیب
واشنه از هر یک چهار درم زعفران و مصطکی
از هر یک سه درم گاوزبان پنج درم بهمن سفید و سرخ
از هر یک چهار درم ساذج هندی دو درم زرنبل و دار فلفل
از هر یک یکدرم پوست اترج سه درم ورق گل ترنج
نیمدرم سعد هندی یک درم خصیة الثعلب و لسان العصافیر
و بسباسه از هر یک سه درم عنبر اشهب دو درم مشک
ترکی نیمدرم لعل یک درم مروارید ناسفته دو درم
کهربا و بسد از هر یک یکدرم زر ورق و نقره ورق
از هر یک نیم مثقال جدوار اعظم خوب سوده سی مثقال
اگر عسل خواهند دو وزن ادویه عسل و اگر قند خواهند

سه وزن

سه وزن و اگر معجون خواهند بلع کنند بیست درم روغن
بادام دوا را هاون کوفته و بیخته بدان چرب کند و لبن سرشند
و اگر بقند خواهند چنانچه بخته بود و خشخاش ده درم با ادویه
بکوبند و بیزند و بقند ناب زند نیکو بود و شربتی بقدر حاجت
مفرح مسیحی نوع دیگر قرنفل خولنجان و بسباسه و قاقله کبار و
اشنه و ورق قرنفل و گاوزبان و زرنبل از هر یک سه درم
قرفه چهار درم جوز الطیب و سنبل الطیب و بهمن سرخ و سفید
و خصیة الثعلب و نارمشک و فرنجمشک از هر یک پنجدرم
عاقرقرحا یک درم مصطکی دو درم ورق گل سرخ و مروارید
ناسفته از هر یک سه درم بسد و کهربا از هر یک درمی
عنبر اشهب دو درم مشک ترکی نیمدرم لعل یک درم
یاقوت کبود نیمدرم زعفران سه درم زر ورق و
نقره ورق از هر یک نیم مثقال جدوار اعظم خوب سوده
سی مثقال پوست اترج سه درم سعد هندی دو درم
قند سفید یکمن و اگر عسل خواهند نیم من شربتی بقدر حاجت

مفرح

مفرح مسیحی نوع دیگر واین نسخه منسوب است بخواجه رشید
وزیر بعل ولسبایه از هر یکی پنج درم زعفران نیم مثقال
جزو اعظم خوب سوده ده مثقال قند سفید پنجاه درم
واگر بعسل خواهند کف گرفته سی مثقال کوفته و بیخته بدان
بسرشند شربتی یک درم تا یک مثقال الباب الثانی
در معاجین معجون سقنقور خاصه مستعمل از املاء المولی
الاعظم بقراط العهد جالینوس الوقت المعین الملة و
الدین طبیب رحمه الله باه را قوت دهد و نعوظ تمام آورد
صنعت و اخلاط آن شقاقل و بهمن سرخ و سفید و بوزیدان
و سورنجان مصری و لسبایه و دار فلفل و قضیب گاو جوان
خشک کرده سوده وحب الزلم و مغز چلغوزه
ومغز حبة الخضرا و مغز نارجیل و لسان العصافیر
و خولنجان و قاقله کبار و تخم شلجم و دار فلفل و نار
مشک و فرنجمشک صندل سرخ و سفید و گاوزبان و
ورق گل سرخ و بادرنجبویه و هلیون و ابارون

معجون سقنقور

دقه و درونج عقربی و چنر بوا و گل قرفه و ورق فلفل
وجوزبوا و اشنه سفید و عود خام از هر یکی پنج درم
تودری سرخ و زرد از هر یکی چهار درم سره سقنقور
پانزده مثقال خصیة الثعلب و زعفران از هر یکی
پانزده درم کبابه زنجبیل و سعد هندی و زرنب و تخم
بادرنجبویه و زرنباد و مصطکی و کرته تخم انجبت و سورنج
هندی و حجر یشب و کهربا و زر محلول و نقره
محلول از هر یکی درم لولو ناسفته پنج درم عنبر اشهب
ده درم مشک تبتی یک مثقال و نیم سنبل الطیب ده
درم عسل یک درم و نیم یاقوت زرد یک درم
جزو اعظم سوده خوب صد مثقال عسل بقدر حاجت
معجون لبوب خواجی این نسخه هم از املاء مولانا موسن
است منی بیفزاید و لشت را قوت دهد و مثانه را پاک گرداند
از بلغم و ریگ و نعوظ تمام آورد دل و دماغ را
قوت دهد و نشاط تمام آورد صنعت آن مغز پسته و مغز

شنگ میانه را

فندق و مغز بادام و مغز چلغوزه مغز پسته و مغز حب الزلم
و مغز کردکان و مغز حب قلقل و کنجد مقشر و دارچینی
و شقاقل و بهمن سرخ و سفید و تودری سرخ و سفید و
مغز دماغ گنجشک و بیخ بابونه و خشک مربی و عنبرا
از هر یکی پنج مثقال نارجیل و خصیة الثعلب و بهمن سفید
از هر یکی ده مثقال زرنباد و زرنب و خشخاش سفید
و زنجبیل و قرنفل و کبابه و بادرنجبویه از هر یکی سه درم
خولنجان و قضیب گاو و بوزیدان و نقره محلول از هر یکی
سه درم گاوزبان فلنجه مشک مروارید ناسفته
از هر یکی پنج درم و لسان العصافیر و زر محلول از هر یکی
دو مثقال مشک ترکی نیم مثقال عود خام ده درم
زعفران یک درم مصطکی دو مثقال یاقوت کبود
یک مثقال قند سفید یکمن اگر عسل خواهند نیم من بستانند

معجون اسپدار الاطبا این نسخه ازان مولانا اعظم شیخ
الزمان شمس الملة والدین ابن هلال اردبیلی نور الله

قبره

قبره است و خاصیت این بسیار است اما مخصوص است بجهت
چیزی که گفته شود اول آنکه باه را زیادت کند و مجامعت
و دل و دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند و قضیب محکم
دارد و گونه را نیکو گرداند و استعمال کند و بعد از آن مجامعت
کند و از عرق النسا و نقرس و نقصان مجامعت و نقصان
منی و از جمله مرضهای عصبانی ایمن گردد و شربتی از
یک مثقال تا سه درم نافع بود و صفت آن شقاقل و خولنجان
و خصیة الثعلب و بهمن سفید و سرخ و وج و تودری سرخ و سفید
و لسان العصافیر از هر یک سه درم سیره سقنقور سه مثقال
حب البان و حب بلبان و فلفل سفید و مغز تخم خربزه
و مغز تره تیزه و تخم گندنا شامی و تخم شبت و تخم هلیون
و خشک مربی از هر یکی دو درم نارجیل و مغز بادام
و مغز پسته و مغز صنوبر کبار و مغز حبة الخضرا و مغز
حب القطن و کنجد سفید مقشر از هر یک هفت درم
دارچینی و قرنفل و سنبل الطیب و هارون و سیاه

و قرنفل و سنبل الطیب و کبابه چینی و سعد کوفی و قرفه
و دار فلفل و جوز الطیب و نارمشک و عود خام
و عنبر اشهب و زعفران از هر یکی یک مثقال مشک
ترکی دانگی و نیم زنجبیل و بوزیدان و قسط شیرین و مغز
حب الزلم و درونج عقربی از هر یکی دو درم ادویه
ها را با هم بکوبند و مغزها با هم بکوبند و عنبر و مشک و
زعفران با هم بعد از آن سه چندان عسل کف گرفته
بسرشند و در ظرفی کاشی یا چینی نگاه دارند و این
معجون درین خواص که ذکر کرده شد آزموده و مجرب
است معجون سقنقور بنوعی دیگر نسخه مؤلف و مؤلف این
کتاب گوید از معاجینی که جهت باه ترتیب کرده اند بسیار است
اما بهتر ازین نباشد نظیر ندارد و صنعت اخلاط
آن بهمن سرخ و سفید و شقاقل مصری و قرفه و بوزیدان
و بسباسه و کبابه چینی و خولنجان و لسان العصافیر
و قاقله کبار و صغار و سنبل الطیب و فرنجمشک و نار

مشک و قرنفل و مصطکی و بادرنج هندی و عنبر اشهب
و مر و ارتیا بسفایج از هر یک سه درم خصیة الثعلب ده درم
زهره سقنقور پانزده درم قضیب گاو جوان خشک کرده
پنج درم عود خام و تخم بلبیون و زعفران از هر یکی
پنج درم سعد و زنجبیل و بسد و کهربا از هر یکی ده درم
مشک ترکی نیم مثقال لعل یک درم و نیم یاقوت زرد
یک درم زر محلول و نقره محلول از هر یکی نیم مثقال
فستق ده درم جوز اعظم خوب بوده سی مثقال
بادام ده درم قند سفید نیک مین هرکدام که خواهد
شربتی یک درم تا یک مثقال بقدر حاجت معجون
بقراط حکیم و این معجون را مفرح محزون خوانند و این نسخه
حنین بن اسحق از زبان یونانی بعربی نقل کرده که
خلیفه فرستاده و این معجون خاصیت بسیار دارد
بلغم و سودا و ضعف قلب و جنون و نسیان و فکر و

وسعال قدیم ودق وصرع وبهق وبرص وخفت دماغ
ونقرس ومفاصل ودرد معده وجراحات ودوالی
وداء الفیل وداء الثعلب وتخیف وربع وترقان
وصداع وبواسیر وزحیر ودرد جگر وسپرز و
سینه وتاریکی چشم را زایل کند وباه را زیادت
کند خاصیت این یک دسته کاغذ نوشته بود اینجا
کوتاه کردیم صنعت آن حبتیانا رومی وقرد ماما
ودارمشک وبزر گنج انگشت وحب القار وزراوند
طویل از هر یکی یک درم افتیمون وجندبیدستر
وحب بلسان وعود بلسان واسارون وسلیخه
ومصطکی از هر یکی یک درم ونیم مرمکی ووج وزرنباد
ودرونج عقربی وتخم کرفس از هر یکی دو درم وزعفران
وجوز بوا وقرنفل وریوند چینی وقاقله کبار وبسباسه
ودارشنه ودارچینی وسنبل الطیب از هر یکی سه درم

بادرنجبویه

بادرنجبویه نیم درم صبر سقوطری ده درم تربد سفید
مجوف خراشیده بیست وپنج درم عود خام دوازده
درم لک مغسول ودرداحمر از هر یکی پنج درم سعد
سفید وحب محلب از هر یکی چهار درم هلیله سیاه و
آمله از هر یکی شش درم تخم جرجیر وتخم بیاز وتخم گندنا
از هر یکی دو درم زرنب وافلیجه وشیطرج هندی
ودار بیقل شونیز از هر یکی سه درم مجموعه کوفته وبیخته
بروغن بادام تلخ چرب کند وبابه چندان عسل
کف گرفته سرشته ودر ظرف آبگینه کند وشش
ماه درمیان جو کند وبعد از آن استعمال کند وچندانکه
کهنه تر گردد بهتر شود وشربتی از دو درم تا هفت
درم استعمال کند باحتیاط **معجون لولوی** این نسخه
از آن جالینوس است این معجون را هفت خاصیت
است تقویت اعصاب را سخت کند واوعیه را ده گرداند وا
دماغ را قوت دهد وشهوة زیاده کند ودرخفقان

تغیر عظیم پیدا کند چنانچه منی بلذت هر چه تمام تر برون
آید و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل زن زیاده
کند صفت آن مروارید ناسفته و بسد از هر یک
یک مثقال و ارمیون و بهمن سفید از هر یک یکدرم
کاکنج و اصل العلاب از هر یک نیمدرم قاقله اذخر
سعد و کزمازج از هر یک نیمدرم سلیخه و دارچینی
و اسارون و مصطکی از هر یک دانگی و نیم صمغ عربی
و کثیرا از هر یک دانگی و نیم باهم چندان عسل کف
گرفته بسرشتند و در ظرفی آبگینه کنند و در وقت
خواب و هنگام مجامعت یک مثقال با آب فاتر
بخورد و این بغایت است درانچه ذکر رفت و مجرب
معجون بلادر جهت رعشه و فالج و سکته و جمیع امراض
بارده را نافع است صفت آن زنجبیل و عاقرقرحا
و شونیز و قسط و وج از هر کدام ده درم مرمکی
و سداب حلتیت و جنطیانا و زراوند و حب الغار

و جند بیدستر

و جند بیدستر و شیطرج و خردل از هر کدام پنج درم
عسل بلادر پنج مثقال ادویه کوفته و بیخته بروغن جوز
چرب سازند و بعسل بقوام آورده سه برابر اجزا ترکیب
سازند بطریق معجون عطائیه این نسخه از آن مولانا
ناجی مرحوم مغفور صدر الملة والدین عطائی تبریزی
علیه الرحمه والغفران است و این معجون بجهة سرعت انزال
نظیر خود ندارد و مجرب است و آزموده و نافع صنعت
آنکه لبان ذکر و علک رومی و جفت بلوط و بزر القت
از هر یک ده درم عسل دو وزن ادویه باید که جفت
دشته دانه باهم بکوبند و بیزند و لبان و علک الروم باهم
معجون سازند شربتی دو مثقال و غذا دو نوبت
کباب تیهو نوع دیگر از معاجین که همین خاصیت دارد
و مستعمل مولف این کتاب است بلوط و کلنار و شونیز
و لبان ذکر از هر یک ده درم کمون کرمانی و نانخواه
و کرویا از هر یک پنج درم پوست بیخ زردوا ملح مقشر و

هلیله سیاه از هر یک سه درم کشنیز خشک ده درم
مجموعه کوفته و بیخته و با سه چندان عسل کف گرفته
سرشته شربتی دو مثقال با هم داد و شب انگاه
هم چنین غذا دو نوبت و کباب دو نوبت مناسب باشد
این معجون منسوب است بخواجه رشید و زیرا که منع
تقطیر بول میکند و در دفع سرعت انزال نظیر خود
ندارد و مجرب است و آزموده و نافع صنعت آن لسان
ذکر و علک رومی و جفت بلوط و بزر الغب از هر یک ده درم
و علک با هم معجون سازند شربتی دو مثقال و غذا دو نوبت
کباب بود و دو نوبت مناسب باشد این معجون منسوب است
بخواجه رشید ص نوعی دیگر از معاجین که همین خاصیت دارد
و مستعمل مولف این کتاب است بلوط و گلنار و شونیز
و لسان ذکر از هر یک ده درم کمون کرمانی و نانخواه
و کرویا از هر یک پنج درم پوست بلیله زرد و آمله مقشر
و هلیله سیاه از هر یک سه درم کشنیز خشک ده درم

مجموعه کوفته

مجموعه کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته
سرشته شربتی دو مثقال با هم داد و شب انگاه همچنین
غذا دو نوبت و کباب دو نوبت مناسب باشد
این معجون منسوب است بخواجه رشید و زیرا که تقطیر
منع بول کند و در دفع سرعت انزال و اخلاط
مدخلی تمام دارد صنعت آن کبابه چینی و فلفل و
قرنفل و جوز الطیب و خصیة الثعلب و مصطکی و نانخواه
خواه از هر یک سه درم عسل سه وزن ادویه شربتی
یک مثقال یا دو درم مناسب باشد و غذا کباب
با آب گوشت یا زرده تخم مرغ نیم برشت معجون لبوب
کبیر نسخه مالف کتاب خاصیت این معجون است که اول
دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند و منی بیفزاید
و کرده و پشت را محکم گرداند و قضیب را سخت گرداند
و نعوظ تمام آورد و در مجامعت قوت هر چه تمامتر دهد
خاصه جهت نباتی بود که معتدل بگوید صنعت آن مغز بادام
مغز فندق و مغز پسته و مغز حب فلفل و مغز حبه

نمضرا و مغز کردکان و نارجیل و مغز دانک افروز
که آن را بپارسی اکلیل خوانند و مغز حلغوزه و تخم
خربوزه و مغز حب الزلم و کنجد مقشر و خشخاش
سفید از هر یک ده درم کبابه و قرفه و خولنجان
و دارفلفل و شقاقل مصری از هر یک پنج درم مصطکی و
لسان العصافیر و سنبل الطیب از هر یک
سه درم بهمن سرخ و سفید و تخم بلبوس و تودری زرد
و سفید و سرخ و بوزیدان و مغاث و تخم خیار و تخم
شلجم و تخم اسپست و تخم باذروج و تخم گندنا از هر یک شش
درم خصیة الثعلب فرنجوتیه ده مثقال گوشت خشک
مرغی و گوشت خورماهی و قضیب گاو خشک کرده بود ده
از هر یک چهار درم مغز دماغ گنجشک ترکه در وقت [illegible]
گرفته باشند ده درم زعفران و زنجبیل و نارمشک
و فرنج مشک و دارفلفل از هر یکی سه درم عسل بقدر
حاجت شربتی دو مثقال نخود آب غذا بود
با قلیه بازرده تخم مرغ نیمبرشت با کباب یا بیا

خام

خشک از هر یک مثقال زراوند طویل و اصل عرطنیثا و ناخواه
و ترانقل از هر یک چهار درم فراسیون و جعده از هر یک سی درم
کمافیطوس و کمادریوس و اسطوخودوس و فطراسالیون از
هر یک هشت درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند شربتی یک مثقال با آب گرم [illegible] بعد از آن
شش ماه مستعمل بود معجون اعظم خنیقون مستعمل بود [illegible] بود
جهت تباهی مزاج و سردی معده و ضعف دل [illegible]
قسط تلخ و سنبل الطیب و حماما و سلیخه و مر و مصطکی
از هر یک دوازده درم فلفل سیاه و زراوند طویل
و تخم شبت و انیسون و ناخواه و کمون کرمانی و دوقوا
و فطراسالیون و سالیوس و اسارون و افتیمون رومی
و انجدان [illegible] و بودنه صحرائی خشک و تخم خربوزه
از هر یک چهار درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل
کف گرفته بسرشند شربتی یک درم با آب گرم معجون سداد
قوه کبیر مستعمل زعفران و کاشم و تخم کرفس و زنجبیل و حاشا

فی [illegible] در مصنفات
معجون [illegible] الاجوارش [illegible]
مولف [illegible] معجون [illegible] تخم جوارش [illegible]
[illegible] و [illegible] کبیر نوشته
[illegible] جمیع امراض [illegible] از هر یک دو درم
[illegible] درم [illegible] زعفران
[illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] چهار درم [illegible] مثقال
[illegible] ۱۲

و مغز جلغوزه از هر یک شش درم قرفه و فلفل و قرنفل و گل قرفه
و جوز الطیب و دارچینی از هر یک سه درم و افسنتین و عود الصلیب
از هر یک پنج درم عسل سه وزن ادویه نافع بود **معجون**
سیرداد قوی نوع دیگر مستعمل جهت بادهای سرد معده سود بخشد
بود و بغایت صنعت آن زعفران کاشم و تخم کرفس و
زنجبیل و حاشا و مغز حب الصنوبر کبار مقشر از هر یک
شش درم مغز بادام مقشر و کندر ذکر از هر یکی دو درم
فلفل هشت درم کوفته و بیخته با عسل کف گرفته سرشته
و باید که عسل سه وزن ادویه باشد مجرب است
معجون مرد سیاه مستعمل ذوقو و کمون کرمانی و عود و
بلسان و سلیخه رومی و فودنانا و فقاح اذخر و تخم
کرفس از هر یک یک درم دارفلفل و قسط تلخ و فلفل سفید از
هر یک سه درم مرصافی سه درم حب الغار ده عدد و دو
زعفران از هر یک دو درم مجموعه کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته سرشته شربتی یک مثقال با آب گرم خورد

وقوت از دو ماه تا یک سال و نیم و گویند تا سه سال ماند **معجون** تربد
مستعمل سقمونیای پرورده ده درم تربد سفید مجوف خراشیده
صد درم خیربوا و قاقله و زنجبیل و قرفه و دارچینی و مارشک
و قرنفل و فلفل از هر یکی پنج مثقال قند سفید صد درم کوفته و
بیخته بعسل کف گرفته بسرشته شربتی پنج مثقال سفید بود
معجون نجاح مستعمل سولف حافظه مسهل سوداست و بلغم لزج و
خلطهای غلیظ صنعت آن هلیله سیاه و پوست هلیله کابلی
و آمله مقشر و افتیمون از هر یکی ده درم و تربد سفید مجوف
و بسفایج و اسطوخودوس از هر یکی پنج درم غاریقون سه درم
حجر لاجورد و حجر ارمنی مغسول از هر یکی دو درم و نیم
سقمونیا سه درم عسل کف گرفته صد و پنجاه درم
مجرب است و مفید **معجونی** که از وی گل خوردن برطرف شود
نقل از خط حضرت اوستاد در جای نویسی عماد المجود آمله کوفته
و بیخته هلیله زرد هلیله سیاه بویب هلیله پوست هلیله آمله مغز
صنوبر گندم مصطکی زنجبیل هال کوفته و بیخته بعسل بسرشته

معجون که

معجون مقدار الملک مستعمل خاصیت این بسیار است و سود مند است
وجمیع مفاصل و نقرس را و درد دندان را که کرم کرده اند
و از ان رحمت ایمن کند و سود مند بود و درد سپرز را و بادهای
غلیظ و تمامی کهن را و قولنج را دفع کند و سده بگشاید
و سنگ گرده بگدازد و ضیق النفس و سرفه کهن و در ریش
روده و تاریکی چشم و درد گلو زایل کند و هر که دوازده روز بخورد
صحت بدن نگاه دارد و شربتی یک درم بود و این معجون از
بعد از شش ماه استعمال کند و این معجون تا سه سال ماند
اخلاط آن جنطیانای رومی و اسطوخودوس و قردمانا و جاو
شیر و کمافیطوس و تخم سداب و فراسیون و اسقوردیون
و دو مینغه یابسه از هر یک پنج مثقال مر و زعفران و قسط و
فلفل سفید و اذخر و سنبل الطیب و فرفیون و دو سنتج
تفاح و اشق و بودنه کوهی و تخم رازیانه و تخم جزر بری و ورق
گل سرخ و نارجیل و اقلیط و حب بلسان مصری از هر یک سه درم
دار چینی هشت مثقال سلیخه شانزده مثقال قند و عصاره

عاقر

بسیار خام با آب گوشت مناسب بود از عاقبت و ترشی
و شرتی احتراز کنند **معجون** لبوب مستعمل خاصیت وی
انست که منی بیفزاید و گرده را قوت دهد و نقوظ
تمام آورد و سردی و ریگ مثانه پاک کند و مجرب است
صنعت آن مغز بادام و پسته و مغز فندق و مغز نارجیل
و مغز جلغوزه و مغز حبة الخضرا و مغز حب الزلم
و مغز حب فلفل و کنجد مقشر و تودری
زرد و بهمن و تخم شلجم و تخم گزر و تخم اسپست و تخم
پیاز و لسان العصافیر و تخم انجره و بهمن سفید و
زنجبیل و دار فلفل و کبابه و بهمن سرخ و دار چینی
و خصیة الثعلب و قرفه شقاقل مصری و خولنجان
و لبوب از هر یک شش درم و بعضی یا نوشته اند از
اطبا از ان چیز احتراز کنند در استعمال کردن
آن بسبب سمتی که دارد و مؤلف کتاب گوید من
بسیار تجربه کرده ام و در قوت باه بعد خصیه

حب الملوک
الوله
مع سیاه
الوله
تخم سیاه
الوله
نارجیل
الوله

در معجون صالبیه مجری

التعلیب بهیج با تخم هویج بهم رسد خاصه اگر با شیره
گاو تازه خورند پیر روز بیابی اگر چه صاحب منهاج
آورده باشد که چون مثلث خورند مقوی باه بود
ولیکن باشیر مصلح است که دفع سمیت آن بکند
و عسل بقدر حاجت شربتی یک مثقال بود تا دو درم

معجون لبوب نوع دیگر نسخه غریب و خاصیتش آنست که
منی بیفزاید و نعوظ تمام آورد و گرده و پشت را
قوت دهد از هر چه تمامتر صنعت آن مغز پسته و
مغز فندق و مغز جلغوزه و نارجیل از هر یک
پنج درم مغز بادام و کنجد مقشر از هر یک دو درم
بوزیدان و لسان العصافیر و حب الرشاد و تخم اسپست
از هر یک یک درم فانیذ... زرنبل و کباب
و دار فلفل و کندر و ... از هر یکی دو درم بهمن سرخ
و سفید و تودری سرخ و زرد از هر یک چهار درم
خسک مربی و تخم کندر و تخم شلجم و تخم پیاز و تخم الجزر از هر یک

دو درم

معجون لبوب

دو درم عسل بوزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو مثقال نافع
بود معجون لبوب نوعی دیگر خاصیت وی آنست که منی زیاده
کند و نعوظ تمام آورد و گرده را قوت دهد صنعت آن
مغز بادام و مغز پسته و مغز فندق و مغز جلغوزه
و کنجد مقشر از هر یک پنج درم بهمنین و شقاقل
از هر یک شش درم تودری سرخ و سفید و بهمن سرخ
و سفید از هر یک سه درم تخم شلغم و تخم تره تیزه و تخم
پیاز و تخم الجزر و تخم کندر و لسان العصافیر از هر یک دو
درم تخم اسپست و قند سفید از هر یک بیست درم
عسل سه وزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو مثقال
نافع بود لبوب نوع دیگر خاصیت در آن آنست
که منی زیاده کند و نعوظ تمام آورد و محرور مزاج را
بغایت سود دهد صنعت آن مغز بادام و مغز فندق
و مغز جلغوزه و سعرس و مغز نارجیل و مغز حب الزلم
مغز حب فلفل و مغز پسته از هر یک ده درم و نیم
و فانید سه وزن دارو ها فانید با قدر آب بگدازند
و ادویه کوفته و بیخته بدان سرشند و مرکب باید کم

لبوب که
برای قوت باه

معلوم کند که فانید را کعب الغزال مراد است و آن
فانید که آورده اند بالشد می باید که قطعا استعمال
نکند و صفت فانید صاحب منهاج گفته
نوعی دیگر نسخه خوب خاصیت وی آن است که عروق تر
گرداند و قضیب سخت و هم محرور مزاج را شاید صنعت آن
مغز نارجیل و مغز جلغوزه و مغز بادام و حب الزلم
و مغز پسته و مغز بته و کنجد مقشر و شقاقل مصری و حسی[؟]
سفید و تودری زرد و بهمن سرخ و بهمن سفید از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته از هر چه ادویه خشک باشد جدا
گردانند و هر چه لبوب باشد کوفته و بیخته بوزن مجموع
قند کوفته اضافه کنند و بآب ترنجبین معجون کنند
شربتی ده درم و بغایت است درین باب
منفعل مؤلف کتاب گوید که این معجون در امر
مجامعت فعل عجیب میکند و درین باب بغایت است
صنعت آن تخم گزر و تخم شلجم و پیاز و تخم گندنا و تخم
تره تیزک و تخم اسپست تخم جرجیر و تخم بلیون و مغز
جلغوزه حب فلفل و مغز حب الزلم و بوزیدان و قسط

شیرین

شیرین و تودری سرخ و زرد و پلپل العصافیر و
شقاقل و بهمن سرخ و سفید و دارفلفل و حب الرشاد
و حلتیت و قرفه از هر یکی شش درم کوفته و بیخته
و بعسل کف گرفته سرشند شربتی سه درم باشیر تازه
باید خورد و بعضی شراب نوشیرین باید خورد مجرب
معجون فلاسفه
فلاسفه ماده الحیات نیز خوانند و این معجون منسوبست
بفیلسوفان بلغم را دفع کند و مقوی نفس و مفرح بود
و قوت هاضمه بدهد و اشتها باز دهد کند و حفظ را
بیفزاید و ذهن را تیز کند و سردی چکیدن کمیز و
دفع کند و باد را بشکند و منی بیفزاید و قضیب را محکم
گرداند و درد مفاصل و درد پشت را عظیم نافع بود
و دندان را محکم کند و خاصیت این معجون بیش از
حد است چنانچه اگر نوشته شود بسیار شود و مخصوص است
بلغم مزاج را صنعت آن فلفل و دارفلفل و زنجبیل و
دار چینی و پوست بلیله و آمله مقشر و شیطرج هندی

وزراوند مدحرج عروق بابونج ومغز حلغوزه وخصیة الثعلب
ومغز بازجیل از هر یک ده درم بابونج ومنقی سی درم
عسل کف گرفته بوزن ادویه ودر بعضی نسخها از نه
پنج درم میکنند **معجون** نوشدارو که آن را جوارش
مفرح خوانند ومفرح کندی گویند واز معاجین هندیست
بیش از طعام وبعد از طعام شاید خورد ومعده را
قوت دهد وغذا را هضم کند ورنگ روی سرخ دارد
وبوی دهان خوش کند وجگر را قوت دهد واز
معاجین بزرگ اخلاط آن ورد ورق گل سرخ شش درم سعد
کوفی پنج درم قرنفل ومصطکی وهارون از هر یک سه درم
هیل وقاقله وبسباسه وقرفه وعود الطیب وزرنب
از هر یک دو درم شیر آمله یک رطل در نه رطل آب بجوشانند
تا به سه رطل آید فرو گیرند ودر دست بمالند وصاف کنند
وبکمین فاپند که آن کعب الغزال است بقوام آورند داروها
بدان سرشتند واگر بعسل کنند تا قند شاید وقدری

معجون نوشدارو

نشک اضافه کند وبعضی فرنج مشک ومروارید ناسفته
وبسبایج هندی از هر یک دو درم اضافه کنند تربتی
دو مثقال ونیم نافع بود **معجون** افقر دیارکبیر مستعمل
که آن را بلادری بزرگ خوانند سودمند بود جهت
فالج ولقوه وصرع وتریاق جمیع رنجهاست از سردی
بود باه را قوت تمام دهد خاصه بلغمی مزاج را سیح
معجون در امر باه به از این نیفتد ومجرب است وار بوده
صنعت آن عاقرقرحا وشونیز وقسط وفلفل ودار فلفل
ودوج از هر یک ده درم ورق سداب وخبط بای روی
وحلتیت وزراوند مدحرج وحب الغار وجند بیدستر
وشیطرج هندی وخردل از هر یک پنج درم بلادر چهار
مثقال ونیم داروها کوفته وبیخته بروغن گردگان
چرب کنند وباسه چندان عسل کف گرفته بسرشند
یک درم تا یک مثقال دهد چند کهن گردد بهتر شود ودر لطف
کتاب گوید که از جهت قوت باه کسی که بلغمی مزاج بود دهد

معجون

این معجون گفتم و استعمال کردم بغایت پسندیده داشتند
و در قوت حفظ و ذهن و دفع نسیان و فالج و لقوه
و همه رنجها که از سردی بود بغایت سودمند است **معجون** — معجون الفرد
ما ضیعر مستعمل این خواص نزدیک است بخواص کبیر و شربتی
از دو یک درم تا یک مثقال بود و صنعت آن هلیله سیاه
و پوست بلیله و امله مقشر از هر یکی ده درم سعد کوفی
و سنبل الطیب و کردوج و کندر و فلفل سیاه و زنجبیل
و عسل بلادر از هر یکی پنج درم داروها کوفته و بیخته و بروغن
گردکان چرب کنند و پس چندان عسل کف گرفته بسرشند
و بوقت حاجت استعمال کنند که نافع است **معجون** اثاناسیا — معجون
کبیر مستعمل بود و سودمند بود جهت ورم صلابت جگر و درد شکم و پشتها
روده و سپرز و درد عصبها را سودمند بود و درد گرده
عسر النفس و سرفه که از کثرت رطوبت بود که در سینه
جمع شده باشد نافع بود اخلاط آن زعفران و مر و قرد
ما نا و حشیش سیاه و سنبل الطیب و اصل غافث و عصاره

غافث

غافث و جگر گرگ و سیرونج و گوسفند کوهی سوخته از هر یکی
ده درم کوفته و بیخته در ثلث خون کنند بعد از آن باید
چندان عسل کف گرفته بسرشند و در ظرف چینی یا کاسی
یا قلعی یا آبگینه کنند و بوقت حاجت استعمال کنند — معجون
فلافلی نسخه صاحب کامل جهت ریح نافع بود صنعت این
فلفل سیاه و سفید و دار فلفل از هر یکی بیست درم
عود بلسان ده درم زنجبیل و تخم کرفس و سلیخه و سیسالیوس
دیاروس و راسن از هر یکی یک درم بسرشند **معجون** فلونیای — معجون
رومی مستعمل سودمند بود جهت قولنج و عسر بول و سپرز
و سپل و تشنج و درد جگر را سودمند بود و درد دندان
ببرد نشد باکن کرده و ذبحه و خناق را زایل کند صنعت این
افیون ده درم قطراسالیون و سنبل الطیب از هر یکی چهار
درم تخم کرفس نبطی سه درم ساذج هندی و سلیخه و عاقر
قرحا و حب بلسان و فرفیون از هر یکی یک درم داروها کوفته
و بیخته و بروغن بلسان چرب کرده باشند چندان عسل

کف گرفته بسرشتند وبعداز شش ماه استعمال کنند
شربتی ماندیک نخود از بهر قولنج ودرد گرده با ب کرفس
دهند وبعضی از اطبا بدل تخم کرفس بدو قول می کنند وقوت
این معجون از سه ماه تا سه سال می ماند. فلونیای
پارسی مستعمل بوده اند بود وقولنج را وخون زنان وبادهای معجون
رحم ودماغ وذهن را سود دارد صنعت فلفل سفید و
بزرالبنج از هر یک بیست درم افیون ده درم زعفران پنج درم
بعضی از اطبا وطین مختوم ده درم می کنند وسنبل ومر وعاقر
قرحا وفرفیون از هر یک دو درم جند بیدستر یک درم
زرنباد ودرونج عقربی از هر یک پنج مثقال مشک ربکاو مر
وارید ناسفته از هر یک نیم مثقال کافور دانکی ونیم
مجموعه کوفته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشتند
وبعداز شش ماه استعمال کنند وهر چند کهنه تر شود بهتر
باشد وقوت این معجون همین قدری ماند که فلونیای
رومی تا سه سال معجون برشعثا مستعمل جهت دردندان
معجون

جن

جون بروی نهند عظیم نافع بود وجهت قولنج سرد رم ورد
بزنداز تمام دارد وقطع خون بکند واین نسخه بغیر
مستعملست که نسخه حکیم ابوالبرکات واین نسخه منسوبست
بشیخ الرئیس صنعت آن فلفل سفید وبزرالبنج از هر یک
بیست درم افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل
الطیب وعاقرقرحا وفرفیون از هر یکی یکمثقال کوفته
وبیخته با دوچندان عسل کف گرفته بسرشتند وبعضی
سه وزن میکنند وبعداز شش ماه استعمال کنند معجون
نوع دیگر معجون را نجه مصطکی وزنجبیل وفلفل وقرنفل و
دارفلفل ونخود ده از هر کدام دو مثقال عسل صاف
بیست وچهار مثقال ترکیب سازند نافع بود برشعث معجون
نسخه حکیم ابوالبرکات بوده اند بود ومرضهای قلبی را
از همه نوع ودرد معده را که از باد گرم بود وسرد و
وبیقراری وسوداوی ووسواس ومالیخولیا استسقا
وبی خوابی راسود مند بود وخاصیت این بسیار است

صاحب منهاج هم گفته است اینجا کوتاه کردم صنعت آن
فلفل سفید و ماشه او فرنج مشک و خود و بزر البنج ازرق
از هر یک ده درم زعفران و زراوند طویل و حیطانا
رومی و بصل الفار و افیون و مر از هر یکی هفت درم
عاقرقرحا و سنبل الطیب و مازوی از هر یکی
دو درم و خیدستر و فراسیون از هر یکی یک درم
کوفته و بیخته با دو چندان عسل کف گرفته و بعضی با [illegible]
کنند و بسرشتند و بعد از آن که سرشته باشند و در هاون
کنند تمام بکوبند و بعد از آن در ظرف آبگینه یا چینی
کنند و سر آن محکم دارند و بعد از شش ماه استعمال کنند
که نافع است و مجرب و آزموده **نوع دیگر** معجون برشعثا
نسخه غریب مرصافی و زعفران و لبنی و کما دریوس و
حیطانا و حرف از هر یکی سه درم اقاقیا و هوفاریقون و
دقطریاسالیون از هر یک ده درم قصب الذریره و دار
شیشعان و حب الغار و عصاره لحیة التیس از هر یک

پنج درم

پنج درم زراوند طویل و ریوند چینی و سادروان و حماما
و خبزه و روغن بلسان از هر یک سه درم و نیم صمغ و عصاره
بو دنجویه تند و با قردارو ها کوفته با دو چندان عسل کف
گرفته بسرشتند و بعد از شش ماه استعمال کنند **نوع دیگر**
معجون برشعثا حیطانا و سلیخه و دار فلفل و دارچینی
و خیدستر از هر یک چهار درم سنبل الطیب و تفاح
اذخر و زراوند طویل از هر یک ده درم زعفران
یک درم افیون ده مثقال انیسون و تخم کرفس از هر یک
بیست درم فلفل سیاه بیست و سه درم قسط و خودنم
ساذروج از هر یک ده درم زنجبیل و فودنج خشک از
هر یک هفت درم روغن بلسان یا روغن گل سرخ
از هر کدام که باشد ده درم عسل دو وزن ادویه
بعد از شش ماه استعمال کنند و خاصیت این بسیار است
اینجا کوتاه کردم **معجونی** انفع و این معجون از جمله مفرحات
است و این از معاجین کبار است و بعضی این معجون را

تریاق شمرده اند صنعت آن قرنفل و زنجبیل و فلفل و
سنبل الطیب و دار فلفل و جوز بوا و جوز بویا و قاقله
کبار و شیطرج هندی و دارچینی و سلیخ هندی و لسان
العصافیر و درونج عقربی و بادرنج بویه و لسان الثور
و مصطکی و خولنجان و فرنج مشک و مروارید ناسفته و صندل
و زراوند طویل و مدحرج و سلیخه و یاقوت و ورق گل سرخ از
هر یک دو درم لسان شش درم پوست اترج سه درم
زعفران و پوست بلیله از هر یک یک درم بهمن سرخ
نیم درم عنبر اشهب و مشک ترکی از هر یک نیم دانگ
کوفته مجموع و بغایت سحق کرده و بعسل مصفی سرشتند
شربتی یک مثقال بود **معجون** زرعونی مستعمل مولف
و این معجون خاصیت بسیار دارد و درین کتاب درنگنجد
کوتاه کردیم و خاصیت جهت باه و قوت کرده بدهد
و منی زیاده کند و نعوظ بسیار آورد و دل و جگر و مغز را
قوت دهد صفت آن تخم گندنا و تخم کرفس و تخم اسپست

وابنیون

وابنیون و رازیانه و مغز تخم خربوزه و مغز تخم خیار و بالنگ
و تخم کرفس از هر یک پنج مثقال لسان العصافیر قرنفل و فلنجمویه
و کبابه و عاقرقرحا از هر یک سه درم قرفه و زعفران
و کندر و مصطکی و عود از هر یک چهار درم تخم هلیون و خشخاش
و بوزیدان و بهمن سرخ و سفید و تودری زرد و سرخ
و سفید و لسان العصافیر از هر یک پنج درم زنجبیل و
تخم شلجم و تخم اسپست و تخم جرجیر و تخم تره تیزه و تخم پیاز
و حب الرشاد و کرتبه و تخم گندنا و خولنجان و جوز
الطیب و تخم خرفه و دار فلفل از هر یک سه درم سنبل الفار
یک درم و نیم حب فلفل و مغز حب الزلم و مغز جلغوزه
و مغز نارجیل از هر یک پنج درم خصیة الثعلب و ذکر گاو
خشک کرده و سوده و مغز دماغ کنجشک نیز خشک
کرده که در وقت هیجان گرفته باشند و خبک مرباد شرح
خورما از هر یک ده مثقال عنبر اشهب دو درم
مشک ترکی نیم درم مجموعه کوفته و بیخته فانید که آن را
کعب الغزال خوانند بوزن ادویه و عسل بوزن مجموع

معجون بپازند شربت گرم مزاج اول معجون فرو برد و در
عقب آن یک کاسه ماء العسل بیاشامند مفید است
و در وقت باه در امر مجامعت بهتر ازین معجون نیست
و بکرات مولف کتاب خواص این مشاهده کرده مجرب
است درین باب معجون حجر الیهود مستعمل حافیست
آنست که ریگ گرده و مثانه زیر آن کند صنعت آن
مغز تخم خیار بالنگ و مغز تخم خربوزه و حب کاکنج از هر یک
بیست درم حجر الیهود پنجاه درم کوفته با سه چندان عسل
کف گرفته سرشتند معجون کاکنج مستعمل سودمند بود
درد گرده و مثانه را صنعت آن بزر البنج و درازیانه از
هر یک هفت درم مغز تخم خربوزه پنج درم تخم حماض
و افیون و حلغوزه بریان کرده و مغز فندق بریان کرده
و مغز بادام بریان کرده و زعفران از هر یک سه درم
حب کاکنج بیست درم عدد کثیرا چهار درم مجموع کوفته
و بیخته سرشتند و بعد از شش ماه استعمال کنند نوع دیگر
معجون کاکنج مستعمل تخم کرفس و درازیانه از هر یک

هفت درم

هفت درم مغز تخم خربوزه دو درم بزر البنج و تخم حماض بری
و افیون و مغز حلغوزه بریان کرده و زعفران و مغز فندق
مقشر بریان کرده و مغز بادام تلخ بریان کرده از هر یک سه درم
کاکنج بیست و پنج عدد کوفته و بیخته بسیار سرشتند و بعد از
شش ماه کشند و گویند این معجون را الفرض می باید
ساخت وقتی که بسرشتند شربتی یک درم باشد معجون عقرب
مستعمل جهت مثانه و گزندگی عقرب بغایت نافع بود
و صنعت سوختن عقرب آنچه در دیگ بپوزند بگیرند یکی
مسین و عقرب ها را در آنجا اندازند و دیگری را در گل گیرند
و در تنوری که آن بسیار سوخته باشند آتش ها را بیرون
آورند و دیگ را در تنور نهند و سر آن یک شب بنهند
در روز دیگر بیرون آورند و دیگ را در تنور نهند و در طرفی
آبگینه نگاه دارند و هر گاه که خواهند استعمال کنند و بعضی
گویند شش ساعت در تنور نگاه کنند و بعد از آن بیرون آرند
اخلاط آن عقرب سوخته سه درم حنطانای رومی یک درم

معجون عقـ

زنجبیل یک درم فلفل و دارفلفل از هر یک دو درم
پنج کل کنج پنج درم چند بیدستر چهار درم معجون کوفته و بیخته
و بعسل کف گرفته سرشته و بعد از شش ماه استعمال کنند
بالغ را شربتی دانگی بود و نابالغ را نیم دانگ و بغایت مجرب
و نافع است معجون سجرنیا مستعمل این معجون را از تریاق
شمرده اند از صاحب کتاب است خاصیت وی آن است
که سودمند بود در معده و سوء الهضم و قولنج و عسر بول
و جمله مرضهای بلغمی و بادهای بلغمی و بغایت مجرب است
صنعت آن چند بیدستر و افیون و دارچینی و اسارون
و فوذنه و مر و زوفا از هر یک یکمثقال مر و فلفل و دار فلفل
و فقنه و قسط از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته مجموعه بعسل
کف گرفته سرشته شربتی از دانگی تا یک مثقال
و بعد از شش ماه استعمال کنند نوع دیگر معجون سجرنیا چند
بیدستر و دارچینی و مور و زوفا و اسارون از هر یک
یکمثقال کوفته و بیخته باشند چندان عسل کف گرفته سرشته

وچهل درم

وچهل درم مثلث دو دانگی و نیم زعفران اضافه کنند
شربتی از دو دانگی تا ده مثقال بود و این سجرنیا بدل ام
و سیاب و همین عمل می کنند و مجرب است معجون حلتیت
مستعمل خاصیت وی آن است که سودمند بود جهت تسبیع
و گزندگی جانوران صنعت آن حلتیت مستعمل طب
و فلفل سیاه و مرصافی و ورق سداب خشک از هر یک
ده درم کوفته و بیخته بعسل کف گرفته سرشته شربتی
یک درم تا یکمثقال باشد نوع دیگر معجون حلتیت نسخه دیگر
که صاحب منهاج راست دفع سمهای همه جانوران بکند
صنعت آن مرصافی و قسط و ورق سداب خشک و فودنج
و فلفل و عاقرقرحا و قردمانا از هر یکی پنج درم حلتیت
بوزن مجموعه کوفته و بیخته بعسل کف گرفته سرشته
و شربتی نیم درم تا پنج مثقال بود معجون مرستعمل مرصافی
و دارچینی از هر یک ده درم ورق سداب خشک بوده
و قردمانا و قطماتون و قوه و حلتیت و سکنج و جاوشیر

از هر یک سه درم ابهل ده درم مجموع کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشته شربتی سه درم در طبیخ خرما ده
درم روغن گاو نافع بود **معجون** زوفا مستعمل رب السوس
و زوفای خشک و پرسیاوشان از هر یک ده درم قردمانا
و فلفل از هر یک سه درم مغز بادام تلخ و زراوند مدحرج
و تخم انجره از هر یک پنج درم و بعضی در عوض پرسیاوشان
مصطکی استعمال میکنند مجموعه کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته بسرشته شربتی یک مثقال نافع بود
معجون جنطیانای رومی مستعمل بود در درد سپرز و جگر
و سده را بگشاید و درد معده و درد گرده و مثانه
و تب های کهنه را زایل کند صنعت آن جنطیانای رومی
و فلفل سیاه از هر یک دو درم قسط و سادج هندی
و سنبل الطیب و ریوند چینی از هر یک هفت مثقال
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشته شربتی
دو درم تا سه با آب سداب **معجون الغار** مستعمل بود

و سود دهند

و سود دهند جهت دفع باد و وجع های کهن گرداند صنعت آن ورق
سداب خشک پنج درم نانخواه و کمون و شونیز و سعتر
و کاشم و کرویا و قطراسالیون و بادام تلخ و فلفل
و درج و دار فلفل و پودنه از هر یک سه درم جند بیدستر
و سکبینج و جاوشیر از هر یک دو درم حب الغار زرنب درم
کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشته شربتی دو درم نافع
بود **معجون** افتیمون مستعمل افتیمون و تخم کرفس و اسارون
و افسنتین رومی و بادام تلخ مقشر از هر یک دو درم
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته بسرشته و
استعمال کنند سود دهند بود جهت سردی معده و جگر
مجرب است **معجون** سنبل مستعمل بود دهند بود جهت معده
و جگر و صنعت آن سنبل الطیب و قسط و فقاح اذخر
و قصب الذریره و مویز منقی از هر یک چهار درم زعفران
و مر صافی و انیسون و فلفل از هر یکی یک درم مقل ازرق
دو درم سلیخه پنج درم کوفته و بیخته و مقل و مویز باید که

[illegible]

در مثلث جوشانیده بشد بعد از ان با به وزن ادویه
عسل مصفی سرشته استعمال کند **معجون** تفاح مستعمل بود
سودمند بود بسرفه و درد جگر و سینه و معده را و آواز
صافی کند و بول براند و درد سپرز زایل کند و قی را [illegible]
سودمند بود اخلاط آن مویز منقی یا کشمش بیست و پنج درم
زعفران و سنبل الطیب و سلیخه رومی و دارچینی و دار شیشعان
از هر یک یک درم قصب الذریره و تفاح ادخر
و مقل ازرق و علک البطم از هر یک دو درم و نیم مرصافی
چهار درم صمغها و مویز در مثلث خوب تند و باقی
ادویه کوفته و بیخته با به چندان عسل کف گرفته سرشته شند
تا شربتی یک درم تا یک مثقال بود **معجون** ترمس سودمند
بود در معده و مفاصل و صلابت جگر و سپرز
و استسقا و رطوبت و نقرس را و این معجون مخصوص است
بنقرس خاصه در موسم بهار اخلاط آن غاریقون و
اسارون و مرح و فرد مانا و تخم سداب و فرفیون و حار

جگر

عاقرقرحا و کاشم و تخم خندقوقی و صمغ بادام از هر یک چهار
مثقال و افیون و بزرالبنج سفید از هر یکی شش مثقال صمغها
و عصاره در مثلث خوب تند و باقی ادویه کوفته و بیخته
با به چندان عسل کف گرفته شربتی یک درم و در ظرف
آب گینه و بعد از شش ماه استعمال کند **معجون** قیصر مستعمل سود
مند بود خفقان و صرع و درد معده را که از سردی بود و
و سده بگشاید و در خون تغیر عظیم پیدا کند و هاضمه را قوه
دهد و فواق سخت را زایل کند صنعت آن جند بیدستر
و رب السوس و سلیخه و قسط تلخ و فلفل سیاه و افیون
و میعه و زعفران و سنبل الطیب از هر یک سه درم جاوشیر
یک درم مشک ترکی و اگر زر نباد و درونج عقربی و مروارید ناسفته
سفته از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با به چندان عسل کف
گرفته سرشته شند مقدار یک نخود نافع بود **معجون** نجاح مستعمل بلیله
سیاه و لوبیت بلیله و آمله مقشر از هر یکی دو درم
اسطوخودوس و افیثمون و بسفایج و تربد سفید مجوف

خراشیده از هر یکی پنج درم کوفته و بیخته بعسل کف
گرفته به چندان بسرشند و در نسخه بعضی حجر لاجورد
و غاریقون از هر یکی یک مثقال اضافه کنند
معجون نجاح
از کامل الصناعت مالیخولیا و ماده سودا مفید بود
صنعت آن هلیله سیاه و بلیله و آمله مقشر منقی
از هر یکی ده درم بسفایج و افتیمون و اسطوخودوس از
هر یکی پنج درم و اگر خواهد که بقوت تر باشد غاریقون
و خربق سیاه و سقمونیا بقدر حاجت زیاده کنند
مجموعه کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند
که نافع بود   معجون خیار شنبر مستعمل مولف تربد سفید
مجوف خراشیده روغن بادام چرب کرده چهل درم
بنفشه خشک بیست درم نمک هندی و رب السوس
از هر یک هفت درم رازیانه و انیسون و مصطکی از
هر یک پنج درم سقمونیا ده درم عسل خیار شنبر صد درم
روغن بادام چهل درم داروها کوفته و بیخته باید که

سقمونیا

از مال علاء...

سقمونیا با بنفشه سحق کرده باشند و آنچه شرط است سقمونیا
در همه معاجین باید مشوی باشد درینجا مصلحت آن است
که با بنفشه سحق کنند و این صفت باید که مرکب دانند
و مجموعه داروها کوفته و بیخته روغن بادام چرب
کنند و بعسل خیار شنبر بسرشند و عسل صد درم و شکر
صد درم بقوام آورده بدان کنند و معجون سازند
و باید که عسل خیار شنبر آتش ندیده باشد شربتی پنج مثقال
تا هفت مثقال   نسخه دیگر معجون خیار شنبر آتش ندیده
باشد از وصول تراکیب و آن نسخه سقمونیا زیاده از
قانون است و این نسخه مستعمل مولف است صنعت
آن تربد سفید مجوف خراشیده روغن بادام چرب
کرده و بنفشه از هر یک چهار درم رب السوس نه
مثقال نمک هندی هفت درم مصطکی و انیسون و رازیانه
از هر یکی پنج درم سقمونیا مشوی پانزده درم روغن با
دام بیست مثقال فانید مکرر یمانی و عسل ملوکی خیار شنبر
معجون سوری
از هر یکی صد درم شربتی پنج مثقال نافع بود

مستعمل مولف مخصوص بیادهای نقرس و مفاصلت و
عرق النسا و در دفعت صنعت آن سورنجان مصری
سی مثقال فلفل سیاه و دار فلفل سیاه و دار فلفل
و ورق حنا از هر یکی ده درم کمون کرمانی و شیطرج
هندی از هر یکی دو درم پوست بیخ کبر دو مثقال
بلیلج نفطی دو مثقال و نیم کف دریا و دو مثقال تربد سفید
خراشیده و روغن بادام چرب کرده چهل درم
کابلی هفت درم بوزیدان هفت درم سقمونیا سه درم
دو نیست هلیله زرد پنج مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل کف گرفته شربتی هفت **نسخه دیگر** از وصول و کمون
ترکیب مستعمل مولف سورنجان مصری شش درم ماسرخ
کرمانی و پوست بیخ کبر و شیطرج هندی از هر یک دو درم
و پوست هلیله زرد هفت درم تخم کرفس و نمک هندی
و ورق حنا و کف دریا از هر یک یک درم و ورق گل سرخ
و ورق سقمونیا و زنجبیل از هر یک سه درم تربد سفید مجوف
پانزده درم فلفل سفید و رازیانه و صعتر از هر یک یک

مثقال

مثقال بوزیدان دو درم کشنیز خشک سه درم روغن بادام
چهار مثقال و نیم عسل صد و پنجاه درم نافع بود **معجون نوعی دیگر**
مستعمل مغز تخم خربوزه و مغز بادام مقشر و قند سفید
از هر یک سی درم سقمونیا رشتوی دو مثقال و نیم و داخل
کند و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند و این مسهل
منفعت است و مجرب است **معجون** تیاذریطوس مستعمل مولف
خاصیت این معجون بسیار است سود مند بود مسیحی مزاج سرد
و درد جگر و معده و سپرز و درد گرده و رحم را حیض که
بسته باشد بگشاید و قولنج بگشاید و این مسهل است بلی
شقت و مرضهای کهن و امتلا که از بلغم لزج و غلیظ بود
دفع کند و نسیان و تاریکی چشم و عسر النفس زایل کند
و خلطهای فاسد پاک کند و بدن را قوت دهد و فربه گرداند
و تعدیل در مزاج پیدا کند و بادهای مفردی آن بکند و دیده سبز
بگشاید و درد سینه و ضعف نفس زایل کند و سود مند بود
و کسی را که رنگ زرد شده باشد از نقصان خون پدید شود

مند است و در حبس خون در عروق و تعب ازین دی بود سود مند
و در استسقا که از ضعف جگر باشد و سردی آن سود کند
بود و جهت ربو و سرفه و جذام و برص و خلطهای که درد
گرده و مثانه بود و یکبار زرد و خلطهای سیاه سوخته و بلغم
نافع و عفونت دفع کند و لقوه و رعشه و فالج و خفقان
و صرع زایل کند و قوت حرارت غریزی زیاده میکند
و این معجون را پیش ازین زمان ترکیب کرده اند باسم
ملکی که در آن زمان بوده است و اسم این ملک
تناوریطوس بوده است از ملک یونان شربتی چهار
مثقال در مطبوخ افتیمون و غاریقون بیست درم زعفران
و دار چینی و وج و مصطکی و روغن بلسان و حب
بلسان و قرنفل و فلفل سیاه و دار فلفل و مر و
خولنجان و فقاح اذخر و مو و حماما از هر یک دو درم
قرط و کمادریوس و افتیمون اقریطی از هر یک چهار درم
اسارون و سلیخه و سقمونیا از هر یک شش درم سنبل ا

لطیب سه درم

الطیب سه درم مجموع کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف
گرفته بسرشند و قوت وی تا چهار سال باقی باشد

معجون مسیحی

نسخه مؤلف قرنفل و خولنجان و شقاقل مصری و مصطکی
و بسباسه و لسان العصافیر و عاقرقرحا و پوست اترج
از هر یک پنج درم قرفه و اشنه از هر یک هفت درم
جوز بوا ده درم قاقله و دار فلفل و نارمشک و زعفران
از هر یک سه درم سنبل الطیب ده درم عنبر اشهب
یک درم مشک نیم درم حب و اغطم ... ده درم روغن بادام
ده درم عسل یک وزن و نیم ادویه شربتی بقدر حاجت

معجون مسیحی

مستعمل مؤلف جهت هضم طعام و قوت مجامعت
و قوت پشت و گرده بغایت سودمند بوده اشتهای طعام
باز دید کند صنعت آن عاقرقرحا شش درم فلفل سفید
هفت درم زعفران سه درم قاقله کبار ده درم و فلفل عدد
ده درم مصطکی هفت درم قرفه هفت درم جوزبوا اسی

معجون مشک

روغن بادام ده درم قند سفید صد درم بقدر حاجت
نافع بود مستعمل سودمند بود درد جگر و ضعف معده
و سردی آن را ببرده بکشاید و تحلیل ورمهای غلیظ بکند
اخلاط آن مشک و سلیخه و سنبل الطیب و ساذج هندی و لک
نیم و ریوند چینی و حیطانا رومی از هر یک دو درم زعفران
و نانخواه و تخم کرفس و مصطکی از هر یک سه درم عود هندی
و قرنفل و مرصافی از هر یک ... درم مجموعه کوفته و بیخته
با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی یک درم

معجون ...

با آب گرم نافع بود مستعمل سودمند بود کسی را که
آب از چشم روان بود صنعت آن ... و حلیلت و
زنجبیل و تخم رازیانه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی
یک مثقال نافع بود و مجرب و آزموده مستعمل بود بند

معجون قسط

بود در معده و جگر را صنعت آن دارچینی هفت درم قسط
تلخ هفت درم انیسون و تخم کرفس و اسارون از هر یک سی

معجون تمری

درم کوفته و بیخته و بعسل کف گرفته بسرشند شربتی یک
مثقال نافع بود مستعمل و این غیر جوارش
تمریست و صنعت آن در باب جوارشات گفته شد
صنعت این
و جهت قولنج و عسر البول نافع بود عظیم مجرب است
خورمای ... درم پانزده مثقال بود بوره ارمنی و زیره
کرمانی و زنجبیل و قطراسالیون از هر یک دوازده درم
ورق
سقمونیای مشوی پنج درم مغز بادام سفید کرده و
بیداب خشک از هر یک ده درم و باید که زیره کرمانی
یک روز در سرکه خیسانده باشند همه را کوفته
با تمر و عسل بسرشند شربتی پنج مثقال و همان عمل
تمری میکند والله الموفق والمعین **الباب الثالث**

جوارش سقنقور

فی الجوارشات مستعمل سودمند بود
جهت کرده سپر در او باه را زیاده کند و نعوظ تمام
آورد و خاصیت این بسیار است اینجا کوتاه کردیم
صنعت آن تخم بلبوس تخم ... و تخم کندنا و تخم شلغم

وتخم اسبست وتخم خیار چنبر وحب الرشاد واشنه ومغز
حبة الخضرا ولسان العصافیر وکنجد مقشر وتخم تره تیزه
ومغز چلغوزه از هر یکی سه درم زنجبیل وشقاقل مصری وخولنجان
ودار فلفل از هر یکی پنج درم وجوز الطیب ودار چینی
وبهمن سرخ وسفید از هر یکی دو درم بیره سقنقور مجدبرم
خصیة الثعلب ده درم ذکر گاو خشک کرده بوده
وده درم داروها کوفته وبیخته با سه چندان عسل
کف گرفته سرشته شود وادویه جوارشات باید که
خشن تر از ادویه معجون حریر بیخته بود واز آن جوارش
درست وبعضی از اطبا درین نسخه اسقیل بریان کرده
می بوده اند که قطعا اسقیل در معاجین نکنند وممکن نبود
خوردن آن بسبب تلخی آن وشربتی ازین جوارش
ده درم بود ومثلث یا باشیره تازه یا بجای العسل
بیاشامند نافع بود   جوارش سقنقور مستعمل
این جوارش شهوت است منقطع شده باشد

نسخه دیگر

ارزن

ارزن ومرد شهوتشان برانگیزاند وبغایت نافع ومجرب بود
وآزموده اخلاط آن تخم جنبد قوقی وشقاقل مصری وتخم
شلغم وتخم دردار و وتخم پیاز وتخم جرجیر وخشخاش وتخم گزر
وکرنب وخصیة الثعلب از هر یکی دو مثقال ونیم وبیره
سقنقور وعلک وقیط شیرین از هر یک یکمثقال
ونیم فلفل سفید وکنجد مقشر ودار فلفل وزنجبیل
وزعفران از هر یک یکمثقال مغز سیر وپس بچه ومغز
بیرمده شیرخواره ومغز دماغ گنجشک ترکه در وقت
بیجان گرفته باشند از هر یکی پنج مثقال وقند یک
مثقال ونیم جوابه شبوط وگوشت آن از هر یک پنج مثقال
وشبوط نوعی از ماهی است که در دجله بغدادی می باشد
واگر خایه وگوشت وی یافت نشود ذکر گاو خشک کرده
وذکر اسب خشک کرده از هر یک ده درم بدل آن
کنند واسقیل مشوی گفته اند یکمثقال ونیم اما مولف این
کتاب استعمال نمی کند در معاجین نسبت غایت تلخی

پس تخمها بکوبد و به پزد و قند و علک را با پنج مثقال عسل بگدازد
و مغزها همه در هاون کند و بساید و بعد از آن ادویه را خمیر کند
و با به چیدان عسل کف گرفته بسرشند و در ظرفی
چینی یا کاسنی یا آبگینه کند و سر ظرف محکم کند و بعد از
چهل روز سر ظرف بگشاید و استعمال کند شربتی یک
مثقال با هفت مثقال آب جرجیر یا با شیره گاو تازه
یا با ماء العسل بکاهد حل کند و باز خورد و غذا دو نوبت
اسفیدباج که با نخود و پیاز و روغن گاو پخته باشد خورد
این جوارش در الخ یاد کرده با بسیار نفایست است و مجرب
و آزموده را — خبث الحدید مستعمل مولف و این

جوارش

افیخوتس خوانند سود مند بود و حبت استرخاء
معده و لوا اسیر و تباهی مزاج و باه را زیاده کند
و گونه روی صافی کند و دفع سرعت انزال کند و فتی که
چهل روز متواتر استعمال کند شربتی دو درم صنعت آن

دلیت

نوبت هلیله کابلی و هلیله سیاه و بلیله و آمله مقشر و
فلفل و دار فلفل و شیطرج هندی و سنبل الطیب و زنجبیل
سعد کوفی از هر یک ده درم تخم اسپست و کندنا از هر یک
چهار درم خبث الحدید مدبر که چهارده شبانروز
بعد از آن خشک کرده و در سایه و بریان کرده و با روغن
بادام و یکبار بسحق کرده سه وزن عسل و به وزن ادویه
دارو ها کوفته و بیخته بدان بسرشند و بعد از آن مشک
ترکی اضافت کند و در ظرف آبگینه یا قلعی کند و بعد از آن
شش ماه مستعمل بود — جوارش الحدید مستعمل حکیم

نسخه دیگر

و معده را سود دارد و می منعت را قوت دهد و گونه روی
صافی کند شربتی روز اول یک درم روز دوم دو درم روز
سیم روز سه درم تا هفت روز بدین طریق زیاده
کند و از هفت روز نگذارند و این جوارش در قوت
می معت بغایت است صنعت آن نوبت هلیله کابلی
و هلیله سیاه و آمله مقشر و نوبت بلیله و فلفل

و دار فلفل و زنجبیل و سعد کوفی و شیطرج هندی و پوست

اترج خشک و سوسن سوزن مدبر بر که و حب الحدید

مدبر بر که چنانچه ذکر رفت در نسخه اول کنجد مقشر

از هر یک ده درم مجموعه کوفته و بیخته و بروغن گاو

چرب کرده و بعسل کف گرفته سرشته که نافع

بود   نسخه مستعمل مولف منفعت کند کرده

جوارش زرعونی

نشت را و معده را قوی گرداند و بلغم دفع کند و بوی

دهان خوش کند و آب زفتی از دهان باز دارد

و بادها بشکند و ساکن گرداند و بیرون در یک نمانه

پاک کند و تخمه با گواریدن طعام ببرد و آب نشت

بیفزاید و جگر و گرده و مغز را قوی کند و لقراط گوید که

در رساله بید زور این معجون تجویز هیچ طبیب محتاج

نباشد و اگر ده کنیزک دارد همه را خشنود کند

صنعت آن تخم کدو و تخم اسپست و نانخواه و رازیانه

و مغز تخم خربوزه و مغز تخم خیار بادرنگ و بیخ کرفس از هر یکی

پنج مثقال

پنج مثقال عاقرقرحا و قرفه و زعفران و مصطکی و عود خام

از هر یک دو درم کبابه و قرنفل و بیخ فلفل که آن را

فلفلموبه گویند و کبابه از هر یک سه درم عنبر اشهب یک درم

کوفته و بیخته باید چندان عسل کف گرفته سرشته

و بعد از دو ماه استعمال کند شربتی دو درم تا دو مثقال

دیگر جوارش زرعونی

باید و نافع بود   گرم مستعمل تخم خشخاش و تخم

شلجم و تخم بادرو تخم تره تیزه و تخم بهیون و مغز حلغوزه

و حب فلفل و حب الزلم و بهمن بیخ و سعد و شقاقل مصری

و بوزیدان و حلتیت و دانه طبیب و خردل و کبر و بابونج

العصافیر از هر یک دو درم حلتیت سفید و فلفل سیاه

از هر یکی پنج درم روغن جوز هندی و مشک آن مقدار که

ادویه بدان چرب کند عسل کف گرفته سه وزن ادویه

شربتی سه درم تا سه مثقال نافع بود بهر یام داد

بیاشامد و اگر در وقت خواب خورد نیز شاید و باید که

جوارش زرعونی

بیشتر از آنکه معجون تناول کند بیست درم شکر سفید
با یک کاسه شیر تازه بیاشامند تا منفعت آن تمام کردد

نسخه شیخ نجم الدین سمرقندی علیه الرحمه و این نسخه
شیخ در قرابادین کبیر آورده است و این نسخه معتمد علیه است
صنعت آن تخم هلیون و تخم قاقله مصری و بهمن سفید و سرخ
و تودری سرخ و زرد و ناف سقنقور و لسان العصافیر
از هر یکی پنج درم زنجبیل و تخم شلجم و تخم کزر و تخم اسپست
و تخم تره تیزه و تخم جرجیر و تخم پیاز و تخم کندنا و خولنجان
و جوز الطیب و دارچینی و فلفل و بوزیدان از
هر یکی سه درم تخم انجره دو درم اسقیل مشوی سه درم
آورده است اما مستعمل مؤلف این کتاب نیست فانید
که از آن کجا نزول مراد بست بوزن ادویه مجموعه
کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته سرشته شود
شربتی یک مثقال تا دو مثقال شاید و این زرعونی مرد یک

است

جوارش جالینوس

است بجوارش سقنقور که ذکر کرده شد و اگر سقنقور یافت
نشود بدل آن دو وزن آن خصیة الثعلب با قدری
خردل کند بغایت نافع است   مستعمل واتبا

جوارش را خاصیت بسیار است و همه اندام را قوت دهد
و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند و بسیاری بول که از
سردی مثانه بود و باز دارد و معده بلغمی سرد و باه را
قوت دهد و لون صافی کند و باد بواسیر را با خورد و غذا را هضم
برد و درد بهر که از سردی بود و تعریق و قوباء و بهق را
سود مند بود و در یک کرده دفع کند و سیاهی موی را
نکه دارد و هر که شبت و یکروز استعمال کند ازین بیماری
ها که ذکر کرده شد ایمن کردد و بعد از ده روز که
ساخته باشد مستعمل بود صنعت آن سنبل الطیب و
سلیخه و قاقله و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سعد کوفی
و زنجبیل و زعفران و فلفل سفید و دار فلفل و قسط بحری

جوارش

وعود بلسان و سادوران و حب الآس و قصب الذریره
از هر یک دو درم مصطکی ده درم قند بوزن جمع ادویه
مجموع کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند شربتی دو
مثقال پیش از طعام و بعد از طعام شاید خورد
عطای مستعمل خاصیت این معجون آن است که منی
بسیار گرداند و مباعت را قوت دهد و گرده و مغز
قوی گرداند مجرب است صنعت آن ثقاقل مصری
و قاقله کوچک و دار فلفل و خولنجان و دارچینی و زنجبیل و
قرفه از هر یک پنج مثقال بهمن سرخ و سفید و تودری زرد
و سرخ و تخم اسپست و مغز تخم خربوزه و جرجیر و تخم پیاز
و حماض و کرفس و کتیرا و یا تخم هلیون و تخم شلجم و
تخم کرفس از هر یکی سه مثقال دار و ها کوفته و بیخته
و ترنجبین سفید از تخم و خاک سه وزن ادویه یکشب
در شیر گاو خوب بساید و بام داد در دست مالند

دهان زکند

جوارش عنبر

وصاف کنند از خاک که در آن باشد و بر آتش نهند که غلیظ شود
و بعد از آن فرو گیرند تا نیم گرم شود و دار و ها بدان
بسرشند و در ظرف کاشی یا چینی کنند شربتی سه مثقال
تا بیست درم شیر گاو تازه نافع بود
مستعمل مجامعت را قوت دهد و باه را زیادت کند
و دل را قوت دهد و خاصیت این جوارش بسیار است
این جا کوتاه کردم صنعت آن قاقله و بسباسه و لبان
دیگر از هر یک چهار مثقال و دار فلفل و زنجبیل از هر یک
هشت درم قرفه و قرنفل و انیسون و بزر البنج و مشک
ترکی از هر یک دانگی عنبر اشهب دو درم روغن بلسان
چهار درم عنبر با روغن بلسان بگدازد و بوزن ادویه‌ها
قند سفید با آن اضافه کند و بعسل کف گرفته بسرشند
شربتی ازین جوارش محرور را نیم درم مرطوب را یک درم
نافع بود   مستعمل بود شده است جهت سردی معده

جوارش کمونی

وتب های معفن وسوداوی و سردی انثیین و فواقی که (بلغمی)
از کثرت بلغم بود زایل کند و این از معجون های رومی است
صنعت آن زنیره کرمانی در سرکه خیسانیده یک شبانه
روز بعد از ان در سایه خشک کرده و بریان کرده
و دو رطل لعیدا دو فلفل سی درم زنجبیل چهل درم
ورق سداب خشک چهل درم بوره ارمنی ده درم
مجموع کوفته و بیخته و با سه چندان عسل کف گرفته
سرشته شربتی یک مثقال تا دو مثقال بشراب بود
وهرچه معاجین وجوارشات باشد بهتر آن بود که بلغم
کند وقطعا نگاید اگرچه صاحب منهاج درجوارش کمونی
مستعمل معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد
و قولنج بگشاید و مخصوص است بقولنج صنعت آن به
اصفهانی پاک کرده از پوست و دانه یک رطل پاره کنند
و در دو رطل شلث بجوشانند تا مهرا شود و بعد از ان فرو

جوارش کمونی به

بکمز

فرو گیرند و از دیگ برون آورند و بکوبند و بکمین عسل صافی بر
بر سر آن کنند و بجوشانند تا نزدیک انعقاد شود و یک فرو گیرند
و این دارو ها کوفته و بیخته بر ان افشانند و بکفچه زنند
تا یک جان شود اخلاط آن زنجبیل و دار فلفل و دارچینی
از هر یک دو درم هیل و قاقله و زعفران از هر یک یک درم
مصطکی پنج درم سقمونیای مشوی ده درم ترید سفید مجوف
خراشیده روغن بادام چرب کرده شربتی از این جوارش
از پنج مثقال تا هفت مثقال بآب گرم جهت قولنج
بغایت نافع بود   مستعمل معده را قوت دهد
و اشتهای طعام باز دید کند و قولنج بگشاید و بخصوص
بقولنج صنعت آن به اصفهانی پاک کرده از پوست و دانه
یک رطل پاره کنند و در دو رطل شلث بجوشانند تا مهرا
شود و بعد از ان فرو گیرند و از دیگ برون آورند و بکوبند
و بکمین عسل صافی بر سر آن کنند تا نزدیک انعقاد و یک فرو گیرند

جوارش سفرجل

این دو ر ورها کوفته و بیخته بدان زفت تند و بکفچه بزنند تا یکسان
شود اخلاط آن زنجبیل و دار فلفل و دارچینی از هر یک دو درم
هلیل و قاقله و زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنج درم سقمونیا
مشوی ده درم تربد سفید خراشیده بروغن بادام چرب نموده
شربتی ازین جوارشن از پنج مثقال تا هفت مثقال
با آب گرم جهت قولنج بغایت نافع بود   از

جوارش تمر

وخیره هم مستعمل خورها و بیرون لی دانه پنجاه درم در یک رطل
سرکه خوب تند یک شبانه روز و بکوبند و بغربال فرو برند
و مغز بادام مقشر سی عدد بکوبند و با تمر هندی بیامیزند
و فلفل سیاه صد عدد و زنجبیل سه درم بوزه ارمنی
یک مثقال ورق سداب و سقمونیا مشوی از هر یک
نه مثقال عسل سه وزن ادویه تمر و مغز بادام و داروها
بدان سرشته شود و عسل کف گرفته بر سر آن کنند و در دیگ دیگر
سر بسته کنند و در ظرفی کنند و استعمال کنند شربتی پنج مثقال

با آب گرم بود

جوارش ... بادیان

با آب گرم   مستعمل بود و منفعت بود سردی معده و جگر را
و آن مسهل قولنج است و بغایت نافع بود و صنعت آن زنجبیل
و قرفه و قرنفل و دارچینی و سلیخه و سنبل الطیب و خولنجان
و هلیل و مصطکی و قاقله و حب بلسان و زعفران از هر یک
چهار درم و نیم سقمونیا سه درم تربد سفید مجوف خراشیده
بروغن بادام چرب کرده هشت درم قند سفید
بوزن ادویه کوفته و بیخته و عسل کف گرفته بسرشند شربتی
از چهار درم تا هفت مثقال بحسب مزاج با آب گرم جهت
قولنج نافع بود   کبردی مستعمل این جوارشن

جوارشن

عنبر سود مند بود جهت معده و خفقان و سوء الهضم
و درد رحم و بغایت پیران را نافع بود و صنعت آن قاقله
کبار و صغار و کبابه و دارچینی از هر یک چهار درم زنجبیل
و دار فلفل از هر یک هشت درم اشنه دو درم قرفه یک درم
قرنفل و زعفران از هر یک ده درم خور الطیب پنج درم

سنبل الطیب و مصطکی و عنبر از هر یکی دو درم مشک و افیون
و بزر البنج از هر یک یک درم روغن بلبان شش درم افیون
در شراب یا مثلث خوب سائید و حل کند و عنبر را به روغن بلبان
بگدازند و دارو ها کوفته و بیخته و بروغن بلبان چرب
کند و بعسل کف گرفته بسرشند و افیون حل کرده بر
آن ریزند و نیک بسرشند و در ظرف آبگینه کنند
و بعد از شش ماه استعمال کند شربتی نیم مثقال نافع
بود و مجرب است

جوارش مسک

مستعمل سودمند بود جهت معده
ضعیف داشته باشد و خفقان و بواسیر صفت آن
مشک ترکی نیم مثقال قاقله و جوز الطیب و قرنفل و
زنجبیل و دار فلفل از هر یکی دو درم و دارچینی سه درم
عود قماری هفت مثقال زعفران دو درم قند
سفید بوزن ادویه مجموعه کوفته و بیخته بعسل کف گرفته
بسرشند شربتی یک مثقال بغایت نافع بود

جوارش اترج

مستعمل قوت

مستعمل قوت معده بدهد و اشتهای طعام باز دید آورد
و باد بشکند و بوی دهن خوش کند صفت آن پوست
اترج خشک سی درم قرنفل و جوز الطیب و دار فلفل
و فلفل و خیربوا و دارچینی و خولنجان و زنجبیل از هر یک یک درم
مشک دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند
و در ظرف چینی یا کاشی کنند که مفید بود

جوارش کافور

مستعمل فلفل و جوز الطیب و زنجبیل و کبابه
و دارچینی و بادرنگ و قرنفل و قلقوبه و فرنج مشک
و کافور و زعفران از هر یک مساوی مجموعه کوفته و بیخته
با سه چندان کف گرفته بسرشند و معجون سازند
و باید که کافور قیصوری طلب کنند و اگر یافت نشود
ریاحی خاصیت سودمند بود جهت ضعف معده و بلغم
غلیظ و سودا الاستمرار بغایت نافع

جوارش مصطکی

مستعمل باه را قوت دهد و شهوة زیاده کند و در مجامعت

قوتی عظیم پیدا کند و مجرب است منفعت آن قرنفل
وجوز الطیب و کبابه و لسان العصافیر و فرنج
اذخر و زنجبیل و دارچینی و مصطکی و عود هندی
و زعفران از هر یک سه درم قاقله و کندر ذکر از هر یک
یکمثقال مشک دانکی و نیم قند و گلاب از هر یک
ده مثقال قند در گلاب حل کند و قدری عسل که
کفایت بر سر آن ریزند و بر سر آتش نهند
تا نزدیک انعقاد فرود گیرند و دارو ها کوفته و بیخته
بدان افشانند و یکپنجه بخوبند تا نیک سرشته
شود و شربتی یکمثقال نافع بود مجرب و آزموده است
جوارشن حلابی — مستعمل منی زیاده کند و مجامعت را قوت دهد
و ضعف کرده را سود دارد و معده را قوی کرداند
و اشتهای طعام باز آورد صنعت آن سنبل الطیب
و قرفه و قرنفل و دارچینی و قاقله از هر یک دو مثقال

انیسون و تخم [illegible]

و انیسون و تخم کرفس از هر یک یکمثقال زیره کرمانی در سرکه خوابانیده
و خشک کرده و بریان کرده مصطکی و نعنع خشک و عود هندی
از هر یک چهار مثقال فلفل دو مثقال انیسون و تخم کرفس
از هر یک یکمثقال و نیم مشک دانکی قند سفید کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته بسرشند شربتی یکمثقال تا دو درم نافع
بود جوارشن عود مستعمل قرنفل سه درم قاقله کبار
دو درم عود خام و پنج درم زعفران یک مثقال سنبل
الطیب دو درم مصطکی سه درم کبابه سه درم جوز الطیب یک درم
قرفه و دو درم پوست اترج پنج درم زنجبیل یک درم دار فلفل
یک درم نبات دو درم نسخه دیگر جوارشن
عود مستعمل مولف قرنفل دو درم عود خام پنج درم
پوست اترج دو درم قرفه چینی دو درم نبات یکمن
جوارشن عود هم مستعمل مولف عود خام پنج درم
اترج و یک درم مصطکی و نبات یکمن جوارشن

نسخه دیگر
نسخه دیگر
نسخه دیگر

جوارش عنبر

عود و هم مستعمل مولف عود خام پنج درم نبات یکمن
مستعمل عنبر اشهب یک مثقال نبات یکمن نبات را
بقوام آورند و فرو گیرند چنانچه رسم است بتبرزد ارا
و عنبر دران اندازند و بسته نیز در تا بلد حل کنند و بر ستد
تنگ بعد ازان بر روی سنگ ریزند و بکار دبیرند
و بردارند و استعمال کنند که مفید است

جوارش مصطکی

مستعمل مصطکی دو مثقال و نیم قند سفید یک من مصطکی
با آب تر کنند و در هاون سحق کنند و آن زمان که قند
تیره باشند نزدیک آن بود که بر سنگ ریزند مصطکی
دران زنند تا تلخ شود و باید که نیم گرم باشد چون
بکار برند بعد ازان بر سنگ بریزند و بکار برند
و بردارند و استعمال کنند که بغایت نافع است سود
مند بود و سردی جگر و معده و بادهای آن و بلغم دفع
کنند و آب رفتن از دهان بازدارد و مجرب است

جوارش فواکه

جوارش فواکه مستعمل مولف کتاب گوید که اینجوارش کسی پیش
از من ترکیب نکرده و این صنعت خاصه مولف است
و معده را قوت دهد و قی باز دارد و جگر و دل را و روده را
قوت دهد و دفع صفرا کند و منقل کردن و دفع خمار کند
صنعت آن آب انار ترش و شیرین و آب سیب و به
صفاهانی و نعنی و آب غوره و آب زرشک و آب کماقی
و آب کیل برو اضافه کنند اگر بود مجموع مساوی
بجوشانند تا یکمن بچهاریکی آید بعد ازان فرو گیرند و
قند صافی کنند و بقوام زیاده آورند چنانچه نزدیک
آن که ببندد و فرو گیرند و در تیزی زدن آب ها
میریزند تا چندان خواهند بعد ازان بر روی سنگ ریزند
و ببرند و بردارند و استعمال کنند و باید که آب ها را جوشانند
و همه باهم جوشانند و بعد از آب حماض و لیمو و بعد ازان
فرو گیرند از آتش و آب لیمو و حماض بر سر آن کنند
و بکار برند چنانچه ذکر رفت مستعمل نکرد

جوارش انار

جوارش زرشک

جوارش غوره

جوارش نارنج و حماض

آب انار ترش و بقوام آورند چنانچه در فواکه ذکر رفت
و نبات هم بقوام زیاده آورند هم بدان طریقه
که در فواکه ذکر رفت هم چنان بسازند که بغایت نافع است
مستعمل بگیرد و آب زرشک تازه و اگر تر نه
بود خشک بغایت سرخ و خوب بود و بکوبانند و داغ
کنند و بپالانید و بقوام آورند چنانچه ذکر رفت بدین
طریقه بسازند و استعمال کنند   مستعمل آب
غوره بقوام آورند نزدیک آب غوره و قند بقوام
زیاده آورده و در تیر زدن می ریزد پس بر سنگ ریزند
و بکار برد چنانچه ذکر رفت
مستعمل قوام قند درین دو جوارش زیاده
از قوام لیموست بخیلی صالح هم در قوام فواکه و انار
باشد و آتش لیمو کمتر از آتش انار باید تا معلوم
باشد و طعم آن معروف و مشهورست جوارش
نعناع مستعمل قند صاف کرده بقوام قرص فواکه آورده

هر که دنعناع

الباب الرابع

اطریفل بزرگ

بهر که و نعناع یکجا بیخته نهند چندانکه ترش شود طعم
نعناع روشن تر شود و بعد از ان بر سنگ ریزد
و چنانچه عادت است و هر چه جوارش فواکه و انار
و زرشک و غوره و نارنج و سکنجبین منفع است
فساد بان کمتر دارند ساختنی بدان سبب صنعت آن
نوشته شد مرکب را آسان بود والله اعلم
فی الاطریفلات   مستعمل بود و مفید بود
بواسیر را و لون را نیکو کردانند و باه را زیاده کنند
و معده را قوت دهد و مجرب است صنعت آن
پوست هلیله کابلی و پوست هلیله سیاه و پوست
بلیله و آمله مقشر و فلفل و دار فلفل از هر یکی سی
درم زنجبیل و بوزیدان و بسباسه و شیطرج هندی
و شقاقل مصری و تودری سرخ و سفید و لسان العصافیر
و مغز حب فلفل و کنجد مقشر و قند سفید وحسی شش

و پوست هلیله زرد و آمله مقشر و اسطوخودوس
و افتیمون و بسفایج از هر یک ده درم مقل فلوس

سفید و بهمن سرخ و سفید از هر یکی ده درم
مجموعه کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند
و بآب چندان عسل کف گرفته بسرشتند شربتی
یکمثقال تا دو مثقال بود و بعد از دو ماه استعمال کنند
و قوت این اطریفل تا پنج سال باقی ماند و قوابت
نافع است مستعمل سودمند بود جهت

اطریفل کوچک

استرخاء معده و رطوبت آن و بواسیر دفع
کند و ذهن را نیکو گرداند صنعت آن هلیله کابلی
و هلیله سیاه و پوست هلیله زرد و آمله مقشر
و پوست هلیله از هر یک ده درم تخم گشنیز پنج درم
کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده باشند
تا بچندان عسل کف گرفته بسرشتند و بعد از
دو ماه استعمال کنند و قوت این اطریفل تا پنج سال
می ماند و شربتی یکمثقال تا دو مثقال نافع بود

و طریق

اطریفل کوچک

سفید و بهمن سرخ و سفید از هر یکی ده درم
مجموعه کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند
و با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند شربتی
یک مثقال تا دو مثقال بود و بعد از دو ماه استعمال کند
و قوت این اطریفل تا سه سال باقی ماند و بغایت
نافع است مستعمل سودمند بود جهة
دفع
اسبرخای معده و رطوبت آن و بواسیر
کند و ذهن را نیکو گرداند صنعت آن هلیله کابلی
مقشر
و هلیله سیاه و پوست هلیله زرد و آمله
و پوست هلیله از هر یک ده درم تخم گشنیز بیخ درم
کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده با سه
تا سه چندان عسل کف گرفته بسرشند و بعد از
دو ماه استعمال کند و قوت این اطریفل تا سه سال
می ماند و شربتی یک مثقال تا دو مثقال نافع بود

ومجربست

اطریفل گشنیز

و مجرب است مستعمل پوست هلیله کابلی
و هلیله سیاه و پوست بلیله و گشنیز خشک اجزاء
متساوی و بعضی هلیله سیاه بشکند و مجموع کوفته
و بیخته بروغن بادام چرب کرده با سه چندان عسل
کف گرفته بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند شربتی
یک مثقال تا دو مثقال بود نافع است جهة صداع که از

اطریفل مقل

بخار معده بود و قوت دهد و بغایت نافع است
پوست هلیله کابلی و پوست هلیله زرد
و آمله مقشر از هر یک ده درم مقل سی درم مقل را
در آب کنند تا حل کند و عسل کف گرفته شصت درم
بر سر آتش کنند و بقوام آورند و دارو ها بدان بسرشند

اطریفل مقل ملین

جهت بواسیر بغایت سودمند بود و مفید و مجرب
مستعمل پوست هلیله زرد و سیاه
و پوست هلیله زرد و آمله مقشر و اسطوخودوس
و افتیمون و بسفایج از هر یک ده درم مقل فلوس

خیار چنبر از هر یکی سی درم مغز خیار چنبر در آب
و عسل کف گرفته سه وزن ادویه بر سر آن کنند
و دارو ها بدان بسرشتند و معجون بسازند که بغایت
نافع است   مستعمل جهت کرم های بزرگ
و خورد بغایت مفید بود صنعت آن ترنجبین کابلی
مقشر ده درم حب النیل و تربد سفید مجوف تراشیده
و قسط تلخ از هر یک پنج درم قنبیل و ترمس و قنطوریون
رومی و شیح ارمنی و افتیمون و اطریفل و ملح نفطی
و خردل سفید و تخم حنظل و سعد هندی و راسن خشک
از هر یک سه درم کوفته و بیخته باد و چندان عسل
کف گرفته بسرشتند شربتی از دو درم تا چهار
مثقال نافع است و آزموده   مستعمل
پوست هلیله زرد چهل درم پوست هلیله کابلی
سی درم پوست بلیله و آمله مقشر و سنا و مکی از

اطریفل دیدان

اطریفل شاهترج جهت گرد و باد خارشتی بغایت مفید

هر یکی

هر یکی ده درم شاهترج سی درم ریوند چینی
و دو درم چوب گز و در مجموع کوفته و بیخته روغن
بادام چرب کرده و بوزن ادویه کشمش بدان
بسرشتند شربتی از یک مثقال تا چهار درم نماید و
مفید است   مستعمل پوست هلیله کابلی
و پوست بلیله و آمله مقشر از هر یک ده درم
سنا و مکی و تربد سفید مجوف و افتیمون از هر یک
پنج درم شیطرج هندی سه درم بسفایج فستقی یک درم
افتیمون و نمک هندی از هر یک دو درم کوفته و بیخته
با سه چندان عسل کف گرفته بسرشتند شربتی
یک مثقال نافع بود   هلیله مربا معده را
قوت دهد و هضم طعام بکند و حمل معده را محکم گرداند
و سده بلغم بگشاید و بواسیر را سود دارد و درد
چشم بیفزاید و درد سر که از بخار معده بود زایل
کند و اگر قدری کشنیز بریان کرده با وی اضافه کنند

اطریفل افتیمون

الباب [illegible] في المربيات

بهتر باشد صنعت آن هلیلج مربا اولی آن بود که در تری
پرورده باشند واگر یافت نشود ضروری بود بستانند
هلیله کابلی بزرگ صد عدد و در ظرفی سنگین کنند و چندان
آب بر سر آن کنند که بپوشاند آن را و بعد ازان
نیم ده درم خاکستر چوب رز یا بلوط بر سر آن کنند
و هر سه روز بدل میکنند وآب و خاکستر تا دوازده
روز جابه نوبت بدل کنند بعد ازان بجنبد آب بشوید
آهسته چنانچه پوست از وی جدا نشود و بعد ازان
در تابه کنند و یک مشت جو کوفته بر سر آن بکنند
و بجوشانند تا جو نیکو پخته گردد و دو یک فرو
گیرد و آهسته بشوید چنانچه پوست از وی نرود
و هر هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرفی چینی یا کاسه
کنند و چندان عسل بر سر آن کنند که آن را بپوشاند
و بیست روز رها کنند و بعد ازان بیرون آورد
از عسل سبب آنکه آبی که در هلیله باشد

بعسل آمیخته شده

بعسل آمیخته شده باشد و عسل رقیق شده باشد
و دیگر عسل تازه بر سر آن کنند چنانچه آن را بپوشاند
و ده روز دیگر رها کنند بعد ازان بجوشانند و دو
جوش برآرند و نیک در ظرفی کنند و این داروها که
یاد خواهیم کرد در ان افشانند اخلاط آن دارچینی و
زنجبیل و قرفه و اهیل و جوز الطیب و مصطکی و عود هندی
از هر یک ده درم مشک نیم مثقال زعفران یک درم
مجموعه کوفته و بیخته در ان افشانند و بعد ازان چهل روز
استعمال کنند و هر روز بیرون ظرف نشوید که لعابت
نافع است مستعمل طبیعت و اگر گرم و خشک بود
و قوت معده و به خاصه که نابوست مربا کرده باشند

اترج مربا

صنعت آن بستانند اترج بزرگ که آن را دیاله خوانند
و زردی آن پاک کنند و ترشی جدا کنند بعد ازان گوشت
با پیکا و در دیگ اندازد و عسل شهد سفید بر سر آن کنند

و با آتش بغایت آهسته بجوشانند تا بقوام آید
و اگر نقفند همین عمل کنند الامر بایست مثل اترج
و هلیله و شقاقل و جزر و جوز و امثال آن بعسل
بهتر بود — مستعمل مجامعت را قوت دهد

شقاقل مربا

و باه را زیاده کند و نعوظ تمام آورد و بغایت و ادام باه
مفید است صنعت آن بستانند شقاقل تازه
و اگر تازه نبود خشک بجوشانند و یک شبانه روز
آب آن بریزد و یک شبانه روز دیگر بجوشانند
و سیم روز همین عمل کنند و بعد از آن مقشر کنند
و بجوشانند تا نیم پخته شود و بعد از آن عسل صافی
بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوشانند تا به قوام
آید و فرو گیرند و در ظرفی سبز کنند یا چینی تا چهل
روز و بعد از آن استعمال کنند که بغایت مفید است

جزر مربا

مستعمل باه را زیادت کند استسقا را نافع بود و دل
را قوت دهد و سینه را نیکو گرداند و مفید بود
و نافع است

نافع است صنعت آن جزر خوب تر و بزرگ بود بگیرد و پوست
آن بخراشند بعد و بارها بشکنند کوچک تر کنند و چوب
اندرون او بیندازند و با قدری آب و عسل بجوشانند
تا نیم پخته گردد بعد از آن بیرون آورند و دیگر عسل
صافی بر سر آن کنند و اندک جوش بجوشانند و فرو گیرند
و در ظرفی کنند چهل روز سر این ظرف می شویند و شستن
ظرف لازم است در همه مربایات بغیر از اترج که محتاج
نیست — مستعمل جهت قوت معده و دل بغایت

تفاح مربا

نافع و سودمند بود و صنعت آن بستانند سیب اصفهانی
پنجاه عدد یا صد عدد آن مقدار که میخواهد و در دیگ کنند
قند صافی کرده بر سر آن کنند بجوشانند چندانکه سیب رنگ
بگرداند و پژمرده شکل شود و بعد از آن فرو گیرد و در ظرف
چینی یا کاشی کنند بعد از چهل روز استعمال کنند
و باید که پوست سیب بخراشند و اگر نه مهرا شود
و اگرچه در بعضی کتب مسطور بود که پوست آن بخراشند

سفرجل مربا.

ومؤلف بکرات امتحان کرده واین شه دانست
مستعمل قوت دل زیاده از سیب بود و در تقویت معده
صنعت آن است که به اصفهانی شیرین و پاره کنند
و پاره های کوچک با قند صاف کرده بر سر آتش نهند
و بجوشانند تا به قوام آید و فرو گیرند و در ظرفی کنند
و بعد از چهل روز استعمال کنند نافع مستعمل جهت

کنار مربا.

قوت معده بغایت نافع بود صنعت آن است که مج
اصفهانی بی گره و قند صاف برابر آن کنند و بجوشانند
چندانکه رنگ بگرداند و پژمرده شود و فرو گیرند و در
ظرفی سبز کنند و بعد از چهل روز استعمال کنند و باید که
از بستن ظرف دست باز نگیرند مستعمل حرارت

ادرک مربا

پاک گرداند و طبیعت نرم گرداند و تشنگی نشاند صنعت
آن است که اگرچه اصفهانی یا بخاری و قند صاف کرده
برابر آن کنند و بجوشانند تا شبی نرم تا به قوام آید
و جلاب باید که تنک باشد که بهر چه سیب و بلی و به

دیگر

و سیب آب دار است و در جوشانیدن رطوبتی باز نسید به

قرع مربا.

و الوجه مستعمل سینه را بغایت سودمند بود
و خشونت و مثانه را سودمند بود صنعت آن است که کدو را
پاره پاره کنند و پوست آن بخراشند و مغز آن بیندازند
و زیاده کنند مانند انگشت و در دیگ کنند و عسل برسر آن
کنند و بجوشانند تا به قوام آید و اگر به قند خواهند همچنین

بطبیخ رقی مربا.

سبیل مستعمل مربا دفع حرارت کند و تشنگی
نشاند صنعت آن است که پوست خیار و کدو و به
شبانه روز در آهک آب خوابانند و بعد از آن بیرون
آورند و یک شبانه روز در نمک آب خوابانند و دیگر
بیرون آورند و سه شبانه روز در آب صاف خوابانند
بعد از آن بر سر آتش نهند و بعد از آن عسل و آب برسر آن
کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود بعد از آن فرو گیرند و نهند
تا آن آب بالاید و دیگر در عسل مصفا اندازند

وج مربا

وبر سر آتش نهد و بجوشانند تا به قوام آید و فرو گیرد
و در ظرفی کند بعد از چهل روز استعمال کند مستعمل
جهت دفع قولنج ریحی و تقویت بغایت نافع بود و مصروع را
سود مند بود صنعت آن بستانند وج ترکی فربه و یک شبانه
روز در آب خیسانند و بعد ازان بیرون آورد
و قدری آب و عسل بر سر آن کند و بر آتش نهد و اندکی
بجوشانند تا نیم پخته شود و بیرون آورد و عسل مصفی
بر سر آن کند و بجوشانند تا به قوام آید و بعد از چهل روز
استعمال کند

جوز مربا

سود مند بود معده سرد را و گرده
را و مثانه را زیاده کند صنعت آن بستانند گردکان
تر که هنوز پوست آن صلب نشده باشد و پوست از او
جدا کند و در دیگ کند و عسل مصفی بر سر آن کند و بجوشانند
با آتش آهسته و به خوشی و بعد ازان در ظرفی کند
و بعد از چهل روز استعمال کند و تا چهل روز دست از

آن

نورمربا

آن ظرف بازندارد مستعمل سود مند بود سپرز را
بغایت نافع بود صنعت آن بستانند بادام مقشر و کند در دیگ
کنند و دوشاب بر سر آن کند چندانکه آن را بپوشانند
و بر آتش نهد و به خوشی سبک بزند و فرو گیرد
و دو سه روز رها کند بعد ازان بیرون آورد و دوشاب و
در دیگ کند و عسل سه بهره بر سر آن کند و به خوشی سبک بزند
و فرو گیرد و در ظرفی کند تا چهل روز ظرف سر گرداند
و بعد ازان استعمال کند

بنفشه مربا

مستعمل سینه را نرم
و سرفه که از حرارت بود زایل کند و خشونت حلق
دفع کند و بغایت مفید است صنعت آن بستانند گل بنفشه
خوب تازه و باید که دنبال با آن نه بود و در دست بمالد
تا کشته شود و اگر خواهد با قند بکوبد و در هر یک من
بنفشه چهار من قند می کند و در آفتاب نهد تا چهل روز
بعد ازان استعمال کند در آنچه ذکر رفت بغایت نافع است

جلنجبین شکری

مستعمل و سود مند بود بلغم را و قوت معده بدهد
و بغایت هاضمه را نافع بود و صنعت آن بستانند ورق
گل تازه یکمن قند سفید دو من و اگر چهار من بکنند شاید
و هم چنانکه در جلنجبین بنفشه گفته شد بپزد

جلنجبین عسلی

مستعمل سود مند بود جهت سردی معده و استسقا و سردی
جگر و سوء الهضم که از سردی بود و صنعت آن هم چنانچه گل
قند است بپزد   مستعمل قوت دل و دماغ بدهد

جلنجبین سفرجلی

و معده را بغایت نافع بود و از جمله مفرحات است صنعت
آن بستانند گل به هم چنانکه گل انگبین می سازند و بپزد که
جهت تقویت معده بغایت نافع است

جلنجبین لسان الثور

مستعمل از ادویه قلبی است ماده سودا را بود و از دل
دفع کند و خفقان را زایل کند و سرفه بلغمی را صنعت آن
بستانند گل گاوزبان و در هر یک من گل گاوزبان دو من قند

جلنجبین سفرجلی

اضافه کند مکوبید و هر چه در جلنجبین لسان الثور است

البته باید که قند بیشتر بود و اگر از عسل خواهد نیم عسل و نیم قند اضافه
کند بهتر بود و جهت تفریح ماده سودا عظیم نافع است

الباب السادس

و مجرب و آزموده   فی الاشربة والربوب

شراب عناب مرطب بود و جهت سرفه بغایت نافع
و غلبه خون و اصحاب ماشرا و جدری و خصیه درد سستی
را بغایت نافع بود و صنعت آن بستانند عناب جرجانی
یک چهاریک در دو من آب بجوشانند تا با دو دانگ آید
دور و بت بمالد و صاف کند و یکمن قند صاف کرده
بر سر آن کند تا به قوام آید شربتی از پنج درم تا ده

شراب نیلوفر

مثقال شاید   مستعمل سرد و تر بود و سود مند بود
جهت سرفه و درد شکم و نرم کند و جهت معده و خشونت
سینه و سرفه را بغایت مفید بود و صنعت آن بستانند
یک وقیه نیلوفر خوب و تازه بجوشانند و صاف کند
و یک من قند صاف کرده بر سر آن کند و بجوشانند تا به قوام
آید شربتی ده درم تا یک مثقال نافع بود و مجرب

شراب بنفشه

مستعمل معتدل بود در سردی و سود مند بود جهت
ذات الجنب و ذات الریه و درد کرده و بول براند و شکم
نرم دارد و سینه و حنجره و سرفه را که با تب بود عظیم
نافع بود و ستایند بنفشه تازه و گل آن بگیرند و یک چهار یک
تر دو بپالایند و یکمن قند صاف کرده بر سر آن کنند و بپالایند
و بجوشانند تا به قوام آید و اگر خواهند که مسهل بود پنج
نوبت بنفشه تکرار کنند خالجه یکمن و چهار یک بنفشه
و اگر بنفشه تر نبود خشک یک من و قیه و لوزن سی مثقال
عوض یک چهار یک بنفشه تر کنند تا نافع بود

شراب دینار

مستعمل مولف ذات الجنب و حرارت جگر بغایت نافع
بود و طبیعت نرم دارد و تشنگی بنشاند و سودا و سوء القنیه
و استسقا را نافع بود صنعت آن تخم کاسنی بیست درم
پوست بیخ کاسنی تازه سی درم نیلوفر ده درم گاوزبان
ده درم ورق گل سرخ بیست درم تخم کشوث در کتان
بسته پنج درم ریوند چینی پنج درم و اگر پنج مثقال بود شاید

وادو به بعد از

بعد از ریوند چینی بجوشانند و صاف کنند و یکمن قند
صاف کرده بر سر آن کنند و بجوشانند تا به قوام آید
و ریوند چینی سوده و [illegible] بر تخته شیره بگیرند و بر سر آن کنند

نسخه دیگر

هم از شراب دینار تخم کاسنی پانزده درم پوست
بیخ کاسنی تازه بیست درم گاوزبان ده درم گل سرخ
و زرشک و نیلوفر از هر یک ده درم و ریوند چینی سه مثقال
و قند سفید یکمن و این نسخه مستعمل تر از شراب دینار مرکب
مولانا سعد صدر الملة و الدین عطار است رحمة الله علیه

شراب بزوری

مستعمل بود بیخ کاسنی سی درم تخم کاسنی
بیست درم رازیانه ده درم پوست بیخ رازیانه بیست درم
تخم کشوث در کتان بسته پنج درم پوست بیخ کبر ده درم
تخم کرفس ده درم بجوشانند و بپالایند و قند صاف کرده
یکمن و نیم بر سر کنند و بجوشانند تا به قوام آید و این شراب
جهت استسقا بغایت سود مند بود و جهت معده و جگر مفید بود

وبادها بشکند وجهت مفاصل بغایت نافع بود وجرب

شراب زوفا

جهت ضیق نفس وربو وسعال کهن بلغمی بغایت
سودمند بود وصفت آن بستانند عناب سپستان سی دانه
پنجاه دانه انجیر سفید بیست دانه مویز طایفی سی دانه
پنجاه عدد بنفشه پنج درم پرسیاوشان هفت
درم زوفای خشک هفت درم ودر نسخه دیگر انیسون
پنج درم اضافه کنند وبجوشانند وصافی کنند ویک من
قند صافی کرده بر سر آتش کنند وبجوشانند تا به قوام آید

شراب خشخاش

مستعمل سرد وتر بود وسودمند بود سینه ودماغ
گرم وبی خوابی ونزله وریشهای سینه را بغایت نافع بود
صفت آن بستانند خشخاش بزرگ با پوست صد درم
ونیم کوفته کنند وبجوشانند در دو من نیم آب اگر آب
باران باشد بهتر باشد تا با دو دانگ آید وفرو گیرد
وبپالایند وقند صافی کرده دو من بر سر آتش کنند وبجوشانند

تا به قوام آید

تا به قوام آید وبعضی شیره خشخاش گیرند وچون قند بقوام
آمده باشد فرو گیرد وبر سر آتش نرم شیره خشخاش بگذارد
واگر بکار باید واگر خشخاش با پوست نیابند بی پوست
نیم کوفته کنند وبجوشانند چنانچه دیگر رفت وبکار برند
استعمال کند که نافع بود ومفید

شراب صندل

مستعمل سودمند
بود وجهت ضعف دل وجگر گرم وتب محرق صفت آن
بستانند صندل مقاصری ولبوبهان لب بیدمشک مثقال
واگر بگلاب خواهد یک شبانه روز در گلاب خوش کند
واگر ترش خواهد با آب غوره یا سیب که هر کدام که خواهد
صندل سرخ در آن خیسانند مقداری که کفایت باشد
وقند صافی کرده بر سر آتش کنند وبجوشانند تا به قوام آید
اگرچه در همه کتب مسطور است که پنجاه درم صندل با چهل درم
باید وگفته اند که بعد از یک شبانه روز که خیسانیده
باشند بجوشانند واین ممکن نیست که تواند خورد

واگر نیز بجوشانند وازمیت مثقال صندل زیاده بود ممکن
نیست که توان چشید از غایت تلخی و هرچه شراب لیمو
وحماض در لوایین وصندل است از کتب متقدمان
نتوان ساخت مگر بدین نوع خواهد شد

شراب لیمو

مستعمل سرد وخشک بود واندک حرارت در وباشد
وقوت معده بدهد وصفرا نشکند وهاضمه را یاری دهد
ودفع قی بکند وحار را سود دارد وتب های صفراوی
وتشنگی را زائل کند صنعت آن بستانند لیمون خوب وآب
آن بگیرد وقند صافی کرده بقوام آورد زیاده وقدری
گلاب وآب لیمو آن قدر که کفایت باشد بروی ریزد
واگر یک دو جوش بزنند شاید واگر خشک خواهد
از آتش فرود گیرد و بر آتش آهسته نهد وآب لیمو را نگاه
می ریزد وتیر می ریزند تا آن زمان که تمام شود واگرچه
در منهاج در قرابادین ها آورده باشند که آب لیمو در

دیگر سکنگبین

ودیگر سکنجبین بجوشانند تا بازیک نیمه آید وبهر یک رطل
آب لیمو ویک رطل قند بران نهند ومولف این کتاب
گوید که ممکن نبود خورد از غایت تلخی

شراب حماض

مستعمل بر گفت
در باشد شراب لیمو است که گفته شد ومنافع وی هم
منافع لیمو است بلکه زیاده نیز ولغایت نافع
بود

شراب سیب

مستعمل بهترین آن بود که از سیب شیرین
یا اصفهانی پزند وطبیعت آن سرد وخشک بود و
قوت فم معده بدهد وخفقان سود مند بود وقی ساکن
گرداند صنعت آن بستانند سیب اصفهانی خوب
وشیرین ومقشر کند ودانه از وی بیرون آورد
وبکوبد وآب آن بگیرد وبهر یکمن آب را نیم من قند
صافی کرده بر سر آن کند وبجوشانند تا به قوام آید

شراب به

مستعمل صنعت آن مانند شراب سیب است

شراب فواکه

که گفته شد انار شیرین وترش باید که کند

مستعمل قوت معده و دل و جگر بدهد و دفع قی بکند
و صفرا ت بکند و زنان آبستن را سود مند بود
صنعت آن آب به و آب سیب و امرود و آب انار ترش
و شیرین و آب کماق و آب زرشک و آب کیل
مساوی یک دیگر و اگر آب غوره و حماض و لیمو قدری
اضافه کنند شاید و آن بهتر باشد و آن آبها را بجوشانند
تا آب به نیمه آید و بعد یک من آب یک من قند صافی کرده
بر سر آن کنند و اگر نیم من کنند بهتر بود و بجوشانند تا به
قوام آید   مستعمل قی باز دارد و قوت معده بدهد

شراب انار ترش

صنعت آن بستانند انار ترش بجوشانند تا باز نیمه آید
و بعد یک من آب انار نیم من قند صافی کرده بر سر آن کنند
و بجوشانند تا به قوام آید و اگر قدری آب نعناع
اضافه کنند شاید رب سیب آب سیب کافوری
بجوشانند تا به قوام آید فرو گیرند و در ظرفی کنند و استعمال

نماید و رب به بگیرد و آب به ترش و شیرین و چنانچه
ذکر رفت در سیب بپزد و از آن همه ربوب بدین نوع
باشد رب انار هم بدان طریق که گفته شد بپزد
شراب نعناع مستعمل بستانند انار ترش و شیرین
که ماشند آن کوفته باشند و بجوشانند و باز نیمه آید
و بعد از آن آب انار جوشیده و نعناع تازه نیم من
و قند صاف کرده یک من بر سر آن کرده بجوشانند
تا به قوام آید و استعمال کنند   مستعمل بستانند

شراب اجاص

آلو سیاه خوب فربه یک من و بشویند پاک و در پنج من
آب بجوشانند تا باز نیمه آید و فرو گیرند و بدست
بمالند و صاف کنند و یک من و نیم من قند صاف کرده
بر سر آن کنند و بجوشانند تا به قوام آید و استعمال کنند

شراب گل مکرر

مستعمل و این مسهل صفرا بود و تشنگی بنشاند
صنعت آن بستانند ورق گل سرخ خوب بی تخم یک رطل و

شراب ریباس

درینج من آب بجوشانند و کف بپالایند و دیگر یک رطل

گل بر سر آن کنند و هم چنان کنند تا هفت نوبت مکرر کنند

و بجوشانند تا به قوام آید شربتی سی درم تا چهل درم

با سکنجبین و آب برف مستعمل شکم به نبندد

و قی باز دارد و دفع خمار بکند صنعت آن بستانند ریباس

فلافل خوب و سیر و بن بینداز و بکارد چوبین پاک کنند

ن بنیفشارد

دیگر بپالاید

در این قدح

ز دان قند

ز و یک

آن بریزد

بامد

پطور

ر اباس

شراب غوره

و آب ریباس اول بجوشانند تا باز و و دانگ آید و بعد از آن

قند بر سر آن کنند این خلاف است و خطا و مولف کتاب گوید

هیچ شراب مشکلتر از شراب ریباس نیست بجنین آن

مستعمل قایم مقام ریباس بود و در طبیعت صنعت آن

بگیر و آب غوره خوب صاف بکنند و بجوشانند تا باز نیمه آید

و بپالاید و صاف کنند و بر یکمن قند یکمن آب غوره بر آن نهند

و بجوشانند تا باز نیمه آید و اگر خواهند که بغایت ترش نبود

بر یکمن قند نیم من آب غوره بر آن نهند و بآتش نرم بقوام

رب غوره

آورد بگیر آب غوره و بجوشانند و در دیگ سنگین

تا باز ربع آید و بپالاید و دیگر بجوشانند تا صد و سی بجوشانند

شراب ورد

بر دارد و استعمال کنند و اگر تنک بود در ظرف سبز کنند و در

آفتاب نهند مستعمل بگیرد و مورد دانه تازه بکوبد

و آب آن بگیرد و صاف کند و بجوشانند تا باز نیمه آید و اگر مورد دانه

تازه نبود بستانند مورد دانه خشک یکمن و در چهار من آب بریزد

تا یکمن بماند و فرو گیرد و بدست بمالد و صافی کند و نیم من قند صاف

در پنج من آب بجوشانند و بکف بپالایند و دیگر یک رطل
گل بر سر آن کنند و هم چنان کنند تا هفت نوبت مکرر گشته
و بجوشانند تا به قوام آید شربتی سی درم تا چهل درم
با سکنجبین و آب برف مستعمل شکم را ببندد
و قی باز دارد و دفع خمار بکند صنعت آن ستانند ریباس
فلافل خوب و سیر و بن بیندازند و بکارد چوبین پاک کنند
و در هاون چوبین یا سنگین بکوبند و بکتان بفشارند
و در قدح چینی کنند و زمانی رها کنند و بقدح دیگر بپالایند
آهسته و چند نوبت بپالایند و هر بار آنچه در بن قدح
باشد می ریزند تا تمام صافی شود و بعد از آن قند
صاف کرده باید که بقوام زیاده آورد و نیز دیگ
تنباش آن زمان آب ریباس صافی بر سر آن بریزد
و باید که دیگ سنگین باشد و هیچ تیز نرده باشد
و آتش در آهسته بود تا تمام شود و آنچه در کتب مسطور است

که آب ریباس

شراب ریباس

و آب ریباس اول بجوشانند تا باز دو دانگ آید و بعد از آن
قند بر سر آن کنند این خلاف است و خطا و مولف کتاب گوید
هیچ شراب مسکن تر از شراب ریباس نیست بخیر آن
مستعمل قایم مقام ریباس بود و در طبیعت صنعت آن
بگیرد آب غوره خوب صاف بکنند و بجوشانند تا باز نیمه آید
و بپالایند و صاف کنند و بهر یکمن قند یکمن آب غوره بر آن نهند
و بجوشانند تا باز نیمه آید و اگر خواهند که بغایت ترش بود
بهر یکمن قند نیم من آب غوره بر آن نهند و با آتش نرم بقوام
آورد بگیرد آب غوره و بجوشانند و در دیگ سنگین
تا باز ربع آید و بپالایند و دیگر بجوشانند تا صد و سی بجوشانند
بردارد و در استعمال کنند و اگر تنگ بود در ظرف سبز کنند و در
آفتاب نهند مستعمل بگیرد گل سوری دانه تازه بکوبد
و آب آن بگیرد و صاف کند و بجوشانند تا باز نیمه آید و اگر سوری دانه
تازه نبود ستانند سوری دانه خشک یکمن و در چهار من آب بریزد
تا یکمن بماند و فرو گیرد و بدست بمالد و صافی کند و نیم من قند صاف

شراب غوره

رب غوره

شراب ورد

بر سر آن کنند و بجوشاند تا به قوام آید و فرو گیرد و استعمال کند
و این همه خنک بود و تشنگی و سینه را سود دارد و قوت
معده بدهد بغایت و شکم به بندد   دانه بستاند
رب مورد
مورد تازه و بکوبد و آب آن بگیرد و بجوشاند تا بار ربع آید
و صافی کند و اگر تنک بود مقداری رب به اضافه کند تا به قوام آید
بعد از آن فرو گیرد و استعمال کند   مستعمل بستاند
شراب توت
توت سیاه و آب آن بگیرد و صافی کند و بپزد تا نیمه آید
و پنج رطل آب بدو سه رطل قند صافی کرده بر سر آن کنند
و بجوشانند تا به قوام آید سودمند بود جهت درد گلو و
خناق و ورم گرم بغایت مفید بود   مستعمل بستاند
شراب انار عذب
آب انار عذب و صافی کند و بجوشاند تا باز نیمه آید و هر یک من
آب انار جوشیده و یک من قند صافی کرده بجوشانند تا به قوام آید
رب انار عذب
بستاند آب انار عذب صافی بیست و پنج من و آب
سیب یک من و نیم قند سفید چهار و یک می کنند و بعضی آب
سیب سه چهار یک میکنند و قند یک من و نیم بجوشانند تا
قوام آید

قوام آید و این نوع بغایت مفید بود و جهت مسلول و شکم به بندد
و سرفه را سودمند بود و دل را قوت دهد و ضعف و ذبول
شراب زنجبیل
زایل کند   قوه گرده بدهد و باه را بیفزاید و نقوظ
تمام آورد و منی زیاده کند و مثانه را پاک گرداند از علت
و قوت مجامعت بدهد صنعت آن بستانند نخود یک من
و ده پنج من آب به پزد و تا یازده دانگ آید و بعد از آن بستانند
انجیر سفید خوب دو من و ده پنج من آب بجوشانند تا
یک من بماند و طبخ نخود بر سر آن کنند و دارچینی و خولنجان و قرنفل
و سنبل الطیب از هر یک یک درم زعفران شاخ نیم درم
مجموعه نیم کوفته در سیره نبندد و دران اندازد و بجوشانند
تا به قوام آید و فرو گیرد و شربتی پنج مثقال لعوق کند پیش از
شراب گاوزبان
غذا و بعد از غذا نیز شاید و اگر با آب گرم خورند شاید
دل را قوت دهد و توحش سودا و نیز زایل کند
و بغایت مفید بود صنعت آن بگیرد آب لسان الثور معظر
یک من و آب بادرنجبویه یک من و عسل صافی یک من بر سر آن کنند

وبجوشانند تا به قوام آید و زعفران یک درم دران حل کنند
واگر تقطیع خواهد شاید واگر گاوزبان تر نبود بستانند
گاوزبان خشک جبلی و دو مثقال و در یک من گلاب خوب بسایند
وبجوشانند و بپالایند وقند صافی کرده یک من بر سر آن
کنند وبجوشانند تا به قوام آید شربتی ده درم نافع
بود و سفید میبه آب به ترش و شیرین ده رطل
شراب کهن خوش بوی پنج رطل نقل مرا در شراب
خوب تند و یک شبانه روز بعد از ان بجوشانند
و بپالایند و بر سر آن به کنند و باهم بجوشانند تا به نیمه آید
و فرو گیرند و بپالایند و باز بر سر آتش نهند و عسل و قند
آنچه خواهد دو رطل و نیم دران اندازند و داروها زنجبیل
و هیل قرنفل و مصطکی و عود از هر یک نیم درم زعفران
ریزه و مشک از هر یکی دانگی در صره بسته واگر خواهد
دران اندازند و بجوشانند و زمان زمان کیسه دارو
می مالند تا تمام شود و فرو گیرند و در ظرف کنند نافع بود
شراب بالنگو
بستانند بالنگوی تازه یکمن و گاوزبان خشک

سی درم بجوشانند

۲

سی درم بجوشانند واگر بالنگو خشک بود سی مثقال بپالایند
و یک من عسل کف گرفته بر سر آن کنند و بجوشانند
تا به قوام آید و بعضی در شراب بالنگو زعفران مصطکی
بیفکنند و اولی آن بود نکنند واگر احتیاج بآن بود
وظیفه طبیب بود ترکیب آن اگر قندی خواهد همین
که گفته شد استعمال نمایند
سکنجبین ساده
مستعمل تب زایل
کند و سده بگشاید و تشنگی بنشاند و معده را از
بلغم پاک گرداند و مستر مزاج گرم را موافق بود
و جگر را قوت دهد و صفرا را بشکند و صحت محرور را
نگاه دارد ولیکن باه را نقصان کند صنعت آن قند
صافی کرده و سرکه سفید آن مقدار که کفایت بود
بر سر آن کنند و قدری گلاب و اولی آن بود که در
دیگ سنگین بپزند واگر باید که بماند و هیچگونه در ظرف
و دیگر باید نخسبند و بجوشانند تا به قوام آید و باید که
سرکه در اوایل نکنند که قند صافی کرده باشند تا چون بقوام

سکنجبین

آید هر که خام نباشد   مستعمل قوت معده و جگر
بدهد و اشتها باز دید کند و سده بگشاید و ناقهان را
عظیم سود دارد و صنعت آن بگیرد به اصفهانی دکواری
خوب خوش بو دار دانه پاک بکوبید و آب آن بگیرد
و یک من آب به و یکمن قند صافی کرده و یک چهار
یک من که بر سر آن کنند و بجوشانند تا به قوام آید و اگر
چند پاره به در آن اندازند شاید و فرو گیرند و استعمال کنند

سکنجبین بزوری

مستعمل سده بگشاید و استسقا و سوء القنیه
زایل کند و بول براند و تپ کهنه بنشاند و تب های تیز را سود
دارد و صنعت آن تخم کاسنی و تخم خربوزه و تخم خیار زه
و تخم خیار بالنگ و از هر یکی پنج درم و پوست بیخ کاسنی و
پوست بیخ رازیانه از هر یکی ده درم مجموعه کوفته و بیخته
کنند و در سه رطل آب و سی مثقال بر که بجوشانند
یک شبانه روز و بعد از آن بجوشانند و بپالایند
و یکمن قند صافی کرده بر سر آن کنند و بجوشانند

تا به قوام آید

سکنجبین بزوری گرم

تا به قوام آید و استعمال نماید   مستعمل سده جگر و
معده بگشاید و بول براند و معده را از فضول پاک کند
و استسقا و سوء القنیه را نافع بود و صنعت آن پوست
بیخ کبر و پوست بیخ رازیانه و پوست بیخ کرفس از هر یکی هفت
درم تخم   از هر یکی دو درم مجموعه کوفته به سه رطل
آب و چهار یک من که جوش شد و هم چنانچه در سکنجبین

سکنجبین بزوری سرد

بزوری سرد گفته شد به پزد و استعمال کند نافع بود
مستعمل تخم کاسنی و تخم خربوزه و تخم خیار بالنگ
از هر یکی ده درم نیم کوفته و بیخته و پوست بیخ کاسنی
تر پانزده درم رازیانه سه درم پوست بیخ رازیانه
ده درم زرشک بی دانه پانزده درم ریوند چینی
پنج مثقال نبات یکمن بر که چهل درم چنانچه گفته شد

سکنجبین افتیمون

و اگر هم چنین سوده بوالا بیخته اضافه کنند شاید
مستعمل مولف تخم کاسنی و تخم رازیانه و تخم
کرفس و افتیمون از هر یکی سه درم سه تخم دو مثقال
پوست بیخ کاسنی و بیخ رازیانه و افتیمون در صره

سکنجبین عسل

کتان بندند و بهر که یک چهار یک اضافه ادویه کند خاصه که
وکر رفت نبات یکمن در حرارت جوش افتیمون
در صره کتان بسته بیندازد تا دو پهر جوش نزنند
تمام شود مستعمل بهر که عسل یکی چهار یک
عسل مصفی یکمن و اگر قند و عسل هم کند بهتر بود و بجوشانند
تا به قوام آید جهت استسقا و ضیق النفس و ربو و سعال
بلغمی و سعال قدیم بغایت نافع بود و اشتها والله
اعلم

باب السابع فی اللعوقات

لعوق سپستان

مستعمل بود دند بود و خشونت
حلق و سینه و سرفه و شش نرم دارد و ذات الجنب
و ذات الصدر را نافع بود و صنعت آن سپستان
دویست عدد و مویز طائفی بی دانه چهل درم فلوس
خیار چنبر ده مثقال بیخ مهک نیمکوفته حرا شسته
چهل درم مجموع در شش رطل آب به نزند تا بادو
دانگ آید و صاف گیرند و در دست بمالند و صافی کنند
و نیم من قند سفید بر آن کنند و بجوشانند تا به قوام آید

لعوق زوفا

مستعمل بود مند بود جهت ربو و سرفه کهن

و سینه و شش

سینه و شش را از اخلاط غلیظه پاک کند صنعت آن بستانند
ابریشم و زوفای خشک از هر یک بیست درم ابریشم را
نیم کوفته کنند و با سه رطل آب بجوشانند تا باز یکی آید
و بدست بمالند و صاف کرده و یک رطل قند صاف کرده
بر سر آن کنند و بجوشانند تا به قوام آید

لعوق اسقیل

مستعمل بود جهت سرفه کهن و ربو اگر سرفه از رطوبت
غلیظ بود و صنعت آن اسقیل بریان سه درم ابرسا
دو درم فراسیون و زوفا از هر یک یک درم
کوفته و بیخته به عسل مصفی بسرشتند و استعمال نمایند

لعوق خیارشنبر

مستعمل بنفشه پنج مثقال عناب بیست و پنج سپستان
پنجاه عدد و مویز طائفی بی دانه ده درم بیخ مهک حرا شسته
ده درم ختمی خشخاش نیم کوفته بیست مثقال زوفا
و سه مثقال رازیانه سه مثقال رازیانه نیم کوفته و سه درم
کتیرا و سه مثقال صمغ عربی و صمغ الوکی سیاه دو درم
پرسیاوشان پنج مثقال انجیر سفید بیست عدد بجوشانند

و بدبست بمالند و صافی کرده و فلوس خیار خبر بست
مثقال در آن حل کند و قند سفید نیم من اضافه کند
و باز دو به جوشی بدهد و مغز تخم خیار بن و مغز بادام
شیرین از هر یک پنج درم مغز پنبه دانه سه درم
باقلای سفید مثقال خیاری سه درم گل خطمی تخم درم
حلیمو سه درم کوفته و بیخته بدان بسرشند شربت
مثقال روغن بادام شیرین اضافه کند

لعوق خشخاش

مستعمل سود مند بود جهت نزله در ریشهای شش و
خون رفتن آن و سرفه گرم را مفید بود و صنعت آن
بستانند عدد عدد خشخاش بزرگ دو دانه آن بیرون کنند
و در پنج رطل آب بجوشانند یک شبانه روز و بجوشانند
تا باز نیمه آید و در دست بمالد و صافی کند و هر یک من
آب خشخاش را نیم من قند صافی کرده و نیم من مثلث
بر سر آن کند و بجوشانند تا به قوام آید و فرو گیرند
صمغ عربی و کثیرا و نشاسته از هر یک پنج درم کوفته در آن

بسرشند

لعوق رب السوس

مستعمل بود و فضول
بسرشند و استعمال کنند
تنج را که در سینه جمع شده باشد مفید بود و صنعت آن
رب السوس و کثیرا و مغز بادام تلخ نفس را بیانه
از هر یک جزوی کوفته و بیخته با عسل کف گرفته بسرشند
و روغن بادام اضافه کنند شربتی یک مثقال تا دو مثقال
بالطبیخ زوفا بیاشامند نافع بود انشاء الله تعالی
و مجرب است

الباب السابع في السفوفات

سفوف حب الزمان

مستعمل سود مند بود
اسهالی که از ضعف معده بود و قوت آن بدهد و صنعت
آن انار ترش و شیرین بریان کرده بیست درم
تخم مورد و بلوط و سماق و زیره کرمانی بسرکه خیسانند
یک شبانه روز و بعد از آن خشک کرده و بریان کرده
و لسان و کنار و سبت و کشنیز بریان کرده
و خرنوب نبطی و خرنوب شامی از هر یک ده درم سک و
عود و دراملک از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته سفوف سازند

نسخه دیگر هم سفوف

شربتی از پنج درم تا پنج مثقال و مجموع سفوفات را
قوت تا دو ماه باقی است بعد از ان ضعیف میشود
مستعمل انار و ترنج بریان کرده ده

حب الرمان

مثقال زیره کرمانی مدبر لبه که و خرنوب منقی و
سماق حب الآس و لسبت(?) و کنار و شاه بلوط
و کتیرا بریان کرده و نقط(?) از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته شربتی پنج مثقال نافع بود

سفوف مقلیاثا

مستعمل بود سودمند بود اسهال کهن و ترخیر(?) و ضعف
معده و بواسیر بالغایت نافع بود صفت آن
حب الرشاد بریان کرده یک چهار یک زیره کرمانی
بزیره خو(?) سائیده خشک کرده بریان کرده بلیت(?)
مثقال بزرکتان و بزر کرات و هلیله سیاه از هر پنج
ده مثقال نصف(?) پنج درم هلیله سیاه در روغن زیت
بریان کند و دارو ها نیمه کوفته و بیخته بعد از ان حب

الرشاد

حب الرشاد و کرات نیم کوفته بالا بعضی هلیله کابلی در روغن
زیت بریان کرده اضافه می کند شربتی یکمثقال با شراب

سفوف طین

سرد ریزد و باز موز و که نافع بود و مجرب
مستعمل که آن را سفوف نشاسته خوانند سود مند بود
نجع را و اسهال مراری بالغایت نافع بود صفت آن
نیکو و تخم ریحان و تخم مرو نشاسته و تخم حماض و صمغ عربی
و گل ارمنی و طباشیر از هر یک ده درم صمغ عربی
و گل ارمنی و طباشیر و نشاسته و تخم حماض نیکو کوفته
کند و خلط کند و باید که مجموع بریان کرده بود بعد از
طباشیر و گل ارمنی که آن را احتیاج نیست بریان
کردن و بگلاب تر کند و بروغن گل چرب کند
شربتی سه درم تا پنج مثقال فرو برد و اگر بر آب

نسخه دیگر هم سفوف طین

بادب(?) مورد و موز و لسان(?) و بعضی با زنیک اضافه
می کند
مستعمل نیکو تخم مرو و تخم ریحان و نشاسته و
نیم کوفته کند صمغ عربی و طین ارمنی از هر یک ده درم

۴۰

بیکوفته کنند و تخمها اندک بریان کرده با هم بیامیزند

سفوف الخرنوب

که بسیار نافع است مستعمل سود مند بود

...ب است صنعت آن

... بر بر که که خبا تجه

...ب الاس و بلوط

از هر یکی مثقال وی

درم باربارب مورد

سفوف البربار...

...مل سود مند بود

ضعف معده را قوت دهد و شکم ببندد و بغایت نافع

بود صنعت آن نانخواه و سماق زرنجبیل و انار دانه

ترش بریان کرده و زرشک بی دانه و لسب و کنار

از هر یک دو درم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته

استعمال نمایند مستعمل سود مند جهت اطلاق

سفوف السماق

صنعت آن سماق ده درم تخم مورد و انار دانه ترش

بریان کرده از هر یکی پنج درم استعمال کند

سفوف البلوط

مستعمل شکم ببندد و صنعت آن شاه بلوط و بلوط

سفوف البزور

تخم الریب از هر یکی ده درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال

استعمال کند مستعمل سود مند بود جهت باد و باد

نفخ که در معده بود و صنعت آن کرویا و انیسون و زیره

کرمانی و تخم کرفس و قاقله و قرفه و نانخواه از هر یکی دو درم

دار فلفل و زنجبیل و دار فلفل از هر یکی نیم درم قند سفید بیست

مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم استعمال کنند

سفوف هلیله

مستعمل خاصه مسهل نقرس و مفاصل و عرق

النساء و مجرب است صنعت آن سورنجان بصری

هفت درم پوست هلیله زرد هفت درم سنا

مکی دو مثقال تربد ان سه درم ورق گل سرخ پنج درم

تخم کبر سه مثقال ورق حنا سه درم زعفران یک درم

مغز بادام مقشر سه درم قند سفید شصت درم و سقمونیا

مشوی یک مثقال مجموع کوفته و بیخته بغایت سختی گردد

وشبرتی دو مثقال برسر آن کنند و بازخورد و بعضی
سقمونیا نمی کنند   مستعمل مولف این سهیل
سفوف سورنجان
جهت مفاصل و نقرس و عرق النسا بغایت نافع بود
صنعت آن سورنجان مصری ده درم سنا و مکی هفت درم
مغز بادام مقشر سه درم تربد هلیله زرد سه درم
زعفران نیم درم قند سفید سی درم سقمونیای مشوی یک درم
واگر ماده بلغمی بود احتیاج سقمونیا نیست مرکب باید کرد
وانند که چون ماده بلغمی بود تربد عوض سقمونیا کند پنج درم
شبرتی دو مثقال با آب ببرد نافع بود   هم
نسخه دیگر
سفوف سورنجان سورنجان مصری ده مثقال سنا
مکی پنج درم تربد سفید مجوف پنج درم مغز بادام سفید کرده
سه درم املوج سفید سی درم زعفران یک درم
سقمونیای مشوی دو درم شربتی بر سر آب ببرد
و در بعض نسخه ها مغز بادام سی درم میکند
نسخه دیگر هم
سفوف سورنجان

مستعمل مولف این سهیل جهت مفاصل و نقرس و عرق
النسا بغایت نافع بود صنعت آن سورنجان مصری ده مثقال
سنا و مکی پنج درم قند سفید ده درم زعفران نیم درم
سقمونیای مشوی نیم درم و این دو نسخه مستعمل دار الشفا
نسخه دیگر هم
شیراز بوده است   سفوف سورنجان و سورنجان
ده درم قند سفید ده درم زعفران و اگیر کوفته و بیخته شربتی
سفوف مورد
برسر آب ببرد کنند و بازخورد   مستعمل و سودمند بود
جهت کبدی که مدفون باشند صنعت آن طباشیر
و ورق گل سرخ از هر یکی پنج درم گل ارمنی و صمغ عربی
از هر یک ده درم عصاره زرشک و سماق از هر یک سه درم
حلبا ریک درم و نیم نقل مکی یک درم و تخم گشنیز خشک
بریان کرده دو درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال
سفوف سرطان
سفید بود   مستعمل جهت سلول بغایت مفید بود
[illegible]
صنعت آن سرطان نهری سوخته ده درم طین قبرسی
و صمغ عربی و خشخاش سفید و سیاه و مغز تخم خربزه

سفوف مطبع

از هر یک پنج درم کوفته و بیخته استعمال کند و این سفوف
سلسل البول را بغایت نافع بود و باید که سرطان رای کتیر
چوب آرسته یا بستند و بعد از آن سوخته کنند و بعضی بعوض
تخم خربزه و کثیرا سه درم کنند   الدیدان مستعمل
جهت کرم های که دفع کند و بغایت مفید بود و مجرب صنعت آن
ترمس و کندش و موبیز مصری از هر یکی یک مثقال نمک هندی
و افتیمون رومی از هر یکی دو درم کوفته و بیخته یک مثقال تا دو درم
نافع و مجرب است   مستعمل دیگر مولف کتاب

نوع دیگر

شیخ ارمنی و ترمس و قنبیل و قسط و تلخ و برنک کابلی
و ترمس و تربد سفید مجوف و افتیمون رومی از هر یک یک درم
حب النیل نیم درم مجموعه کوفته و بیخته بر سر شیر چهار دانگ یک
شکر سرخ ده درم بعد از آنکه سه روز بام داد
و شیر و شکر خورده باشد و غذا دو نوبت بود و شیره
خشک داده روز چهارم بیایند نافع بود معالجه کرم
کردوانه مشکل بود که البته بعد از چهل روز یا دو ماه

عود میکند

عود میکند و در آخر این کتاب شرح فاقلات دود داغ
دار و آن گفته شود و مولف کتاب این رحمت از عقبه

سفوفی که

کس دفع کرده است ان شاء الله تعالی   سنگ داز
مثانه و گرده اطفال را پاک کند بگیرد مغز تخم خیار و مغز
تخم خربزه و خطمی و رازیانه از هر یک یک درم قلت و
صمغ عربی و حاص از هر یک دو درم حجر الیهود نیم کوفته
و بیخته بر سر آن مطبوخ که یاد کرده شود و بچه باشند
خشک نبات درم و بحوت تند تا باز نمه آید و بیهار بکند
و هر روز ده درم تا پنج درم بغایت نیکو بود دیگر سفال

سفوف عود

سفوف و پنج درم نبات هفت روز میایی استعمال کنند
مستعمل نافع بود جهت ضعف معده و سردی
آن اشتها باز دید کند صنعت آن قاقله طباشیر
واصل السوس و ریوند و ورق گل سرخ و مصطکی و کباب
و فرنج مشک و نعناع خشک و تخم کرفس از هر یک پنج درم
عود هندی دو درم و نیم قند سفید بیست درم

الباب التاسع و در حبوبات

کوفته و بیخته استعمال کند — مستعمل بود و نمیدهند

بود مرضهای سبر درا و معده را پاک کرداند از همه خلطهای و
لغایت سفید است صنعت آن ایارج فیقرا یک مثقال تربد — **حب ایارج**
سفید خراشیده و بروغن بادام چرب کرده یک درم
حب النیل و افتیمون و غاریقون سفید از هر یک نیم درم شحم حنظل
دانگی کوفته و بیخته با آب رازیانه بسرشند و حب سازند
هر یک بمقدار نخودی و این یک شربت است و اگر خواهد فرا اگر
خواهد در عسل کردانیده فرو برد و اگر خواهد در میان
شکر سرخ پیچیده فرو برد و همه حبوب مسهل قوت
آن تا دو ماه می ماند و بعد از ضعف میشود و لیکن آن بود
که در روز ساخته باشند و در تبت غربال در سایه نگاه دارد
و تا سحرگاه و بعد از آن استعمال کند — حب ایارج از — **نوع دیگر**
کامل الصناعت جهت صداع بلغمی سود مند بود صنعت آن
تربد سفید مجوف خراشیده یک درم و نیم ایارج فیقرا یک درم
شحم حنظل نیم درم و سقمونیا و افتیمون و عود از هر یک دانگی

نمک هندی

نسخه دیگر حب ایارج

نمک هندی دو دانگ کوفته و بیخته با آب بسرشند و حب سازند
و این یک شربت است — هم از کامل الصناعت تربد
سفید مجوف خراشیده دو درم ایارج فیقرا سه درم توبد
هلیله کابلی و نمک هندی از هر یک دو درم شحم حنظل یک درم
تخم کرفس نیم درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم
نافع بود — مستعمل صبر سقوطری یک مثقال تربد سفید — **حب صبر**
مجوف خراشیده و بروغن بادام چرب کرده یک درم
حب النیل و غاریقون و افتیمون از هر یک یک درم و نیم شحم
حنظل و نمک هندی از هر یکی دانگی و نیم مقل و کتیرا از هر یک
دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس تر بسرشند و حب سازند
و این یک شربت است — نسخه صاحب حب صبر کامل — **حب صبر**
جهت صداع بلغمی نافع بود صنعت آن صبر سقوطری
شش درم مصطکی چهار درم تربد سفید مجوف خراشیده
کوفته و بیخته حب سازند حبها بزرگ مانند نخودی شربتی
ده حب تا چهارده حب در وقت خواب فرو برد
و این حب را شبیار خوانند و مفید است — **حب سورنجان**

مستعمل صبر سقوطری و تربد سفید مجوف سورنجان مصری
از هر یک یکمثقال ماهی زهره یک درم حب النیل و غاریقون
از هر یک نیم درم کتیرا و شحم حنظل از هر یک دانگی نمک هندی
دانگی کوفته و بیخته باب کرفس سرشته و حب سازند
حب بنفشه
مستعمل جهت درد سر و چشم و شقیقه سودمند بود
و دماغ را پاک گرداند و درد گوش را نافع بود صنعت آن
بنفشه خشک دو درم تربد سفید مجوف خراشیده روغن
بادام چرب کرده یک درم رب السوس و پوست
هلیله زرد و افتیمون از هر یک نیم درم سقمونیای مشوی
نیم دانگ کوفته و بیخته باب خالص سرشته و حب سازند
حب شبیار
و این یک شربت است مستعمل سود مند بود
جهت درد معده و صنعت آن صبر سقوطری سه درم پوست
هلیله زرد و ورق گل سرخ و تربد سفید مجوف خراشیده
روغن بادام چرب کرده و مصطکی از هر یک یک درم
و نیم کوفته و بیخته سرشته و حب سازند و در سایه نگاه
دارند تا خشک شود شربتی یکمثقال با سه درم
حب مقل

در وقت خواب

در وقت خواب فرو برد و بخسپند نافع بود هلیله سیاه و پوست
هلیله زرد و آمله منقی و پوست هلیله از هر یکی یک درم مقل
چهار درم مقل را در آب کنند تا جوشیده شود و بعد از آن در
هاون کنند و بسایند تا مقل حل شود و داروها کوفته و بیخته
حب شبیار
در وی سرشته و حب سازند شربتی دو درم بود
مستعمل صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد و دو ورق
گل سرخ و تربد سفید مجوف خراشیده و روغن بادام چرب کرده
و مصطکی از هر یک یک درم و سقمونیا و کتیرا از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته سرشته و در سایه خشک کنند شربتی یک مثقال در وقت
حب شبیار
خواب فرو برد و بخسپند نسخه صاحب کامل که آن را
صنوبر خوانند علتی که در معده جمع شده باشد دفع کنند صنعت
آن هلیله کابلی و تربد سفید مجوف از هر یکی پنج درم ورق گل سرخ
چهار درم مصطکی و دو درم صبر سقوطری کوفته و بیخته با آب سرشته
حب منتن
و حب سازند شربتی یکمثقال در وقت خواب
مستعمل سود مند بود فالج و لقوه و قولنج و درد مفاصل که از سردی بود

و بادهای غلیظ و درد اعصاب و استرخا و آن و درد پشت را
بول و حیض بگشاید و نافع است صنعت آن اشق و سکبینج و جاوشیر
و مقل و حرمل و شحم حنظل و صبر سقوطری و تربد سفید مجوف و لوست
هلیله زرد و انزروت و اجزای مت وی کوفته و بیخته صمغها در
آب حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان سرشند و حب سازند
شربتی از یک درم تا دو مثقال شاید و قوت این تا
دو ماه می ماند نسخه از کامل الصناعة جهت فالج و

حب منتن

استرخا نافع بود صنعت آن سکبینج و اشق و جاوشیر و مقل
و حرمل و شحم حنظل از هر یک سه درم صبر سقوطری و تربد سفید
مجوف از هر یکی پنج درم فرفیون و جند بیدستر از هر یکی دو درم
ادویه خشک کوفته و بیخته و صمغ با آب کنند تا حل کرده سرشند
و حب سازند و شربتی سه درم با آب هم از نسخه

نوع دیگر

صاحب کامل هلیله کابلی پنج درم سکبینج و اشق و جاوشیر و
حرمل صبر از هر یک چهار درم مقل ازرق و شحم حنظل و سنا
مکی و انزروت از هر یک دو درم فرفیون و جند بیدستر

حب غاریقون

سقمونیا از هر یک نیم درم زعفران و قرنفل از هر یک دو دانگ
همان طریق حب سازند شربتی سه درم مستعمل
افتیمون و صبر از هر یک شش درم غاریقون چهار درم سقمونیا
یک درم انیسون و فطراسالیون و تخم کرفس و دوقو از هر یک دو درم
کوفته و بیخته حب سازند شربتی از دو درم تا سه درم

حب غاریقون

سده ها بگشاید و خداوند استسقا را سود دارد و بیماریهای
جگر را سودمند بود نسخه صاحب ذخیره سده
ها بگشاید و خداوند استسقا و بیماری های جگر را سودمند بود
صنعت آن غاریقون پنج درم مر پنج درم تربد سفید مجوف
پنج درم ابرسا سه درم ایارج فیقرا پنج درم فراسیون
سه درم حنظل دو درم انیسون یک درم انزروت دو درم
سقمونیای مشوی یک درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی
دو درم و قوت این تا شش ماه است

حب اصطمخیقون المختار

مستعمل سودمند بود و مرضها را که از بلغم غلیظ لزج و سودا بود
و بدن را پاک گرداند از خلطهای مختلف صنعت آن ایارج فیقرا

ده درم پوست هلیله زرد و افتیمون و اقریطی و غاریقون
و بسفایج و نمک هندی از هر یکی دو درم مقل را که در آبی که گندنا
جوشانیده باشند خیسانیده حل کنند و داروها بدان
بسرشتند و حب سازند شربتی سه درم نافع بود
نسخه دیگر
حب اصطمخیقون جب بلبان و عود بلسان و سلیخه
و سنبل الطیب و اسارون و دارچینی و زعفران و مصطکی
و بیخ اذخر و وج و عصاره افسنتین و زراوند مدحرج
و نمک هندی از هر یک یک درم صبر سقوطری پانزده درم
و سقمونیای مشوی و غاریقون و شحم حنظل از هر یک سه
درم افتیمون اقریطی و بسفایج از هر یک شش درم کوفته و
بیخته حب سازند و در ظرفی آبگینه نگاه دارند و بعد از دو
سال خشک کرده باشند شربتی دو درم و نیم نافع بود
حب اصطمخیقون
نوع دیگر تربد سفید مجوف خراشیده به روغن بادام
چرب کرده دو درم صبر سقوطری و حب النیل از هر یک یک درم
شحم حنظل و سقمونیا از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته با آب
کرفس تر بسرشتند

حب قوقایا
کرفس تر بسرشتند و حب سازند و شربتی یک درم
مستعمل و این حب نسخه جالینوس است سود دارد
بود درد سر را که از بلغم بود و چشم روشن کند و خلطهای
غلیظ لزج از بدن پاک کند صنعت آن صبر سقوطری و عصاره
افسنتین و مصطکی از هر یک دو درم سقمونیای مشوی و
شحم حنظل از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب کرفس
بسرشتند و حب سازند و شربتی یک مثقال و بعضی در این
نسخه دیگر
نسخه عصاره افسنتین با ورق افسنتین از هر یک دو درم
یک جا استعمال می کنند حب قوقایا مستعمل مصطکی و عصاره
افسنتین و شحم حنظل و صبر سقوطری و سقمونیای مشوی از هر
یک درم کوفته و بیخته با آب خالص بسرشتند و حب سازند و
حب سکبینج
شربتی از یک درم تا دو درم و نیم استعمال کنند بجهت مزاج
مستعمل و سودمند بود و قولنج و درد روده و بواسیر
و بادهای غلیظ را دفع کند و حیض براند و صنعت آن صبر سقوطری
و سکبینج و تخم کرفس و انزروت و پوست هلیله زرد از هر یکی دو درم

ونیم تربد سفید مجوف خراشیده دو درم شحم حنظل یک درم
ونیم مجموعه کوفته وبیخته حب سازند شربتی سه درم
واگر بآب رازیانه بسرشند نیکوتر بود وبعضی ازین نسخه
صبر نمیکنند وخشک کرده استعمال نمی نمایند

حب شبیطرج

مستعمل تربد سفید مجوف خراشیده از هر یک دو درم
دار فلفل وعاقرقرحا از هر یک یک درم فانید
سجزی چهار درم کوفته وبیخته بآب کندنا وباب کرب
بسرشند وحب سازند وشربتی سه درم سودمند بود
وورم مفاصل وعصاب وفالج ولقوه وحیض براند
ولغایت مفید است مستعمل از کامل الصناعت

حب شاهترج

جهت جرب لغایت سودمند بود صنعت آن هلیله زرد وکابلی
سیاه از هر یک پنج درم صبر سقوطری هفت درم
سقمونیای سه درم کوفته وبیخته وبآب شاهترج
خون بیده درهاون کنند وباید چون خشک شود
ودیگر بار تکرار کند شاهترج چهار نوبت بعد از آن

سحق کند

حب غافث

سحق کند وحب سازند مانند نخود وخشک کنند شربتی یک درم
تا یکمثقال نافع بود مستعمل سودمند بود وتب بارد بلغمی
کهنه را صنعت آن پوست هلیله زرد وغاریقون وعصاره
[illegible]فت از هر یک [illegible] کوفته وبیخته بآب کرفس یا بآب خالص
[illegible] وحب سازند شربتی سه درم ودر عقب آن
آب [illegible] خورند نافع بود

حب اسطوخودوس

پوست هلیله
کابلی و [illegible] هلیله زرد از هر یک [illegible] درم تربد سفید مجوف
خراشیده [illegible] سقوطری شش درم اسطوخودوس
وافتیمون وغاریقون وبسفایج از هر یک سه درم شحم حنظل یک
درم ونیم قرنفل وخولنجان از هر یک یک درم کوفته وبیخته
بآب خالص بسرشند وحب سازند شربتی چهار درم

حب اسطوخودوس

نسخه صاحب کامل جهت صداع سوداوی سودمند بود
صنعت آن هلیله کابلی وسیاه وزرد وصبر سقوطری وبسفایج
از هر یک سه درم غاریقون چهار درم افتیمون وقرطلی
واسطوخودوس از هر یک پنج درم شحم حنظل دو درم خربق
اسود دو درم مجموع کوفته وبیخته بآب بابونه بسرشند

وحب بپازند شربتی دو درم و نیم تا سه درم استعمال کنند

حب الذهب

مستعمل بود و سودمند بود جهت درد سر و چشم را
روشن کند و بدن از اخلاط پاک کند صنعت آن صبر سقوطری
بیست درم پوست هلیله زرد ده درم مصطکی و کتیرا و سقمونیا
و زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج درم کوفته
و بیخته بآب خالص سرشته و حب سازند و حبهای بزرگ
و در سایه خشک کنند شربتی دو درم تا قبض بود تا دو درم
و نیم

حب منقّح

مستعمل بود و سودمند بود درد سر و درد چشم
و تنقیه و تنقیه دماغ کند از اخلاط صنعت آن تنقیه
خشک دو درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام
چرب کرده یک درم رب السوس و پوست هلیله زرد
و افسنتین از هر یک نیم درم و ورق گل سرخ و سقمونیا از
از هر یک دانگی کوفته و بیخته بآب خالص سرشته و حب سازند
و این یک شربت است

حب المسک

مستعمل بود لف سنبل الطیب
یک درم فرنجمشک و قرنفل و نارمشک و کبابه و قرفه
و بسباسه و فوفل و خولنجان و سعد کوفی از هر یک یک درم

ز قرنفل از

فرنجمشک و قرنفل و نارمشک و کبابه و قرفه و بسباسه
و فوفل و خولنجان و سعد کوفی از هر یک یک درم قاقله و
جوز الطیب از هر یک نیم درم بآب به و گلاب و صمغ عربی حب سازند
قوت دل بدهد و بوارد همین خوش کنند

نوع دیگر

حب المسک کبابه
یک درم سنبل الطیب و قرنفل دو درم پوست ترنج یک درم
قرفه دو درم زنجبیل نیم درم مشک خالص بآب به و گلاب و صمغ
عربی حب بپازند

نسخه دیگر

حب المسک مستعمل سنبل الطیب یک درم
قرنفل یک درم و نارمشک و فرنجمشک و کبابه و جوز الطیب
و بسباسه و خولنجان و قاقله و بادرنجبویه شهری و زنجبیل
از هر یک نیم درم فوفل و سادج هندی سعد و پوست ترنج
از هر یک یک درم مشک دانگی و گلاب و آب به قدری
با صمغ عربی سرشته و حب سازند و در سایه خشک کنند
و در ظرف آبگینه نگاه دارند و بوقت حاجت استعمال کنند

حب السعال

مستعمل سرفه بلغمی را بغایت سودمند بود صنعت آن
رب السوس و کشمش از هر یکی سه درم نشاسته و کتیرا و صمغ عربی

ومغز دانه کدو از هر یک یک درم نبات مصری نیم وزن داروها کوفته و بیخته بلعاب به دانه لبن سرشته

حب السعال

واین جهت سرفه حار مفید افتد صنعت آن مغز بادام سفید کرده ومغز تخم خیارین ونشاسته وصمغ عربی وتخم خشخاش سفید از هر یک یک درم ورب السوس دو درم باقلا مقشر سه درم کوفته و بیخته بلعاب نیکو سرشته وحب سازند واستعمال کنند مستعمل واین سرفه دبادرا مفید بود

حب السعال بارد

صنعت آن نوبت پنج رازیانه وتخم کرفس ورب السوس وبرسیاوشان ومغز بادام کوفته و بیخته بآب خالص سرشته وحب سازند واستعمال نمایند حب السعال جهت سرفه

نوع دیگر

رطوبت سود مند بود فلفل ونبات مصری مساوی کوفته و بیخته حب سازند مستعمل مثقال ونشاسته و

نوع دیگر

کثیرا از هر یک سه درم خشخاش ورب السوس ده دانه از هر یک چهار درم مغز بادام سفید ده درم صمغ سه درم نبات مصری ده درم کوفته و بیخته بلعاب نیکو سرشته

وحب سازند

نسخه دیگر

حب سازند حب السعال حلیمو سه درم پنج گاو زبان یک کوفته و بیخته با چهار درم نبات مصری سرشته وحب سازند واستعمال کنند واگر بعوض گاو زبان وتخم گاو زبان کنند شاید مستعمل شکم به بندد وقطع

حب الملک

اختلاف دم بکند صنعت آن سماق دو درم عفص یک درم قشور رمانی نیم درم حب الآس ده درم دانه مویز سه درم کوفته و بیخته بآبی که صمغ عربی دران حل کرده باشند سرشته وحب سازند شربتی دو درم بآب مورد استعمال کنند

حبی که مجامعه را دو...

این حب حالی توسن است ومفید است صنعت آن مغز دماغ کنجشک است نر که هیجان گرفته باشند وسه مثقال مصری وتخم بیاز سفید وکشش خرما اجزای ببت وی کوفته و بیخته سرشته وهر زمان که خواهند که چند حب ازین در شراب حل کنند وبیاشامند نعوظی تمام حاصل شود والله الموفق والمعین

الباب العاشر ... اندر وجع ...

مستعمل این نسخه ازان حسین من اسحق مشیر از بیت اختیار نسخه هاست واین قرص از ادویه

تریاق فاروق است صنعت آن دارشیشعان و سابارون
از هر یک شش مثقال فقاح اذخر دوازده مثقال عود
بلسان وقصب الذریره از هر یک شش مثقال زعفران
دوازده مثقال مجموعه کوفته و بیخته بشراب ریحان صاف
یا بجا والعسل سرشته ودر قرص ساختن دست بروغن
بلسان چرب کنند و بعد از آن در سایه خشک کنند
وقرص را قوت آن تا دو سال باقی است و بعد از آن ضعیف
می شود   نسخه منهاج دارشیشعان و مصطکی و سلیخه
وقصب الذریره وفودنه واسارون وعود بلسان از   قرص اندر وخون
هر یک شش مثقال فقاح اذخر و زعفران از هر یک دوازده
مثقال مجموعه کوفته و بیخته سرشته و بمثلث تا به آب
مویزی و دست بروغن بلسان چرب کنند وقرص سازند
هر یکی بوزن یکمثقال واین هر دو نسخه از ادویه تریاق
فاروق است و قوت این تا دو سال باقی است   قرص اندر وخون
که در تریاق فاروق عنوده میرود وبابونج سفید و سرخ و کماق و

مرو واسیون

ومرو واسیون وقصب الذریره وعود بلسان از هر یک مساوی
کوفته و بیخته بمثلث سرشته و بعد از آن در ظرف نگاه دارند
قرص غافر   وقوت این قرص هم تا دو سال باقی ماند   که در تریاق
فاروق است مستعملست و در این مرض بعد از دو ماه استعمال کنند
وقوت این تا دو سال باقی می ماند بعد از آن ضعیف می شود
صنعت آن افعی است که از آن ماده ونر آن نری و
مادگی است که نر را دو قلاب باشد و ماده را چهار قلاب
و هر دو قلاب در یک غلاف بود و نر آن افعی است
که سر وی پهن بود و چشم وی سرخ بود و کشیده و شکم وی
اصلب بود و ماده لون هوایی وی آن بود که سریع الحرکت
بود و در رفتن سر وی چهار انگشت از زمین برداشته بود
و باید که در موسم بهار چون آفتاب بحمل آید بگیرند
و تا شور شاید لیکن چون آفتاب بجوزا رسد نشاید
و چون بگیرند باید که در همان روز مار فورو بگیرند بکشند
که اگر رها کنند حدت سمیت او زیاده شود و کشتن وی

خیار که بیخ و دنبال بدهم نهند و بیک ضرب بیخ و دنبال وی
چهار انگشت جدا کنند و تیغه چنانکه تیغه تیز بروی نهند
دستکی محکم بر تیغه زنند یا چوب دستی محکم چنانکه قطعا
هیچ پوست بروی نماند و بیک ضرب جدا شود و بعد از ان
پوست از وی بکنند و دل لات شکم وی بیندازند و چند
نوبت بشویند بآب سرد و اگر با خاکستر یک نوبت
بشویند شاید و بعد از ان که پاک شسته باشند در دیگ سفالین
یا مس قلعی داده کنند و آب بر سر آن کنند چندانکه
کفایت بود و چون شبت چند شاخ دران اندازند
تا بپزد و بجوشانند تا مهرا شود و بعد از ان فرو گیرند
و از دیگ بیرون آورند و استخوان از وی جدا کنند و گوشت
وی جدا کنند و بکوبند کوفتنی بغایت و بوزن آن نان
خشک کوفته اضافه آن کنند و دیگر بکوبند نیک و
بعد از ان اگر خشک صنعت بود قدری آب از انکه
در وی جوشیده است اضافه کنند بعد از ان قرص سازند
قرصهای تنک مثل ناخن بزرگ و باید که دست بروغن

بلپان

بلپان چرب کنند در وقت قرص ساختن و در پشت غربال
در سایه نگاه دارند تا خشک شود و باید که قطعا اثر نم در وی
نمانده باشد و بردارند و در ظرف آبگینه نگاه دارند
و بعد از ان استعمال نماید   که هم در تریاق فاروقی   قرص العقیل
مستعمل است باید عنصل کوچک در خمیر گیرد و در تنور نهند
تا پخته شود و بعد از ان بگیرد مغز آن که بغایت نرم باشد
پس در هاون بکوبید و بوزن آن آرد کرسنه که روستاییان
نیز از ان نان کنند خواهند و اضافه کنند و قدری شراب
بر سر آن کنند و بسرشند نیک و دست بروغن گل چرب
کنند و قرص سازند و بعد از ان دو ماه استعمال نماید   قرص الملک
و قوت اینهم تا دو سال باقی است   مستعمل و این
قرص در معاجین بزرگ مستعمل است صنعت آن نوف ده
ده درم لک منقی بیست درم بکوبند و بیزند و بمثلث بسرشند
و قرص سازند و در ظرف آبگینه نگاه دارند و قوت   قرص [illegible]
این قرص تا شش ماه باقی است   مستعمل خاصیت
وی آنست که سودمند بود اختلاف دم و قذف آن را

صنعت آن بسد ده درم کندر کرو جلنار اقاقیا از هر یکی چهار درم
صمغ عربی یک درم دار چینی نیم درم کوفته و بیخته و بسفیدهٔ تخم
مرغ بسرشند و قرص بسازند و در سایه خشک کنند و بعد از آن
استعمال نمایند و قوت این سه تا دو سال باقی است

قرص فیون

که در مثرو دیطوس مستعملست و آنرا قرص قوفون
خوانند اخلاط سونبر طالیفی دانه چهار درم علک البطم بیست و
چهار درم و مرصافی داذ خراز هر یک دوازده درم و دارچینی
و سقل ازرق و اطفار الطیب و سلیخه و سنبل رومی و اکلیل
الملک و سعد و حب الغار از هر یک سه درم مقصب الذریره
درم زعفران یک درم حجر الیهود دو نیم درم و انچه
کوفتنی باشد بکوبد و انچه نقوع کردنی باشد نقوع کند در مثلث
دو بایه وزن آن عسل کف گرفته بسرشند و بعضی از اطبا
مثلث تنهای بسرشند و قرص می سازند و در سایه خشک
کرده استعمال می کنند عین مستعمل سود مند بود

قرص طباشیر

تبهای ملتهب صفراوی را و تشنگی ساکن گرداند و سرفه
و خشونت سینه را بغایت نافع بود صنعت ان طباشیر

سفید

سفید چهار درم و ترنجبین سه درم مغز تخم خیار و مغز تخم خیار
بالنگ و مغز تخم کدو از هر یک دو مثقال و نشاسته و صمغ
عربی و ختمی سه و کثیرا از هر یک یک درم کوفته و بیخته به
بلعاب بیکو بسرشند و قرص بسازند و شربتی یکمثقال نافع

قرص طباشیر

بود ملین نسخه دار اشفا طباشیر چهار درم و ترنجبین
نیم درم مغز تخم خیار و مغز تخم کدو و نشاسته و صمغ عربی
از هر یک سه درم کثیرا و ختمی سه از هر یک دو درم کوفته
و بیخته بلعاب بیکو بسرشند و قوت این تا شش ماه باقی است

قرص طباشیر

شربتی یکمثقال ملین نسخه صاحب منهاج و ورق
گل سرخ و ترنجبین از هر یک پنج درم نشاسته دو درم و زعفران
یک درم کثیرا و صمغ عربی و طباشیر از هر یک دو درم
کوفته و بیخته ترنجبین یکبار دو دار و بادیان بسرشند
و قرص بسازند و استعمال کنند و قوت این مرض تا

قرص طباشیر معتدل

دو سال باقی است مستعمل سود مند تب ها
تیز و رفتن خون از شکم را نافع بود صنعت ورق گل سرخ
شش درم صمغ عربی و نشاسته و کثیرا از هر یک چهار درم

تخم حماض وطباشیر از هر یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب
بهی نیکو سرشته و قرص بسازند و شربتی یک مثقال

قرص طباشیر معتدل

نسخه حکیم ابو البرکات زرشک بیدانه وطباشیر
وورق گل سرخ از هر یک سه درم ومغز تخم خیار بالنگ
ومغز دانه کدو وتخم تورک وتخم کاسنی وتخم کاهو مقشر صندل
مقاصری از هر یک یک درم کافور دانگی مجموعه کوفته و بیخته
بلعاب نیکو سرشته و شربتی یکمثقال وقوت این قرص شش ماه
باقی می ماند

قرص طباشیر ممسک

مستعمل بود و مفید جهت اسهال صفراوی
ودموی نافع بود صنعت آن صمغ عربی دو درم تخم حماض
ده درم نشاسته وده درم ورق گل سرخ و پانزده درم
سماق وزرشک بیدانه از هر یک هفت درم مجموع بریان
کرده طباشیر هفت درم گل ارمنی ده درم کوفته
و بیخته بگلاب قرص بسازند و قوت این قرص تا شش
ماه باقی می ماند شربتی یکمثقال نافع بود

قرص طباشیر ممسک

نسخه صاحب کامل ورق گل سرخ هفت درم تخم حماض
چهار درم وصمغ عربی وطین فارسی از هر یک چهار درم لسان جوزبر

بریان کرده

بریان کرده دو درم زعفران یک درم کوفته و بیخته
بلعاب نیکو سرشته و قرص بسازند شربتی یک درم
تا یکمثقال بآب مورد یا بشراب به نافع بود

قرص طباشیر

نسخه دیگر مستعمل درین نسخه تفاوت در اوزان است
اما ادویه همان است که در نسخه اول گفته شد صنعت آن
صمغ عربی ونشاسته تخم حماض وورق گل سرخ از هر یک ده درم
زرشک بیدانه وسماق بیدانه از هر یک پنج درم مجموع بریان
کرده و بیخته طباشیر وگل ارمنی از هر یک پنج مثقال
کوفته و بیخته بگلاب سرشته و قرص بسازند و قوتش تا
شش ماه باشد شربتی یکمثقال

قرص طباشیر ممسک

مستعمل ورق
گل سرخ پنج درم تخم حماض شش درم طباشیر سفید چهار درم
نشاسته وصمغ عربی بریان کرده از هر یک سه درم کوفته
و بیخته بگلاب سرشته شربتی یک مثقال وقوت این قرص

نسخه دیگر

تا شش ماه باقی می ماند

قرص طباشیر ممسک

صمغ
عربی وتخم حماض بریان کرده از هر یک ده درم ورق گل سرخ
پانزده درم طباشیر وگل ارمنی وسماق وزرشک بیدانه از هر یک

پنج مثقال کوفته و بیخته بلعاب نبکو بسرشند و قرص سازند
شربتی یک مثقال تا شش ماه قوت این قرص باقی است

قرص کهربا

نسخه صاحب منهاج مستعمل سولف خاصیت وی آنست
که رفتن خون از شکم باز دارد و صنعت آن کهربا و بسد و
مروارید ناسفته و تخم خرفه از هر یک پنج درم مهره ی بز
کوهی سوخته و پوست تخم مرغ سوخته و کتیرا و صمغ عربی
از هر یک سه درم و کشنیز بریان کرده و ختمی از هر یک شش سفید
و سیاه از هر یک شش درم و دوغ سوخته و بزر البنج از
هر یک دو درم عصاره لحیة التیس و اقاقیای مصری و طباشیر
سفید از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بآب لسان الحمل یا
بآب حلبا بسرشند و قرص سازند شربتی یکمثقال تا شش
ماه قوت این باقی است

قرص کهربا

نسخه دیگر مستعمل ختمی شش
سفید و مصطکی و کهربا از هر یک ده درم زعفران دو درم
کوفته و بیخته بآب بسرشند و قرص سازند شربتی یک
مثقال نافع بود

قرص طباشیر کافوری

مستعمل سود مند بود جهت
تب های محرق و دق و تشنگی نشاند و سعال زایل کند صنعت

آن طباشیر

آن طباشیر سفید و ورق گل سرخ و صندل مقاصری و مغز
تخم خیار و مغز تخم خیارزه بلکو و مغز تخم کاسنی و تخم کاهو و تخم
تورک از هر یکی چهار مثقال کافور یک درم کوفته و بیخته بلعاب
بکو بسرشند شربتی یکمثقال و قوت اینهم تا شش ماه باقی

نوع دیگر

می ماند قرص طباشیر کافوری مستعمل نسخه
دار الشفا و تخم حماض بریان کرده و گل مختوم و صمغ عربی
و مورد دانه و طباشیر سفید و ورق گل سرخ از هر یک
بیست درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و قرص سازند

قرص طباشیر کافوری

و شربتی یکمثقال و قوت اینهم تا شش ماه باقی میماند
نسخه صاحب کامل ختمی شش سفید و مغز پاک کنند
تخم کدو و تخم تورک و مغز تخم خیارزه و مغز بیدانه بریان کرده
از هر یک شش درم صمغ عربی طباشیر و تخم حماض و طین
قبرسی از هر یک سه درم نشاسته دو درم ورق گل سرخ
پنج درم کافور یک درم کوفته و بیخته بلعاب بکو بسرشند
و قرص سازند شربتی یکمثقال بآب سیب و آب به

قرص کافور

وآب مورد نافع بود مستعمل خاصیت وی آن است
که خون رفتن از شکم باز دارد صنعت آن سلیخه
رومی و گل ارمنی و صمغ عربی از هر یک چهار درم ورق
گل سرخ و اقاقیا از هر یک سه درم و کتیرا دو درم کوفته
و بیخته بآب گلنار سرشته قرص سازند شربتی یک
مثقال و قوت اینهم تا شش ماه می ماند

قرص گلنار

نسخه صاحب منهاج سلیخه و طین مختوم و مرو و صمغ عربی
از هر یک بیست درم کتیرا یک درم کوفته و بیخته
بآب گل سرشته و قرص سازند شربتی دو درم

نسخه دیگر هم

قرص گلنار مستعمل سلیخه و طین مختوم و صمغ
عربی و گلنار از هر یک پنج درم و کتیرا پنج درم کوفته و بیخته
سرشته شربتی یک مثقال مستعمل مولف

قرص انجبار

جهت سحج بغایت نافع و مفید بود و صنعت آن [illegible]
چهار درم ورق گل سرخ و صمغ عربی کهربا از هر یک سه درم
نشاسته و گل ارمنی سفید و طباشیر و رب السوس

وگلنار

وگلنار از هر یکی دو درم اقاقیا یک درم کوفته و بیخته برب
مورد یا به سرشته و قرص سازند شربتی یک مثقال

قرص کافوری

و قوت این قرص هم تا شش ماه می ماند
مستعمل طباشیر سفید ده درم رب السوس دو درم کاهو
سه درم تخم تورک پانزده درم ورق گل سرخ پنج درم
کشنیز خشک پنج درم اقاقیا و صمغ عربی و گلنار و گل ارمنی
از هر یکی دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بلعاب
نیکو سرشته و قرص سازند شربتی یک مثقال و قوت از شش ماه

صنعت آن

عمل آن باطل نشود مستعمل نسخه صاحب کامل
جهت تب دق بغایت نافع و مفید بود و صنعت آن
مغز کدو و مغز تخم خیار زه و مغز دانه به از هر یک پنج درم
گل سرخ سه درم صمغ عربی صندل سفید و نشاسته از
هر یک دو درم رب السوس و طباشیر از هر یک سه درم
رازیانه یک درم کافور نیم درم تا نیم مثقال باشد مجموعه
کوفته و بیخته بلعاب نیکو سرشته و قرص سازند

قرص کافور

واستعمال نمایند مستعمل وورق گل سرخ
شش درم صمغ عربی وطباشیر از هر یک چهار درم مغز
دانه کدو ومغز تخم خیار بالنگ وتخم تورک وبیخ مهک
خراشیده از هر یک بیست درم ونشاسته سه درم
زعفران دو درم کافور نیم درم کوفته وبیخته بلعاب
نیکو سرشته وقرص سازند واستعمال نمایند

قرص کافور

مستعمل ورق گل سرخ شش درم صمغ عربی وطباشیر
از هر یک چهار درم مغز دانه کدو ومغز تخم خیار وبالنگ
وتخم تورک وبیخ مهک خراشیده از هر یک بیست درم
ونشاسته سه درم زعفران دو درم کافور نیم درم کوفته
وبیخته بلعاب نیکو سرشته وقرص سازند واستعمال

نوع دیگر

نمایند قرص کافور نسخه دیگر صاحب منهاج سود
مند بود وتبهای ملتهب محرق را وتشنگی ساکن گرداند
وتب دق زایل کند ودرد معده وجگر وقذف ساکن گرداند
صنعت آن طباشیر سفید چهار درم ورق گل سرخ بنفشه
درم عود هندی دو درم مغز تخم کدو ومغز خیار بالنگ

وتخم تورک

وتخم تورک از هر یک چهار درم بیخ مهک وصندل مقاصری
وترنجبین پاک کرده ونشاسته وقند سفید از هر یک
یک درم کوفته وبیخته بجلاب ولعاب سرشته
شربتی یک درم باشد استعمال نمایند تا شش ماه

قرص زرشک بزرگ

قوت این قرص می ماند مستعمل سود مند بود
تب های بلغمی وتب های کهنه وورم گرم جگر ومعده را
صنعت آن عصاره زرشک ومغز تخم خربوزه ومغز
تخم خیارزه از هر یک سه درم ورق گل سرخ وترنجبین از هر یک
سه درم تخم کشوث ورب السوس وطباشیر وتخم کاسنی
ومصطکی وسنبل وعصاره وغافث از هر یک دو درم
فو وتخم مقشر وریوند چینی از هر یک دو درم زعفران
یک درم کوفته وبیخته بآب ترنجبین قرص سازند شربتی

قرص بنفشه

یک مثقال وقوت آن هم تا شش ماه باقی است
مستعمل بلغم وصفرا دفع کند ودماغ را پاک گرداند از اخلاط
وتاریکی چشم را زایل کند ودرد سر صفراوی را الغایت سود مند بود

صنعت آن بنفشه خشک چهل درم تربد سفید مجوف تراشیده
بیست درم رب السوس ده درم پوست هلیله زرد
ده درم سقمونیای مشوی چهار درم کوفته و بیخته شربتی
دو مثقال و پنج دانگ تا ده درم شکر سرخ و باید که در شب
قرص سازند و در نشیب غربال نگاه دارد و بیخ گاه در جلاب
شکر سرخ حل کرده باز خورد و قوت این قرص
تا چهار ماه باقی است   نسخه صاحب کامل   قرص بنفشه
درد چشم و درد سر و شقیقه زایل کند و دماغ از اخلاط
پاک کند صنعت آن بنفشه دو درم تربد سفید مجوف یک
درم رب السوس نیم درم سقمونیای مشوی نیم دانگ کوفته
و بیخته قرص سازند   نسخه صاحب منهاج بنفشه خشک   قرص بنفشه
کرده ده درم تربد سفید مجوف و رب السوس از هر یک نیم درم
سقمونیای مشوی نیم دانگ کوفته و بیخته قرص سازند
شربتی سه درم با ده درم شکر سرخ مسهل صفرا
و بلغم بود   مستعمل جهت درد معده و تب های   قرص گل

بلغمی

بلغمی بغایت سودمند صنعت آن ورق گل سرخ هفت درم
عصاره غافث و طباشیر و سنبل الطیب از هر یک یک درم
رب السوس چهار درم کوفته و بیخته با آب قرص سازند
قرص گل   شربتی یک درم و قوت اینهم تا شش ماه باقی است
نسخه صاحب منهاج ورق گل سرخ شش درم اصل
السوس چهار درم سنبل الطیب یک درم و اگر جهت
قطع الغب دو درم و طباشیر چهار درم عصاره غافث
اضافه کند کوفته و بیخته بلیمسنج بسرشند و قرص سازند
شربتی یک درم و بعد از شش ماه قوتش ضعیف شود
مستعمل جهت تب های کهن و صلابت جگر و سپرز و ورم های آن
و درد آن بغایت سودمند بود صنعت آن ریوند چینی شش درم
لک منقی و تخم کرفس و انیسون و عصاره غافث از هر یکی دو درم
نسخه دیگر   کوفته و بیخته با آب بسرشند و قرص سازند شربتی
یک درم تا یک مثقال و بعد از شش ضعیف شود
قرص ریوند نسخه صاحب منهاج ریوند چینی شش درم و لک

نسخه از هر یک سه درم تخم کرفس و انیسون و عصاره غافث
از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسرشند و قرص سازند
شربتی یکدرم تا یکمثقال و بعد از شش ماه قوت آن
ضعیف میشود   مستعمل نسخه صاحب منهاج بود مفید بود
(قرص کبر)
خاصه جهت سپرز صنعت آن پوست بیخ کبر چهار درم
زراوند طویل دو درم تخم پنج انگشت و فلفل سیاه از
هر یک شش درم اشق چهار درم اشق در سرکه بجوشانند
وحل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند و قرص
سازند شربتی یکمثقال با ده درم سکنجبین و قوت این
قرص تا شش ماه باقی است و جهت سپرز استعمال
نمایند   نسخه دار الشفا و بیخ کبر و تخم پنج انگشت
(قرص کبر)
و فلفل سیاه و اسارون و زراوند طویل و ابرسا
از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته
بسکنجبین بسرشند و قرص سازند   مستعمل سپرز را
(قرص پنج انگشت)
بکار دارند و سده را بگشاید صنعت آن تخم پنج انگشت

و تخم کاسنی

و تخم کاسنی و تخم تورک و مغز دانه کدو از هر یک مساوی
کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند و قرص سازند شربتی
یک مثقال و بعد از شش ماه ضعیف شود   مستعمل قرص کم
(قرص ایرسا)
یاد کرده شد قرص کبر و پنج انگشت و ایرسا جهت دفع
سپرز استعمال کنند و این قرص سپرز مجرب شده بکار دارند
و صنعت آن ایرسا چهار درم فلفل سفید یک درم اشق
یک درم اشق را در سرکه حل کنند و داروها بدان بسرشند
و شربتی یک درم تا یکمثقال و تا شش ماه قوت آن
(قرص خشخاش)
باقی است   مستعمل بود مفید بود در ششهای سینه و
شش و تب و درد سینه و درد مثانه زایل کند صنعت آن
ورق گل سرخ و صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته و
کتیرا و رب السوس از هر یک دو درم خشخاش سفید و
سیاه از هر یک سه درم طباشیر پنج درم زعفران دانگی
کوفته و بیخته با آب بسرشند و قرص سازند شربتی یک
مثقال و قوت این قرص تا شش ماه باقی است نسخه

صاحب منهاج ادویه همان است که یاد کرده شد بغیر از طباشیر
چهار درم کوفته و بیخته با آب سرشته شند
مستعمل نسخی صاحب منهاج سودمند بود تب‌های کهن و تب — قرص غافث
ربع و پیده بکند و یرقان و درد جگر و سپرز زایل کند
صنعت آن عصاره غافث بیست درم سنبل الطیب
ده درم طباشیر چهار درم کوفته و بیخته با آب سرشته شند
و قرص سازند شربتی یک درم و قوت این تا شش ماه
باقی می ماند　　مستعمل مغز تخم خیار و بالنگ و حب کاکنج — قرص کاکنج
و مغز بادام سفید کرده و رب السوس و نشاسته و صمغ
عربی و کثیرا و دم الاخوین و کدو و ذکر از هر یک ده درم
تخم کرفس دو درم افیون مصری یک درم کوفته و بیخته
قرص سازند شربتی یک درم تا یک مثقال و بعد از شش ماه
استعمال کنند　　هم قرص کاکنج مستعمل قرحه مثانه — نوع دیگر این
و گرده را بغایت سودمند بود تخم کرفس و بزر البنج از هر یک
شش درم تخم رازیانه و مغز حب الصنوبر و تخم حماض و

مغز بادام

مغز بادام تلخ سفید کرده و افیون مصری از هر یک سه درم حب
کاکنج بیست و پنج عدد و مغز تخم خیار زه دوازده درم
مجموعه کوفته و بیخته با آب رازیانه تر سرشته شند و قرص سازند
شربتی یک مثقال و بعد از شش ماه استعمال کنند — نوع دیگر این
قرص کاکنج مستعمل مغز تخم خیار زه و مغز تخم خربزه
و مغز تخم خیار بالنگ و تخم خیاری از هر یک پنج درم خشخاش
سفید و مغز بهی دانه و رب السوس از هر یک پنج درم
کاکنج کوهی ده درم کوفته و بیخته به میبختج سرشته شند
و قرص سازند و استعمال کنند و بعد از شش ماه قوت — قرص لک
آن ضعیف می شود　　مستعمل نسخه صاحب منهاج لک
منقی و فو و نانخواه و انیسون و تخم کرفس و افسنتین رومی
و اسارون و مغز بادام تلخ و قسط و دارچینی و زراوند
طویل و عصاره غافث از هر یک پنج مثقال کوفته و بیخته
قرص سازند و قوت آن بعد از شش ماه ضعیف شود
و باید که لک مغسول بود و سودمند جهت ضعف جگر

قرص حلتیت

مستعمل نسخه صاحب منهاج سودمند بود جهت تب
ربع صنعت آن مر و حلتیت طیب و فلفل و سداب
خشک از هر یک ده درم کوفته و بیخته بسرشند و قرص سازند
و قوت این تا شش ماه باقی می ماند   صاحب
منهاج سودمند بود جهت سردی معده و جگر و سده های
آن و تب های بلغمی را زایل کند و سده سپرز را زایل کند
و عسر البول را نافع بود و صنعت آن افسنتین رومی و تخم
کرفس و انیسون و اسارون و مغز بادام تلخ از هر یک بمساوی
کوفته و بیخته با آب خالص بسرشند و قرص سازند شربتی
یکمثقال و تا شش ماه قوت آن باقی است بعد از آن ضعیف
میشود   مستعمل نسخه صاحب منهاج سودمند
بود جهت درد جگر و سپرز مجرب است صنعت آن
اسقولوقندریون چهار درم جعده و فرمازج و حب البان
مقل و حب کاکنج و جاوشیر و بلوط و قسط از هر یکی دو درم
افسنتین رومی سه درم کوفته و بیخته جاوشیر را در سرکه

مستعمل نسخه

قرص اسقولوقندریون

بگذرانند

قرص ترجیر

بگذرانند و دار و ها بدان بسرشند شربتی یک درم تا شش ماه
قوت آن باقی است   مستعمل نسخه صاحب منهاج
سودمند بود جهت اختلاف دم و ترجیر صنعت آن
طین مختوم و گل ارمنی و قرظ و طباشیر و طراثیث از هر یکی
دو درم تخم حماض بری و صمغ عربی و جلنار از هر یکی
چهار درم نشاسته و ورق گل سرخ از هر یک سه درم
تخم کرفس و سماق و مصطکی از هر یک یک درم بلوط و نبت
و گلنار و مورد و دانه از هر یک دو درم عفص و زیره کرمانی
مدبر سبد که بریان کرده چنانچه تیر ظاهر است از هر یک هم مثقال
کوفته و بیخته بلعاب بسرشند و قرص سازند شربتی
یک درم و قوت این تا شش ماه می ماند
مستعمل نسخه صاحب منهاج سودمند بود جهت بی خوابی
و درد سر و شقیقه خوب بر غب لی و شقیقه طلا کنند
صنعت آن افیون و مردلادن و کاموز از هر یک یک درم

قرص صداع

وکندر وانزروت وزرانک وطین ارمني از هر یک ده درم
زعفران وبزرالبنج وتوبت بنج تفاح از هر یک پنج درم
کوفته وبیخته بگلاب وآب کاهو سرشند وقرص
هاي مثلث باز زند ودر سایه خشک کنند ووقت حاجت
بآب کشنیز تر وآب ورق کاهو یا بیر که بازنید
وبر پیشانی طلا کنند مستعمل جهت مسلول

قرص سرطان

بغایت نافع بود وصنعت آن طین ارمني وطین
مختوم وطین رومي ونشاسته وورق گل سرخ
از هر یک شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا
وطباشیر سفید وشادنج مغسول از هر یک پنج درم رب
السوس سه درم کوفته وبیخته بآب لسان الحمل سرشند
وقرص سازند شربتي دو درم با شراب انار عذب

قرص سرطان

مفید بود جهت سل ودق ونفث الدم
شادنج مغسول پنج درم رب السوس سه درم وگل

ارمني

وگل ارمني چهار درم گل رومي وچهار درم کهربا وشش درم
نشاسته وورق گل سرخ از هر یک چهار درم سورد وانه شش درم
سرطان سوخته ده درم طباشیر وکثیرا دو درم کوفته و
بیخته بآب سرشند وقرص سازند شربتي یک مثقال

قرص الکواکب

سودمند بود جهت ضعف معده که از فضول اخلاط بود
وصداع ودرد رحم را دفع سمها که خورده باشند
بکند ودفع گزنده گی جانوران بکند صفت آن خبد بیدستر
ومر وسلیخه وطین مختوم وطین ارمني وتوبت بنج
تفاح وطلق از هر یک چهار درم زوفا وافیون و
تخم کرفس وبسبا لیوس وبزرالبنج سفید ومیعه سایله
از هر یک هشت درم مر ومیعه در مثلث حل کنند وقرص
سازند شربتي نیم مثقال وبعد از شش ماه استعمال کنند

وقوت این دو قرص تا دو سال مي ماند

باب الحادي عشر في الا

ایارج روفس اخلاط سوداوي وبلغمي وداء الثعلب را عظیم نافع

بود و در تفسیر ایاره دواء الهی است و ایاره سالم‌تر از حب
و مطبوخات بود و صنعت آن شحم حنظل بیست درم صبر
سقوطری پنج درم سکبینج و جاوشیر از هر یک هشت درم
خولنجان ده درم کمادریوس بیست درم فلفل سفید و
قطراسالیون و زراوند مدحرج و دارچینی و سلیخه
و زعفران و زنجبیل و جعده و مرصافی از هر یک دو درم
کوفته و بیخته صمغها در شراب حل باید تا حل شود و با عسل
کف گرفته سرشته عسل سه درم ادویه شربتی دو
مثقال با قدری افتیمون و ثلث هلیله سیاه و بوزیر
طالیقون و غاریقون و اسطوخودوس و کماقیطوس و بسفایج
و گاوزبان نیم درم ملح هندی حب باید کرد یا سرشتند
بجرعه فرمایند و قوت این ایاره بعد از شش ماه تا
چهار ماه می ماند

ایارج فیقرا

سودمند بود جهت امراض بسر و
رطوبت معده و درد مفاصل و قولنج و وجع بلغمی و

فالج و لقوه

و فالج و لقوه و استرخا و گرانی زبان صنعت آن مصطکی
و زعفران و سنبل الطیب و حب بلسان و اسارون و سلیخه
و دارچینی و عود بلسان از هر یک یک مثقال صبر سقوطری
هشت مثقال و بعضی شانزده مثقال می کنند کوفته و بیخته
و در ظرفی آبگینه کنند و قوت آن تا چهار سال
باقی باشد شربتی یک مثقال تا دو درم با ادویه دیگر
که صنعت آن در حب ایارج گفته شد

ایارج جالینوس

سودمند بود فالج و لقوه و تشنج و استرخا و خلطهای
لزج دفع کند و مثانه را سودمند بود و کسی را که منی غیر از
اراده وی جدا شود و نافع بود صنعت آن شحم
حنظل و غاریقون و افتیمون مشوی و اشق و سقمونیا و حجر ارمنی
سیاه و هو غاریقون افربیون از هر یک شانزده
درم بسفایج و افتیمون اقریطی مقل ازرق و کمادریوس
و سلیخه و فراسیون از هر یک یک درم مرصافی و سکبینج
و زراوند طویل و فلفل سیاه و سفید و دار فلفل و دارچینی

وجاوشیر وجند بیدستر وقطراسالیون از هر یک چهار درم
وبعضی از اطبا زعفران وصبر از هر یک چهار درم
بیکنند کوفته وبیخته وصمغ در شراب حل کنند ودواها
کوفته وبیخته وبعسل کف گرفته بسرشتند ومجموع باهم
نیک بسرشته کنند شربتی از و دو مثقال با فرکه هلیله
کابلی وافتیمون وسونیز طالیفون نیم درم نمک هندی در آن
خوب سائیده باشند واین ایاره بعد از شش ماه تا چهار سال
قوت دارد   این ایاره مبارک است   ایاریج لوغاذیا
بسیار منفعت دارد بدن را پاک کند وهمه خلطها
وفضلهای که مختلف از قعر بدن پاک کند وخلطهای
زنج عفن محترق دفع کند واین مسهل بی زحمت بود
وسودمند بود در فالج ورعشه را وقوت تشنج وصرع
وجذام وداء الفیل وبهق وبرص وقوبا وشقیقه
وصداع ودوار وصمم ووسواس وشهوة کلبیه وتغیر عقل
وعسر النفس وورم گرده ومثانه ونقرس ووجع مفاصل

وعرق النسا

وعرق النسا ودرد گوش وداء الثعلب وداء الحیه وریش
های کهن را هم نافع بود وحیض بسته بگشاید آن نسخه حنظل
پنج درم اسقیل مشوی وغاریقون وسقمونیا وخربق سیاه
واشق واسقوردیون از هر یک دو درم ونیم افتیمون اقریطی
وکمادریوس ومقل ازرق وصبر سقوطری از هر یک درم
حاشا وسابافرج وهو غاریقون وفراسیون وجعده
وسلیخه وفلفل سفید وسیاه ودار فلفل وزعفران
ودارچینی وجاوشیر وبسفایج وسکبینج وجند بیدستر
ومر صافی وقطراسالیون وزراوند طویل وعصاره افسنتین
وفراسیون وسنبل وحماما وزنجبیل وجنطیانای رومی و
اسطوخودوس از هر یک دو درم کوفته وبیخته صمغ در شراب
خیسانیده تا حل شود وهمه را بعسل کف گرفته بسرشتند
شربتی چهار مثقال قوت آن بعد از شش ماه
تا چهار سال می ماند واول آن بود که شب فرو برد وصباح
خلال از بسفایج وزوفا وافتیمون پوست هلیله کابلی وگاوزبان

باب الثاني عشره
في الشافيات
نسخه کنکری

واسطوخودوس و موترطالفیر و قدری نمک بجرع فرمایند
نافع بود مستعمل کاتب بوره ارمنی پنج درم
کنکری سی درم خطمی بیست درم شکر سرخ پنجاه درم
شحم حنظل پنج درم شیاف خیار چنبر خطمی و تنقه
از هر یک سه درم بوره ارمنی پنج درم سنا و مکی دو درم
عسل خیار چنبر پنج درم شکر سرخ پنج درم

باب الثالث عشر
في الترياقات ترياق
فاروق بزرگ

ترياق بزرگ خوانند و طبیعت آن
گرم و خشک است سودمند گزیدن جانوران را و جمیع
زهرها و ادویه کشنده و شربتی از آن بقدر حاجت بود
اندک آن یک حبه و زیادت آن دو مثقال
و چون بر موضع گزنده کی طلا کنند سودمند بود و قوت
دل بدهد و جمیع مرضهای سرد را سودمند بود و اگر خواص
آن نوشته شود دراز گردد و سعال و عسر النفس و درد سینه
و شش و نفع معده و قولنج و استسقا و برص و بهق
و جذام و اوجاع مفاصل و مجموع و مرضها که از صداع

و بلغم

و بلغم بود و نافع باشد و صرع و صداع و تاریکی چشم و درد شقیقه
و بواسیر را نافع بود و بول براند و صنعت یک بدی صنعت آن
اقراص عنصل چهل و هشت مثقال اقراص مخصله چهل و هشت
مثقال اقراص افاعی و اقراص اندروخون و فلفل سیاه
و افیون مصری از هر یک بیست و چهار مثقال و ورق گل
سرخ و تخم شلجم بری و ثوم بری و ایرسا و عاقرقرحا
و ربّ السوس و روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال
و دارچینی بیست و چهار مثقال و معصر دوازده مثقال
سیکت و مر و زعفران و زنجبیل و راوند چینی و قیطافلون
و فودنج جبلی و فراسیون و قسط و قطراساليون
و اسطوخودوس و فلفل سفید و دارفلفل و کندر و کر
و سکطرا و شیعه و فقاح اذخر و حمع البطم و سلیخه
و سنبل الطیب و جعده از هر یک شش مثقال لبنی و تخم
کرفس و سب لیوس و حرف بابلی و کمادریوس و ناکخواه

وکمافیطوس وعصاره لحیة التیس ومازریون افلیطی
وسنبل جبلی وساذج هندی وهو وخطاطا وتخم رازیانه
وطین مختوم وزاج محرق که تمام سوخته باشد وحماما وج
وحب بلسان وهو غاریقون وفودنه وصمغ وقردمانا
وانیسون واقاقیا از هر یکی چهار مثقال وفودنه وسقل
الیهود وجاوشیر وقنطوریون باریک وزراوند مدحرج
وسکبینج از هر یک دو مثقال جندبیدستر دو مثقال و بعضی
چهار مثقال می کنند عسلی که از کف جدا شده بود ده رطل
شراب کهنه خوب هشت رطل باید که بوزن بغداد
باشد هر رطل نود مثقال صمغها و عصارات شراب
خوب باشد و تا حل شود و عسل بر سر آن کنند و یک شبانه روز
رها کنند و بعد از آن ادویه کوفته و بیخته روغن بلسان
چرب کنند و بعسل مطبوخ سرشته و در ظرف نقره یا
چینی یا رصاصی یا آبگینه کنند و باید که ظرف پر نکنند

واستعمال کنند

واستعمال کنند بعد از یکسال بعضی جایز داشته باشند بعد از شش ماه
وبعضی گفته اند نشاید که استعمال کنند تا پنجسال بدان بگذرد
تا هفتاد سال وبعضی گفته اند که مستعمل نشاید که کنند
الا بعد از دوازده سال و آن زمان در غایت جوانی
وقوت باشد تا سی سال و بعد از سی سال گذشت تا شصت سال
قوت آن باقی است و هر خواص که گفته اند هم چنان داشته
باشد لیکن بعد از شصت سال همه مرضها که بدان نافع است
سمان عمل کنند اما دفع شود و لدوغ و نهوش نکند و آن
بقوت معاجین بزرگ بود

تریاق

الطین کسی را که
زهر داده باشند یا داروی زهرناک باین معلوم می توان
کرد که چون این تریاق بنوشد قی آورد واگر نداده
باشند قی نیاورد و صنعت آن گل مختوم و حب الغار
اجزای مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند
و با شیره تازه نیم گرم بیاشامند

تریاق اربعه

تریاق کوچک خوانند

سود مند بود گزندگی جانوران خصوصاً عقرب و باد غلیظ
که در معده بود و در روده و جگر و سپرز بود و وغ و
خفقان سود مند بود و اگر زنی را که بزاییدن رفته باشد
باشکل زاید یکمثقال فرو برد سهل کرد و صنعت آن
خبط مای رومی و حب الغار و زراوند طویل و مرمکی از
هر یکی سه درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته
بسرشند یکمثقال با آب ببرد و مقدار دو سال عمل وی باطل گردد

سود مند بود جهت گزندگی جانوران و بادهای
غلیظ که در روده بود و در جگر و سپرز و صرع و خفقان
و لقوه و فالج صنعت آن حماما و مرصافی و سنبل هندی
و سادج هندی و ملک باتنا و قرنفل و ریوند چینی و
فتمولیا و قسط تلخ و خبط مای رومی از هر یک دوازده درم
فقاح اذخر و عصاره لحیة التیس و مقل ازرق
از هر یک هشت مثقال عاقرقرحا و دارچینی و تخم راز

تریاق موره

رازیانه و تخم کرفس و کوکر خوب و تخم شبت و اسارون و قرد
مانا و فراسیون و افیون و مازریون و اقلیطی از هر یک سه درم
کندر و خشخاش سفید و سیاه از هر یک یکمثقال بزرالبنج بیست او
هشت مثقال سلیخه و ورق گل سرخ و اقراص اندروخوس
از هر یک نه مثقال تخم سداب یکمثقال دانه اترج مقشر
و کمافیطوس رومی و میعه از داته از هر یک دو مثقال روغن بلسان
بیست و چهار مثقال قیصوم بیست مثقال فقاح المر چهار
مثقال و پنج ورق اترج سیزده مثقال صمغ و عصارات
در ثلث خوب تر شده و با قرا ادویه کوفته و بیخته سه وزن ادویه
عسل مصفی و دارو را با روغن بلسان چرب کنند و تعجیل
بسرشند و در ظرف چینی کنند و بعد از شش ماه
استعمال و شربتی تا یکمثقال بود و قوت باین تا هفت
سال باقی ماند و بعد از ان باطل گردد
که آن را از تریاق شمرده اند سود مند بود در زهرهای مختلف

مثرودیطوس

وگزندگی جانوران وسگ دیوانه وقولنج بگشاید وفالج و
لقوه واستسقا را نافع بود وسده جگر بگشاید وورم
های صلب نرم گرداند وسینه را از اخلاط پاک گرداند ورطوبتی
که در شکم بود دفع کند ودرد معده وامعا بازدارد و
واخلاط وخون رفتن بازدارد وقوت باه بدهد
وگونه روی نیکو گرداند واشتهای طعام بازدارد وسنگ
مثانه بریزاند وبچه در رحم نگاه دارد ودهن صافی کند
وجوانی بکند ودفع همه زهرها بکند وخاصیت این نزدیک
است تریاق فاروق صنعت آن مر وزعفران
وغاریقون وزنجبیل ودارچینی وعلک البطم وکتیرا از هر یک دو
درم سنبل الطیب وکندر وخردل سفید وعود بلسان
واسطوخودوس واذخر وقسط وسالیوس وکما
فیطوس وقفنه وراتینج ودارفلفل وعصاره صوف
طیداریس وجندبیدستر وجاوشیر ومیعه وساذج

هندی

ساذج هندی از هر یک هشت درم سلیخه وفلفل سیاه و
سفید وسورنجان وجعده واسطوردیون واکلیل الملک
وحبطانای رومی وروغن بلسان وفرفیون وآن مرض
مرکب است ماتنداند وخون وفوح ومقل از هر یک هفت درم
بداب ودو درم اشق ومازوین الیلیطی ومصطکی
وصمغ عربی وقطراسالیون وفردمانا وافیون وتخم
رازیانه وورق گل سرخ ومشک طرا وشیعه از هر یک
پنج درم انیسون ووج وفوت وهوفسطیح وبارون
از هر یک سه درم اقاقیا وهوغاریقون وسبره سقنقور از
هر یک چهار درم ونیم صمغ در شراب کهن ریحانی خوشبو تند
حل کند وباقی دارو را کوفته وبیخته با سه عسل مصفی سرشند
وبعد از شش ماه استعمال کند وشربتی یکمثقال بود
تا هفت سال باقی ماند سودمند بود صنعت بیاند

حبه گزندگی

زراوند مدحرج وپوست بیخ کبر از هر یکی سه درم کوفته وبیخته

اسلیح بیاض عمرو دن

باب بیان شامند سنونی که دندان را جلا دهد صنعت آن

بگیرد شاخ بزکوهی سوخته و نمک اندرانی و کف دریا از هر یکی

جزوی و سادج هندی ربع جزو و سفال چینی جزوی کافور

عشر جزوی مجموعه کوفته و بیخته سنون سازند

سنونی که دیگر دندان را جلا دهد

و سیاهی برد صنعت آن بگیرد زراب

گینه شامی و کف دریا از هر یک برابر و هر دو را نیکو

بساید و برد بدان مالد و باید که گوشت بن دندان

نگاه دارد تا سوده نشود کف دریا و نمک

سنون دیگر

سوخته و سفال چینی و خاکستر صدف و چوب سوخته

و خاکستر بیخ نی و زراوند مدحرج از هر یک جزوی کوفته

و بیخته بر دندان مالد که بوی دهان خوش کند

سنونی دیگر

و بیخ دندان محکم کند و قوت دهد صنعت آن بگیرد

شاخ بزکوهی سوخته و نمک سوخته بعسل معجون کرده

از هر یک ده درم گلنار و کماق از هر یک دو درم

بکه

سنون قطع

سپید سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته سنون سازند

که کندی بینی قطع کند صنعت آن بگیرد مرو

و قلقطار و سک و پوست انار و قصب الذریره و قرنفل

و زیره هاسیاوی بکوبید و بپزد و فتیله و دیگر بدان دارو

سنون جهت

بیاغازد و در بینی نهد جهت جوشیدن دهن

صنعت آن فوفل و اقاقیا و کمابی دانه و طباشیر و

گلنار و ورق گل پنج و آرد جو مجموع مثل وی کوفته

و بیخته اول قدری سرکه و دو چندان گلاب بر سر هم

باب خامس عشر در الادهان

کنند و نیم گرم کند و یکتان پاره دهن بدان بشویند

و بعد از آن سنون سازد روغن بنفشه

و بادام شیرین و سفید و هر یک بادام مدو نیم کند و خیک

کند و هر یکمن بادام نیم من گل بنفشه در میان آن کند

و پشت شب جامه خواب اندازد و بر روی هم خان

پهن کند و چون روز بگذرد اگر دیگر بنفشه مکرر کنند

وخوشبو باشد و تا چهل روز در آفتاب بنهند و بعد از آن
روغن بگیرند

روغن گل سرخ
بگیرد ورق گل سرخ تازه و در شیشه
کند و روغن کنجد برسر آن کند و چهل روز در آفتاب
بیاویزد و بعد از آن فشرده بگیرد و استعمال کند

روغن بادام
در میان گل حنا چنانچه در بنفشه ذکر رفت بپرورد و
روغن بگیرد

روغن گل سفید
یاسمین و خیری و سوسن و نرگس و زنبق
و نسرین و نرگس و شقایق و امثال این بدین نوع
بسازند که در روغن گل سرخ گفته شد

روغن بادروج
بگیرد
آب ریحان یک من و یک چهار یک روغن کنجد قدری
آب برسر آن کنند و بجوشانند تا آب سوخته گردد
و روغن بماند

روغن کدو
بطریقه روغن ریحان باید گرفت

روغن حب
بگیرد فرنجمشک چهار درم خشک نیم کوفته ده درم
بجوشانند و صافی کنند و نیم من روغن کنجد برسر آن کنند
تا آب بسوزد و روغن بماند

روغن قسط
سودمند بود

درد جگر

درد جگر و سردی معده و سردی مفاصل و استرخای
آن صفت آن قرنفل ده درم ساذج هندی و سنبل
الطیب میعه سایله ایرسا قرفه اشنه قسط از هر یک
بیست درم راسن خشک سلیخه عیدان بلسان از
هر یک ده درم مرزنجوش ده درم نیم کوفته یک شبانه روز
در پنج من آب خیسانیده شود و بعد از آن بجوشانند از اول
روز تا آخر روز با آتش آهسته و صافی کنند و دو من
روغن زیتون بدان نهند و بجوشانند تا آب بسوزد
و روغن بماند و به بخار بگذارد و بعد از آن استعمال کنند

روغن بابونج
بگیرد بابونه در سایه خشک کرده یک رطل و نیم من
روغن کنجد و در قنینه کند و در آفتاب بیاویزد با چهل
روز و بعضی بیست درم حلبه اضافه کنند

روغن کنجد
تخم شبت در سایه نیم خشک کرده در شیشه کند و چهل روز
در آفتاب بیاویزد

روغن حنا
بگیرد ورق حنا و بجوشانند

وصاف کنند و روغن کنجد بر سر آن کنند و بجوشانند
تا آب بسوزد و روغن بماند   بگیرد آب مورد

روغن مورد

تر سه رطل و روغن کنجد یا روغن بادام یک رطل
بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند و چون [illegible]
خواهند گرفت پنج درم لادن در آن بگدازند

الباب السادس عشر فی المراهم

مرهم شادنج

جهت بواسیر و شقاق عظیم
نافع بود صنعت آن بگیرد روغن بنفشه و روغن بادام
از هر یک ده درم عصاره لحیة التیس و گل قبرسی
و گل ارمنی و شادنه شسته از هر یک سه درم افیون
نیم مثقال و چهار حبه موم سفید پنج درم اسفیداج دو درم
زعفران یک درم داروها کوفته و بیخته و بغایت
سحق کرده با روغنها بگدازد و در هاون کنند و بمالد
نیک داروها بدان بریزد و سحق کنند تا یکسان شود

مرهم سفید

گوشت برویاند و حرارت را نافع بود صنعت آن موم

سفید

[illegible] والله اعلم [illegible]

سفید و اسفیداج از هر یک دو درم و روغن گل چهار درم
موم بر روغن بگدازد و اسفیداج بدان ریزد و در هاون
بمالد بغایت نیکو بود   گوشت فاسد بخورد و گوشت

مرهم سیاه

نو برویاند و بیشتر جراحتها را سودمند بود صنعت آن
مردارسنگ نیم رطل زیت صافی کرده یک رطل و ربع موم
صافی ربع رطل زفت رومی بیست درم علک پنج درم
علک و موم و زفت با زیت بگدازند و مردارسنگ
بران ریزند و در هاون می مالند تا منعقد شود

مرهم خل

گوشت برویاند و ریش خشک کند صنعت آن مردار
سنگ ده درم کوفته و بیخته با چهل درم سرکه و
چهل درم زیت بریزند و در هاون بسایند بمبالغه تا
یکسان شود   و اگر خواهد که دو درم زنگار کوفته
و بیخته اضافه کند   جهت خنازیر و سلع بغایت نافع بود
و جهت ورمها صنعت آن بگیرد حلبه و بزر کتان

وخطمی سفید از هر یک یک کفچه و هر یک جدا جدا در آب بجوشانند
یک شبانه روز بعد از ان بگیرد از لعاب هر یک یک رطل
و نیم دانه مرداسنگ یک رطل و نوبت سحق کنند و با زیت
بجوشانند سه رطل تا نزدیک انعقاد و لون آن تغیر یابد
بعد از ان لعابات را بجوشانند و بعد از ان مرداسنگ
و روغن بر سر وی می ریزد اندک اندک و با آتش نرم بجوشانند
تا تمام منعقد شود   مرهم که بجهت سوختگی بغایت نیکو
بود و هر عضو که سوخته باشد صفت آن بگیرد اسفیداج
اسربی و دم الاخوین جلبیده و مرداسنگ از هر یکی
مساوی بغایت سحق کرده و موم سفید قدری روغن
گنجد و موم باهم بگدازد و داروها کند و چند نوبت باب
شیرین بشوید و بعد از ان داروها پوده بر ان افشانند
و بمبالغه بساید و دیگر بار بشوید و استعمال کند مفید بود

اتمّ والله ولقایه و حسن
توفیقه و عواطفه و حیاته
تمت الکتاب بعون
الملک الوهاب